

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۱۲ تا پنجشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۵ خورشیدی

سال چهل و سوم - شماره ۲۰۳۵

انتقام امام شهید

قبل از پیکر مطهرش

به خاک سپرده شد

از شعار انتقام تا مذاکره

با «قاتلان رهبر»

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و سوم
کیهان شماره ۲۰۳۵ (۵۶۹)

۱۲ تا ۱۸ تیر ۱۴۰۵
۳ تا ۹ ژوئیه ۲۰۲۶

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان
KAYHAN LONDON
NEWS AND OPINION FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌گسترده حضور نظامی و تاکتیکی‌های «دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.»
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. P.O. Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها
حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا
لطفا جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران
شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۷۲۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirniah.com Email: pirnia@pirnia.com



کیهان

فهرست مطالب

۴ سرمقاله- زنگ خطر فرسودگی اجتماعی در ایران / روشنگر آسترکی

۴-۵ تیر هفته - از شعار انتقام تا مذاکره با «قاتلان رهبر»... /

۶ شاهزاده رضا پهلوی: کشتی جمهوری اسلامی در حال غرق شدن است... /

۷ شاهزاده رضا پهلوی: ما همچنان وظیفه داریم از هر فرصتی برای رساندن صدای ملت ایران به جهان... /

۷ حضور شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان بریتانیا... /

۸ توافق سه جانبه اسرائیل، لبنان و آمریکا؛ نتایج: توافق صلح ضربه سختی به جمهوری اسلامی خواهد بود... /

۸-۹ رافائل گروسی: «اجماع غیر قابل انکاری» در مورد دسترسی بازرسان آژانس به سایت‌های ایران... /

۹ وال استریت ژورنال: ترامپ پس از بررسی گزینه «جنگ تمام عیار» تصمیم به ادامه مذاکره با... /

۱۰-۱۱ شیرین عبادی و جمعی از کارشناسان: دانشگاه جرج واشنگتن عملکرد سینا عضدی را بررسی کند... /

۱۱ از گوساله سامری تا گوساله هرست... /

۱۲-۱۳ دکتر حسن رهنمودی: بر سکوی آرزوها / بخش (۲) ... /

۱۴-۱۵ «تفاهم نامه اسلام آباد» در سایه توافق صلح لبنان و بازداشت فاسدان حامی جمهوری اسلامی در عراق... /

۱۵ حملات محدود آمریکا به یکه تاسیسات موشکی، پهبادی و رادار ساحلی قشم و سپر یک... /

۱۶ اعضای خبرگان رهبری ضمن «مهدورالدم» خواندن ترامپ و نتایج با بازگشایی تنگه هرمز... /

۱۷ توقف موقت مذاکرات با آمریکا تا بعد از برگزاری مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای... /

۱۸ تعویق مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا در پی افزایش درگیری‌ها در تنگه هرمز... /

۱۹ اختلاف در «مجلس خبرگان رهبری» بر سر معامله با آمریکا... /

۱۹ دومین حمله پیاپی آمریکا به یکه تاسیسات نظامی در جنوب ایران در واکنش به حمله سپاه پاسداران... /

۲۰ از اسپیناک تا ایران؛ وقتی انسان‌ها با ازدوزهای متفاوت، در مرگی مشترک به هم می‌رسند... /

۲۱ سری‌ترین پروژه جمهوری اسلامی... /

۲۱ بزرگترین سرعت اطلاعاتی قرن... /

۲۲-۲۳ اگر تاریخ راه دیگری را انتخاب می‌کرد؛ نگاهی به مجموعه‌های تلویزیونی «برای تمام... /

۲۳ خطاب به طرفداران جمهوری اسلامی... /

۲۴ جمهوری اسلامی هر گونه مذاکره با آمریکا را تکذیب کرده؛ سی‌ان‌ان: ویتکاف راهی قطر شد... /

۲۴-۲۵ قیمت ارز و طلا در بازار ایران دوباره افزایش یافت... /

۲۵ بازداشت بیش از ۴۷ مقام ارشد عراق به اتهام فساد اقتصادی و دزدی... /

۲۶-۲۷ تورم فزاینده و درآمد‌های ناچیز؛ ده‌ها میلیون نفر از جمعیت ایران چگونه به زیر خط «فقر مطلق»... /

۲۷-۲۸ علت اختلال دو هفته‌ای در خدمات دهی بانک‌ها؛ هک توسط اسرائیل با اقدام بانک مرکزی برای... /

۲۸-۲۹ هشدار کارشناسان درباره «مومنتوم توری» در اقتصاد ایران... /

۳۰ تورم مواد غذایی در دولت پزشکیان ۵/۵ برابری شد... /

۳۱ رکورد تکانه‌دهنده تورم در خردادماه؛ تورم نقطه‌ای به مرز ۹۰ درصد رسید... /

۳۲ تابوت به جای وصیت نامه؛ جمهوری اسلامی در جستجوی مشروعیت پس از خامنه‌ای... /

۳۳ تورم مواد غذایی در دولت پزشکیان ۵/۵ برابری شد... /

۳۴ جاماندن ۸۴ درصد مردم ایران از بازار مسکن؛ کارگران ناتوان از پرداخت اقساط ۱۲ تا ۱۴ میلیون تومانی... /

۳۵ کاهش تکانه‌دهنده نرخ مشارکت اقتصادی در ایران؛ زنان قربانیان آشفتگی در بازار کار... /

۳۶ تنش آبی در ۵۸ شهر و صدها روستای ایران... /

۳۷ اختلال مهندسی شده اینترنت در ایران ادامه دارد... /

۳۸-۳۹ گسترش تجمعات صنفی در ایران؛ از کارگران و بازنشستگان تا کشاورزان... /

۳۹ نقد و نظری بر اندیشه‌های آرامش دوستدار با سخنرانی عباس فیض... /

۴۰-۴۱ ما به این راستی‌ها پایبندیم... /

۴۲ تشدید فشارهای انضباطی، امنیتی و قضایی بر دانشجویان... /

۴۳ اقتصاددانان مهار تورم اقتصاد ایران را در گرو صلح و اصلاحات ساختاری می‌دانند... /

۴۴-۴۵ موج جدید گرانی دارو؛ دولت بار افزایش هزینه‌های سلامت را بر دوش مردم انداخت... /

۴۵ روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه؛ شکنجه برای جمهوری اسلامی «ابزار بقای حکومت» است... /

۴۶ مراسم رونمایی از کتاب «حجابی برای رنگ‌ها» با موضوع جامعه رنگین‌کمانی... /

۴۶ گفتگو با بیژن دانشمند؛ نقش آفرینی در نمایش «زیر سایه»... /

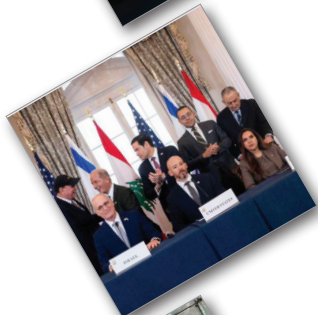
۴۷ پرویز صیاد در شهرهای مختلف آلمان؛ از نمایش فیلم تادیدار با شهر دار فرانکفورت... /

۴۷ سیزدهمین دوره فستیوال فیلم «چشم‌انداز ایران» در شهر کلن... /

۴۸-۴۹ خبرهای کوتاه... /

۵۰ پشت جلد- عکس هفته/ حاصل وعده آب مجانی: بی‌آبی و تنش آبی در صدها شهر و روستا

بازنشر
بازنشر



سرمقاله

زنگ خطر فرسودگی اجتماعی در ایران

جامعه ایران این روزها با پدیده اختلال سازگاری (انطباقی) روبروست؛ مفهومی که در روانشناسی اجتماعی برای توصیف فرسودگی ناشی از سازگاری اجباری و مداوم با بحران‌های پی‌درپی به کار می‌رود؛ بحران‌هایی که سرکوب دهشتناک اعتراضات دی ۴۰۴، فشارهای ناشی از شرایط جنگ، تورم سه رقمی و بیکاری میلیونی شهروندان در ماه‌های گذشته را شامل می‌شود. فرسایش تدریجی سرمایه اجتماعی، بی‌تفاوتی عمومی به بسیاری از امور مرتبط با زیست اجتماعی، و ناامیدی و بی‌اعتنایی نسبت به سرشوت جمعی، از نمونه پیامدهای بروز این پدیده هستند.

تورم مزمن در ایران یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری پدیده اختلال سازگاری (انطباقی) بوده است. تورم در اقتصادها معمولاً به صورت شوک بروز پیدا کرده و اثرات آن اگرچه جامعه را به شدت متأثر می‌کند اما زودگذر است و همین زودگذر بودن عوارض، امکان عبور از آسیب‌ها و بازایی را به جامعه می‌دهد؛ اما تورم مزمن در ایران، جامعه را در معرض فرسایشی مستمر قرار داده است.

فقر که برجسته‌ترین عارضه تورم مزمن است - بر اساس آمارهای رسمی - اکنون بیش از دو سوم از جامعه ایران را فرا گرفته است؛ همچنین آخرین برآوردها نشان می‌دهد دست‌کم یک سوم از جمعیت کشور دچار «فقر مطلق» هستند. تورم مزمن در سفره‌های خانوارها نیز ردیابی دردناک را به جا گذاشته است. میلیون‌ها خانواده به‌طور پیوسته از تهیه خوراک کافی محروم هستند و بسیاری از فاکتورهای زندگی معمولی مانند سفر، تفریح و آموزش را به‌ناچار حذف کرده و حتی قادر به پیگیری درمان نیستند.

این تصویر هولناک، در کنار سرکوب‌های مختلف حکومتی که به درازای چهل‌وهفت سال در جریان بوده، جامعه را به مرور با احساس طرد شدن، رها شدن، و بی‌ارزشی روبرو کرده است. بخش قابل توجهی از جامعه ایران در چرخه‌ی باطل فشار اقتصادی و حکومتی، احساس توانمندی، اثرگذاری، و ایجاد تغییر را از دست داده است. از سوی دیگر تورم مزمن، بحران‌های معیشتی، درآمد‌های ناکافی و بیکاری، دهک‌های پایین درآمدی را وارد فاز «بقا» کرده؛ فازی که یک واکنش طبیعی ا فشار درگیر با آن، «بی‌تفاوتی اجتماعی» و «اولویت قرار دادن حیات خود به حیات دیگری و جامعه» است.

اینهمه در کنار تشدید آسیب‌های روانی به جامعه ایران، سبب تضعیف و فرسایش سرمایه اجتماعی شده است. سرمایه اجتماعی همواره به‌سختی شکل می‌گیرد و در صورت فروپاشی، بازسازی آن بسیار دشوار است. فرسایش سرمایه اجتماعی معمولاً تدریجی و خاموش، اما به شکلی عمیق، صورت می‌گیرد و به همین دلیل پیامدهای آن ممکن است تا چند نسل دامن جامعه، و همچنین فرهنگ، سیاست و حتی اقتصاد در یک کشور را بگیرد.

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد بی‌اعتنایی حکومت به سلامت روان جامعه و تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی کاملاً آگاهانه در جریان است چرا که همواره «مردم» به‌عنوان بزرگترین تهدید علیه جمهوری اسلامی ارزیابی شده‌اند. همچنین مسئولیت مستقیم آن بر عهده ساختاری است که بجای پاسداری از کرامت، امنیت و آینده شهروندان، روح جمعی یک ملت را هدف گرفته است.

حکومت ایران سالهاست زیر نظر اتاق‌فکرهای امنیتی و به‌صورت سازمان‌یافته، عاملیت و نقش‌آفرینی موثر اجتماعی مردم را از آنها سلب کرده است؛ به‌طوری‌که از دید بسیاری از شهروندان ایران، سقوط به زیر خط فقر و آمیخته شدن با فلاکت هر روزه، و زیر انواع فشارها و سرکوب‌های حکومتی قرار داشتن دیگر یک شرایط زودگذر و موقت نیست، بلکه به یک ویژگی ساختاری تبدیل شده است و به همین دلیل بازسازی سلامت روانی و اجتماعی ایران، بدون عبور از این ساختار فرساینده ممکن نیست.

تیر هفته

زنگ بر پیشانی جمهوری اسلامی مجوز مجتبی خامنه‌ای به مذاکره با قاتلان پدر



● تا پیش از جنگ، ادعا می‌شد «میدان» و «دیپلماسی» هماهنگ با یکدیگر منافع نظام جمهوری اسلامی را پیش می‌برند، اما پس از جنگ چهل‌روزه، در شرایطی که علی خامنه‌ای و جمعی از مقامات ارشد سیاسی و نظامی کشته شدند، سرداران سپاه «دیپلماسی» را نیز بدست خود گرفتند و وارد مذاکره با نمایندگان دولت ترامپ شدند. حاصل این مذاکرات، «تفاهم‌نامه‌ای» مبهم است.

ادعا می‌کنند خواهان جنگ نیستند و بدنبال حل و فصل دیپلماتیک اختلافات هستند، اما در تمام مفاد آن تعارض منافع، آشکار است.

جمهوری اسلامی «توافق» را مشروط به وضعیت لبنان کرده است. مقامات حکومت مدافع منافع حزب‌الله لبنان هستند و خواستار عقب‌نشینی اسرائیل تا مرزهای جنوبی لبنان‌اند؛ خواسته‌ای که مقامات اسرائیلی تحت هیچ شرایطی آن را نمی‌پذیرند.

تنگه هرمز، لقمه گلوگیر

حکومت تلاش می‌کند از تنگه هرمز به‌عنوان یک اهرم چانه‌زنی بهره‌برداری کند. گروهی از سرداران سپاه معتقدند باید بسته ماند و اما انسداد آن در عمل به یک «لقمه گلوگیر» تبدیل شده است تا جایی که محمدباقر قالیباف هشدار داده این تنگه نباید به ضد خودش تبدیل شود. او به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد از سوی بخشی از مقامات و هواداران نظام متهم به «خیانت» شده است.

قالیباف می‌گوید، اهمیت نعمت الهی و ابزار قدرتی به نام تنگه هرمز در «رونق» آن است و باید روزبه‌روز امنیت آن بیشتر شود و هزینه بیمه کشتی‌ها هم کاهش یابد. به نظر می‌رسد این نگاه به هرمز با ذهنیت تندروها از آینده تنگه، تفاوت زیادی دارد.

وضعیت تنگه هرمز و دریافت عوارض از کشتی‌های خارجی از یک‌سو به اختلافات درون حکومتی دامن زده و از طرف دیگر به تشدید درگیری‌ها میان جمهوری

همزمان با تدارک گسترده برای برگزاری مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای، حکومت مذاکرات فشرده‌ای را با آمریکایی‌ها دنبال می‌کند. هزاران نفر از پرسنل سازمان‌ها و ادارات، اعم از نظامی و غیرنظامی، به‌همراه خانواده‌هایشان برای حضور در مراسم تدفین بسیج شده‌اند، اما بسیاری از آنها معترض‌اند که چرا افرادی چون محمدباقر قالیباف و عباس عراقچی با قاتلان او مذاکره می‌کنند؟

پس از جنگ چهل‌روزه، سپاه پاسداران نقاب را کنار زد. سردارانی که از مباران و حذف، جان سالم به در برده بودند، زیر سایه مجتبی خامنه‌ای - که معلوم نیست کجاست و وضعیت سلامتی‌اش چگونه است - قدرت را آشکارا بدست گرفتند و عملاً دولت را کنار زدند.

تا پیش از جنگ، ادعا می‌شد «میدان» و «دیپلماسی» هماهنگ با یکدیگر منافع نظام جمهوری اسلامی را پیش می‌برند، اما پس از جنگ چهل‌روزه، در شرایطی که علی خامنه‌ای و جمعی از مقامات ارشد سیاسی و نظامی کشته شدند، سرداران سپاه «دیپلماسی» را نیز بدست خود گرفتند و وارد مذاکره با نمایندگان دولت ترامپ شدند. حاصل این مذاکرات، «تفاهم‌نامه‌ای» مبهم است.

هرچند کلیات این تفاهم‌نامه تا حدودی مشخص است، اما بر سر تمامی مفاد آن اختلافات اساسی میان آمریکا و جمهوری اسلامی وجود دارد؛ اختلافاتی که اغلب حل‌نشده باقی مانده و زمینه‌ساز جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه شد.

تنها نقطه مشترک در این تفاهم‌نامه این است که طرفین

آنان، هشدار می‌دهیم از هرگونه خطای محاسباتی پرهیز کنند و به واکنش‌های سخت و پشیمان‌کننده نیروهای مسلح به هر تهدید و تجاوزی ببنندیشند.»

فتح‌الله جمیری، فرمانده سپاه پاسداران در استان قم، نیز گفت برنامه تشییع از مسجد جمکران تا محل دفن خواهر امام هشتم شیعیان برگزار خواهد شد، اما سپاه بطور قطعی

خارجی در مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای، دیکتاتور پیشین جمهوری اسلامی، نشانه‌ای از انزوای فزاینده جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی است.

فاکس‌نیوز در ادامه گزارش داد تأخیر طولانی در برگزاری مراسم خاکسپاری خامنه‌ای، پرسش‌هایی را درباره نحوه نگهداری پیکر دیکتاتور پیشین ایران برانگیخته است، زیرا

اسلامی با آمریکا و سایر دولت‌های منطقه. در یکی از تجمعات شبانه هواداران نظام شعار دادند: «گندم و جو ارزونیتون، تنگه نمیدیم بهتون».

اختلاف بر سر بازدید از تأسیسات هسته‌ای بخش اساسی اختلاف میان طرفین بازدید از تأسیسات



می‌داند چه اتفاقی رخ خواهد داد. جمیری در پاسخ به سؤالی درباره جزئیات این مراسم گفت: «کل مسیر تشییع مشخص است، اما به دلیل شرایط جمعیت، استقبال و تردد خودروها، نمی‌توان بصورت قطعی گفت چه اتفاقی خواهد افتاد.»

کار دشوار دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت این است که شکست ناشی از کشته شدن فرمانده کل قوا در نخستین دقیق آغازین جنگ و مذاکره با قاتلان خامنه‌ای را تبدیل به «نمایش اقتدار» کند، مسئله‌ای که به یکی از اساسی‌ترین اختلافات درون حکومت تبدیل شده است.

فراتر از اینها، حتی با وجود سرکوب مرگبار دی‌ماه ۱۴۰۵، اعتراض‌ها در جامعه رو به افزایش است و اقشار مختلف به عناوین گوناگون ناراضی خود را ابراز می‌کنند. یکی دیگر از نگرانی‌های حکومت، شکل‌گیری دوباره اعتراضات و انتقام مردم از مأموران امنیتی در گوشه‌وکنار کشور است؛ وضعیتی که بعید بنظر می‌رسد حکومت دیگر ابزاری برای مهار یا حل‌وفصل آن در اختیار داشته باشد.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، گفته است مجتبی خامنه‌ای، رهبر جدید جمهوری اسلامی، با مذاکرات نمایندگان این کشور با آمریکا مخالفتی نداشته است؛ وگرنه هیچ دیدار و گفتگویی انجام نمی‌شد. این ننگ یعنی مجتبی خامنه‌ای برای مذاکره با قاتلان پدرش.

سنت اسلامی به‌طور کلی بر دفن سریع متوفی تأکید دارد و استفاده از مومیایی یا مواد شیمیایی را برای حفظ جسد مجاز نمی‌داند.

مسئله دیگر مطرح شدن «خونخواهی» و «انتقام» از قاتلان خامنه‌ای است که با اساس مذاکره منافات دارد.

علی نیکزاد نایب‌رئیس اول مجلس شورای اسلامی، ۱۱ تیرماه گفت: «خون رهبر شهید انقلاب اسلامی بی‌پاسخ نخواهد ماند. روزی از آمریکا و دولت‌مردان آن انتقام این جنایت گرفته خواهد شد.»

دشواری‌های برگزاری مراسم تدفین خامنه‌ای

برگزاری مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای، با توجه به کمبود نیروی امنیتی، برای جمهوری اسلامی دشوار شده است. برای جبران این کمبود، به سراغ نیروهای افغان «فاطمیون» و نیروهای حشدالشعبی مستقر در ایران رفته‌اند. حتی گزارش شده است که آن دسته از نیروهای امنیتی که در گذشته وضعیت جسمی و روحی‌شان برای مأموریت‌های میدانی تأیید نمی‌شد، نیز به حالت آماده‌باش درآمده‌اند.

علی عبداللہی فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا، در پیامی مناسب مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای، به آمریکا، اسرائیل و کشورهای منطقه درباره هرگونه اقدام نظامی طی روزهای این مراسم هشدار داد. او نوشت: «به دشمنان، بویژه آمریکا، اسرائیل و همدستان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای

هسته‌ای و سرنوشت ۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی است. قالیباف، تأکید کرده است بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه دسترسی به تأسیسات هسته‌ای ایران که هدف حملات آمریکا قرار گرفته‌اند را نخواهند داشت.

هرچند گزارش شده بود که جمهوری اسلامی با صدور مجوز برای بازرسی از تأسیسات فردو، نطنز و اصفهان موافقت کرده است، اما قالیباف این گزارش‌ها را «کذب» خواند و گفت: «بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حق بازرسی از سایت‌های هسته‌ای که هدف حمله آمریکا قرار گرفته‌اند را ندارند.»

تناقض آنجا آشکار می‌شود که رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید: «توافقی وجود دارد و برای اجرای آن توافق، آژانس باید امکان دسترسی و انجام بازرسی را داشته باشد.» بنابراین دقیقاً مشخص نیست که پشت پرده، آیا توافقی برای دسترسی به سه سایت کلیدی وجود دارد یا نه؟

توقف مذاکرات به دلیل برگزاری مراسم تدفین خامنه‌ای

مقامات قطری می‌گویند مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا پیشرفت‌های مثبت داشته است اما ادامه آن به بعد از مراسم تدفین خامنه‌ای موکول شده است. برگزاری این مراسم در نوع خود نشان از وضعیت بحرانی جمهوری اسلامی دارد. فاکس‌نیوز گزارش داد غیبت مقام‌های بلندپایه

شاهزاده رضا پهلوی: کشتی جمهوری اسلامی در حال غرق شدن است



شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «تلویزیون ملی ایران»

پهلوی همچنین در این مصاحبه تأکید کرد: «آزادی مردم ایران، باعث امنیت دنیا خواهد شد.»

او افزود: «به جهانیان اشاره می‌کنم که درک کنید کشتی جمهوری اسلامی در حال غرق شدن است، اصلاً نباید فکر کنند با امضاء یک تکه کاغذ می‌شود به جمهوری اسلامی اعتماد کرد، آنهم در شرایطی که بارها تعهدات خود را نقض کرده است.»

بخشی از این مصاحبه مربوط به وضعیت مبارزه خیابانی علیه جمهوری اسلامی در ایران بود که شاهزاده رضا پهلوی پاسخ داد: «مبارزات در جریان است و پیگیر سازماندهی و بازتأسیس جریانات و گروه‌ها هستیم، بعضی از آنها بد جور ضربه خوردند، بعضی بیشتر توانستند دوام بیاورند و این عقب‌نشینی تاکتیکی لازم بود چون مردم را نمی‌شود بیخود به خیابان کشاند که با چنین سرکوبی مواجه شوند. ما تاکتیک‌هایمان را بر اساس این عینیت تغییر دادیم، اما باید بدانیم در آن واحد رژیم هم خیلی ضربه خورد، فراموش نکنیم این ضربه‌های خارجی پس از وارد شدن مردم در خیابان‌ها بود. یعنی حضور مردم به حساب حمایت خارجی نبود.»

شاهزاده رضا پهلوی در بخش پایانی این مصاحبه تأکید کرد: «اصل میدان نبرد علیه جمهوری اسلامی در داخل ایران باید شکل بگیرد اما ما علاوه بر مبارزات داخلی به حمایت خارجی هم نیاز داریم.» او تشریح کرد: «مهم است که یک اقدام خارجی با حداقل تلفات در بین مردم همراه باشد... در [جنگ] لبنان یا غزه که تعداد کشته‌های غیرنظامیان بالا بود، رقم تلفات را با درگیری هوایی در ایران مقایسه کنید. نقش خود مردم هم خیلی مهم بود که دنیا متوجه شود ما را با رژیم هم کاسه نکنند... از بین رفتن خامنه‌ای و لاریجانی به سود مبارزات مردم بود زیرا همین‌ها عامل صدور دستور تیراندازی به مردم بودند.»

«متشکل‌تر، سازمانیافته‌تر، با برنامه‌تر و با همسویی بیشتر، با نظام مبارزه کرده‌اند.»

شاهزاده رضا پهلوی توضیح داد، هرگونه توافق با جمهوری اسلامی، نفعی برای مردم ایران نخواهد داشت همچنان که در دوران برجام یا در دولت جو بایدن میلیاردها دلار پول در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته شد اما وضعیت معیشتی مردم بدتر شد. او افزود: «من بعید می‌دانم نظام بجای اینکه به حزب‌الله پول بدهد، یا موشک و پهپاد بسازد، به معیشت مردم و ساخت بیمارستان و مدرسه فکر کند.»

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به سفرهای متعددی که در ماه‌های اخیر برای دیدار با مقامات سیاسی و فعالان سایر کشورها داشت گفت: «نوع سؤالات آنها تغییر کرده است. سوال همیشگی‌شان این بود که می‌پرسیدند آلت‌زاتیو چیست؛ یا اینکه بعد از نظام چه خواهد شد، مطرح نمی‌شد. اما الان می‌خواهند بدانند چگونه می‌شود مردم را حمایت کرد؛ چطور می‌توانند کاری کنند که مردم بلند شوند؛ در همین ارتباط مطرح شد که اینترنت بسیار مسئله مهمی است و نیز اینکه مستقیم به رژیم فشار آورند.»

او در بخش دیگری از این مصاحبه عنوان کرد: «مقاماتی که در کشورهای مختلف از جمله انگلیس با آنها ملاقات کردم، گفتند برای اینکه بتوانید بیشتر دولت‌ها را تحت تأثیر قرار بدهید باید افکار عمومی آنها را زیر فشار قرار داد؛ بنابراین سفر اودسا (اوکراین)، استکهلم، لندن، برلین یا سایر نقاط به خاطر این است که در نهایت دنیا متوجه شود باید کنار مردم ایران بایستند زیرا ماندن این حکومت هم به ضرر خودشان و هم به ضرر مردم ایران است. فکر می‌کنم از دلایل عمده برخورد جهانی با جمهوری اسلامی از جمله درگیری مستقیم آمریکا و اسرائیل که علیه رژیم اقدام کردند به خاطر آن سفر من به اسرائیل بود زیرا متوجه شدند چرا بایستی بین رژیم و مردم تفاوت قائل شد.» شاهزاده رضا

● شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «تلویزیون انقلاب ملی ایران» که شنبه شب ششم تیرماه ۱۴۰۵ پخش شد، تأکید کرد که «تفاهم‌نامه» میان جمهوری اسلامی و آمریکا سرشار از «عدم تفاهم» است و چه دنیا از مردم ایران حمایت کند چه نه، حرکت برای آزادی کشور تعطیل شدنی نیست.

● او با استناد به تجربیات گذشته در بی‌نتیجه ماندن هرگونه توافق با رژیم ایران، گفت مردم نباید نگران اوضاع فعلی در مورد تفاهم و توافق میان جمهوری اسلامی و آمریکا باشند. اینکه بیان شود «مذاکره شد و کار تمام است و رژیم سر جایش خواهد ماند و ما بیخودی از بین رفتیم» درست نیست. برعکس، اتفاقاً نظام روز به روز بیشتر به بن‌بست خواهد خورد.

● او افزود: «به جهانیان اشاره می‌کنم که درک کنید کشتی جمهوری اسلامی در حال غرق شدن است، اصلاً نباید فکر کنند با امضاء یک تکه کاغذ می‌شود به جمهوری اسلامی اعتماد کرد، آنهم در شرایطی که بارها تعهدات خود را نقض کرده است.»

● بخشی از این مصاحبه مربوط به وضعیت مبارزه خیابانی علیه جمهوری اسلامی در ایران بود که شاهزاده رضا پهلوی پاسخ داد، «مبارزات در جریان است و پیگیر سازماندهی و بازتأسیس جریانات و گروه‌ها هستیم، بعضی از آنها بد جور ضربه خوردند، بعضی بیشتر توانستند دوام بیاورند و این عقب‌نشینی تاکتیکی لازم بود؛ چون مردم را نمی‌شود بیخود به خیابان کشاند.»

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «تلویزیون انقلاب ملی ایران» که شنبه شب ششم تیرماه ۱۴۰۵ پخش شد، تأکید کرد «تفاهم‌نامه» میان جمهوری اسلامی و آمریکا سرشار از «عدم تفاهم» است و چه دنیا از مردم ایران حمایت کند چه نه، حرکت برای آزادی کشور تعطیل شدنی نیست.

شاهزاده رضا پهلوی در مقدمه این گفتگو با تبنا قاضی مراد، به آخرین تحولات ایران پرداخت و عنوان کرد که جمهوری اسلامی همیشه سعی کرده از طریق تبلیغات و یأس عمومی، خود را پیروز جنگ نشان دهد و ادعا می‌کند دنیای غرب و در راس آن آمریکا عقب‌نشینی کرد، اما عقب‌نشینی اصلی را خود حکومت کرده آنهم در مقابل مردم با کشتار و زندان. به گفته او، «رژیم عوامل نیابتی را از خارج وارد می‌کند تا مردم را سرکوب کند» که همین نشان می‌دهد حتی به نیروهای امنیتی خودش نیز اعتماد ندارد.

رضا پهلوی با اشاره به اختلاف درون حکومت و نهادهای نظامی و امنیتی، وضعیت جمهوری اسلامی را با وضعیت نظام شوروی پیش از فروپاشی مقایسه کرد.

او با استناد به تجربیات گذشته در بی‌نتیجه ماندن هرگونه توافق با رژیم ایران گفت، مردم نباید نگران اوضاع فعلی در مورد تفاهم و توافق میان جمهوری اسلامی و آمریکا باشند. اینکه بیان شود «مذاکره شد و کار تمام است و رژیم سر جایش خواهد ماند و ما بیخودی از بین رفتیم» درست نیست. برعکس، اتفاقاً نظام روز به روز بیشتر به بن‌بست خواهد خورد.

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد در شرایط فعلی بین نیروهای رژیم واگرایی ایدئولوژیک بیشتر شده و در مقابل، مردم هربار که با سرکوب وحشتناک مواجه شدند،

شاهزاده رضا پهلوی: ما همچنان وظیفه داریم از هر فرصتی برای رساندن صدای ملت ایران به جهان بهره ببریم



اهتزاز پرچم شیروخورشید در استادیوم «سوفای» لس آنجلس / جام جهانی ۲۰۲۴

در روزهایی که جمهوری اسلامی خود را برای دروغ‌پردازی و نمایش تبلیغاتی پیرامون دفن جنایتکار اعظم، علی خامنه‌ای آماده می‌کند و همچنان می‌کوشد حقیقت را پنهان نگاه دارد.»

مردم ایران، تیم‌های ورزشی ما را در رقابت‌های جهانی زیر پرچم ملی ایران نمایندگی خواهند کرد و برای کشورمان افتخار خواهند آفرید. تا آن زمان، ما همچنان وظیفه داریم از هر فرصتی از جمله از ادامه مسابقات جام جهانی، برای رساندن صدای ملت ایران به جهان بهره ببریم؛ به ویژه

همزمان با ادامه‌ی مسابقات جام جهانی فوتبال ۲۰۲۴، شاهزاده رضا پهلوی در پیامی که چهارشنبه ۱۰ تیرماه ۱۴۰۵ منتشر شد، با سپاسگزاری از همه آنهایی که «با اتحاد، متانت و شکوه ملی، درون و بیرون ورزشگاه‌ها، در خیابان‌ها، رسانه‌ها و فضای مجازی، نام ایران و یاد فرزندان جانباخته‌ی» میهن را زنده نگه داشتند، تأکید کرد: «ما همچنان وظیفه داریم از هر فرصتی از جمله از ادامه مسابقات جام جهانی، برای رساندن صدای ملت ایران به جهان بهره ببریم؛ به ویژه در روزهایی که جمهوری اسلامی خود را برای دروغ‌پردازی و نمایش تبلیغاتی پیرامون دفن جنایتکار اعظم، علی خامنه‌ای آماده می‌کند و همچنان می‌کوشد حقیقت را پنهان نگاه دارد.»

متن کامل این پیام به شرح زیر است:

«با پایان حضور تیم جمهوری اسلامی در جام جهانی فوتبال، آنچه از این رویداد برای ما ایرانیان به یاد خواهد ماند، حضور هم‌میهنانی است که صحنه جام جهانی را به فرصتی برای گرمی‌داشت یاد جاویدنامان میهن، نمایش پرچم ملی شیروخورشید نشان ایران، و رساندن صدای ملت ما به جهان تبدیل کردند.

من از همه شما که با اتحاد، متانت و شکوه ملی، درون و بیرون ورزشگاه‌ها، در خیابان‌ها، رسانه‌ها و فضای مجازی، نام ایران و یاد فرزندان جانباخته‌ی سرزمین ما را زنده نگه داشتید، سپاسگزارم.

شما بار دیگر نشان دادید که ایران، جمهوری اسلامی نیست؛ و تیم حقیقی ایران، مردم ایران‌اند که برای آزادی و بازپس‌گیری کشورشان ایستاده‌اند و جان‌فشانی می‌کنند. باور دارم روزی نه چندان دور، ورزشکارانی همدل و همراه

حضور شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان بریتانیا



پارلمان بریتانیا در روز سه‌شنبه ۱۶ ژوئن ۲۰۲۶ برابر با ۲۶ خردادماه ۱۴۰۵ میزبان شاهزاده رضا پهلوی و تیم همراه او بود. سفر سه روزه شاهزاده رضا پهلوی که به دعوت لرد موریس گلاسمن از اعضای مجلس اعیان بریتانیا، و همزمان با بررسی لایحه تهدیدات امنیتی ملی و نفوذ دولت‌های خارجی در بریتانیا، صورت گرفت با استقبال گرم ایرانیان مبارز ساکن لندن مواجه شد.

دفتر مطبوعاتی شاهزاده رضا پهلوی در گزارش کوتاهی که درباره سفر شاهزاده رضا پهلوی منتشر کرد، نوشت: «سفر سه‌روزه ایشان به لندن با این پیام روشن به بریتانیا و جهان همراه بود: در هر سیاستی درباره ایران، مردم ایران باید در مرکز توجه و تصمیم‌گیری قرار گیرند.»

شاهزاده در طی این دیدار سه روزه با سیاستمداران بریتانیایی مستقر در لندن، از جمله امیلی تورن بری رئیس روابط امور خارجه مجلس عوام، اندرو میچل معاون پیشین وزارت امور خارجه و پرتی پاتل وزیر امور خارجه دولت سایه بریتانیا، نشست‌های خصوصی برگزار کرد. گفتنی است که پیریتی پاتل، از حامیان انقلاب ملی شیروخورشید بوده که در طول شش ماه گذشته بارها خواستار تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی دولت استارمر شده است.



رافائل گروسی: «اجماع غیرقابل انکاری» در مورد دسترسی بازرسان آژانس به سایت‌های ایران حاصل شده است



رافائل گروسی

- مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در یک کنفرانس مطبوعاتی که در ژاپن برگزار شد، گفت که تماس‌های اولیه میان آژانس و ایران برقرار و در قالب این تماس‌ها مذاکرات اولیه‌ای با مقام‌های ایرانی انجام شده است.
- رافائل گروسی اظهار داشت که «اجماع غیرقابل انکاری» در مورد دسترسی آژانس به ایران به عنوان بخشی از فعالیت‌های بازرسی آن حاصل شده است.
- مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین ابراز امیدواری کرد که به زودی از ایران بازدید کند.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در یک کنفرانس مطبوعاتی که در ژاپن برگزار شد، گفت که تماس‌های اولیه میان آژانس و ایران برقرار و در قالب این تماس‌ها مذاکرات اولیه‌ای با مقام‌های ایرانی انجام شده است.

رافائل گروسی اظهار داشت که «اجماع غیرقابل انکاری» در مورد دسترسی آژانس به ایران به عنوان بخشی از فعالیت‌های بازرسی آن حاصل شده است.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین ابراز امیدواری کرد که به زودی از ایران بازدید کند.

گروسی تأکید کرد: «ما یک یادداشت تفاهم داریم که تصریح می‌کند آژانس بر بازرسی‌ها از تاسیسات هسته‌ای ایران نظارت خواهد کرد.»

اشاره او به تفاهم‌نامه ۱۴ بندی موسوم به تهران-ورسای است که توسط روسای جمهور ایران و ایالات متحده با هدف توقف تخاصم فیما بین به امضا رسیده است.

رافائل گروسی در گفتگو با خبرنگاران در ژاپن گفت: «من فکر می‌کنم هدف از این تفاهم (اخیر میان آمریکا و ایران) این است که اطمینان حاصل شود تسلیحات هسته‌ای در ایران توسعه نمی‌یابد. دولت ایران به صراحت اعلام کرده است که چنین قصدی ندارد.»

صلح میان دولت‌های اسرائیل و لبنان امضا کردند. بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل در یک پیام ویدیویی گفت: «توافق با لبنان ضربه بزرگی به جمهوری اسلامی است.»

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا در مراسم امضای این توافق در واشنگتن گفت: «خوشحالیم که اعلام کنیم یک توافق‌نامه میان دولت مستقل لبنان و دولت اسرائیل، با میانجیگری و حمایت ایالات متحده آمریکا، به دست آمده است... این توافق، آغاز شکل‌گیری چارچوبی برای دستیابی به صلح و امنیت پایدار است.»

ندا حماده معوض سفیر لبنان در آمریکا گفت این توافق «نخستین گام در مسیر بازگرداندن حاکمیت و تمامیت ارضی لبنان، برقراری توقف دائمی و نهایی درگیری‌ها و فراهم کردن امکان بازگشت مردم ما به سرزمین‌شان است.»

یخیئل لایتر سفیر اسرائیل در ایالات متحده نیز اظهار داشت که بر اساس این توافق رژیم «ایران کنار گذاشته شده، حزب‌الله کنار گذاشته شده و مسیر صلح میان اسرائیل

توافق سه‌جانبه اسرائیل، لبنان و آمریکا؛ نتانیاو: توافق صلح ضربه سختی به جمهوری اسلامی خواهد بود



امضاء توافق سفرای لبنان و اسرائیل درباره روند صلح (واشنگتن)

و لبنان هموار شده است.»

بعد از اعلام این توافق، حامیان گروه تروریستی حزب‌الله در بیروت به خیابان آمدند و دست به اعتراض زدند.

حسن فضل‌الله نماینده پارلمان لبنان (نزدیک به حزب‌الله) در سخنانی با رد این توافق، مواضع دولت لبنان را «شرم‌آور» توصیف و تهدید کرد چنین توافقی حاکمیت لبنان را به شدت تضعیف می‌کند و موجب اختلافات داخلی خطرناک می‌شود. او به شبکه‌های امیدین گفت: «دولت لبنان مشروعیت ندارد.»

فضل‌الله خطاب به بنیامین نتانیاو نیز گفت: «شما با کسی معامله کرده‌اید که هیچ اختیاری ندارد» و «دشمنی لبنان با اسرائیل همچنان باقی خواهد ماند.»

جمهوری اسلامی هنوز نسبت به این توافق موضع رسمی اعلام نکرده اما خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران آن را «توافقی شیطانی» برای خلع سلاح حزب‌الله و پایان حضور «مقاومت» در جنوب لبنان خواند.

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا گفته است که این توافق میان اسرائیل و لبنان، روندی مشخص برای بازگرداندن حاکمیت لبنان، خلع سلاح حزب‌الله و برچیدن زیرساخت‌های نظامی این گروه ایجاد می‌کند.

- اسرائیل، لبنان و ایالات متحده جمعه پنجم تیرماه (۲۶ ژوئن) یک توافق‌نامه سه‌جانبه را با هدف دستیابی به صلح میان دولت‌های اسرائیل و لبنان امضا کردند. بنیامین نتانیاو نخست وزیر اسرائیل در یک پیام ویدیویی گفت: «توافق با لبنان ضربه بزرگی به جمهوری اسلامی است.»
- مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا در مراسم امضای این توافق در واشنگتن گفت: «خوشحالیم که اعلام کنیم یک توافق‌نامه میان دولت مستقل لبنان و دولت اسرائیل، با میانجیگری و حمایت ایالات متحده آمریکا، به دست آمده است... این توافق، آغاز شکل‌گیری چارچوبی برای دستیابی به صلح و امنیت پایدار است.»
- حسن فضل‌الله نماینده پارلمان لبنان (نزدیک به حزب‌الله) در سخنانی با رد این توافق، مواضع دولت لبنان را «شرم‌آور» توصیف و تهدید کرد چنین توافقی حاکمیت لبنان را به شدت تضعیف می‌کند و موجب اختلافات داخلی خطرناک می‌شود. او به شبکه‌های امیدین گفت: «دولت لبنان مشروعیت ندارد.»

اسرائیل، لبنان و ایالات متحده جمعه پنجم تیرماه (۲۶ ژوئن) یک توافق‌نامه سه‌جانبه را با هدف دستیابی به

والاستریت ژورنال: ترامپ پس از بررسی گزینه «جنگ تمام‌عیار» تصمیم به ادامه مذاکره با جمهوری اسلامی گرفت



ترامپ و هگست

رییس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده از اظهار نظر در اینباره خودداری کردند. اختلاف میان جمهوری اسلامی و آمریکا در مذاکرات زیاد است. یکی از مهم‌ترین اختلافات، اصرار جمهوری اسلامی بر دریافت میلیاردها دلار هزینه خدمات از کشتی‌هایی است که از تنگه هرمز عبور می‌کنند. در مقابل، آمریکا تأکید دارد که این آبراه باید مانند پیش از آغاز جنگ، برای عبور آزاد باشد. تهران همچنین اعلام کرده است که محدودیت‌های شدید بر فعالیت‌های هسته‌ای خود را نخواهد پذیرفت. در حالی که ترامپ اصرار دارد جمهوری اسلامی قبلاً با این موضوع موافقت کرده است.

کریس رایت وزیر انرژی آمریکا نیز سه‌شنبه ۹ تیر در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» گفت: «ایران تا کنون اصلاً همکاری نکرده و تنها دلیل بازگشت عرضه جهانی نفت، تلاش ارتش آمریکا برای اسکورت کشتی‌هاست.»

رایت افزود: «چه با همکاری ایران و چه بدون آن، ما تضمین خواهیم کرد که محموله‌های سوخت از تنگه هرمز عبور کند. البته همکاری آنها بهتر است. ما می‌خواهیم به برنامه هسته‌ای آنها پایان دهیم.»

در تلاش برای کاهش تنش‌ها، آمریکا اقدام به ایجاد یک کانال ارتباطی اضطراری میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا (سنتکام) کرده با این حال سخنگوی سپاه پاسداران وجود چنین کانالی را از اساس تکذیب کرده است.

این بن‌بست دیپلماتیک باعث شده است که ترامپ گزینه‌های جایگزین را نیز بررسی کند و از دستیاران خود درباره ایده‌های جدید نظر بخواهد. به گفته این مقامات، پیت هگست و ژنرال دن کین گزینه‌هایی را برای از سر گرفتن حملات هوایی گسترده علیه اهداف نظامی در ایران در اختیار رییس جمهوری آمریکا قرار داده‌اند.

دیگری از حملات گسترده می‌تواند روند دیپلماسی را از مسیر خارج کند و شانس آمریکا را برای برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران در نهایت کاهش دهد.

ترامپ گفته که در شرایط کنونی از این سیاست رضایت دارد که هر زمان حکومت ایران «یادداشت تفاهم» را نقض کند، حملات موردی علیه آن صورت گیرد؛ وضعیتی که به درگیری در آب‌های جنوب ایران منجر شد.

در میان مقامات آمریکایی و اطرافیان ترامپ اختلاف بر سر مذاکره با جمهوری اسلامی کم نیست. جیدی ونس معاون اول ترامپ، پس از انتقاد از شیوه مذاکره جمهوری اسلامی گفت همه برگ‌های برنده در مذاکرات با تهران در اختیار ایالات متحده قرار دارد اما روند استفاده همزمان از مشوق و فشار به زمان نیاز دارد.

پنتاگون گزارش‌هایی درباره گزینه‌های نظامی به ترامپ ارائه داده و او به دنبال یافتن راه‌هایی برای خروج از بن‌بستی است که با جمهوری اسلامی شکل گرفته است. وی هنوز بازگشت به درگیری نظامی را کاملاً منتفی ندانسته است. بر اساس این گزارش، برخی مقامات اذعان دارند که از سر گرفتن جنگ، بطور ضمنی به معنای پذیرش شکست توافقی خواهد بود که تبلیغات فراوانی درباره آن صورت گرفته است.

ترامپ در اظهارات علنی خود می‌گوید مذاکرات موفقیت‌آمیز است و اگر این روند شکست بخورد، همچنان گزینه‌های نظامی را در اختیار دارد. او هفته گذشته به خبرنگاران گفت: «آنها با هر چیزی که من می‌خواهم موافقت می‌کنند و باید هم موافقت کنند. وگرنه دوباره برمی‌گردیم و هر کاری که لازم باشد انجام می‌دهیم.»

یک مقام کاخ سفید به وال‌استریت ژورنال گفت: «ترجیح ترامپ همواره دیپلماسی است و ایرانی‌ها عاقلانه عمل خواهند کرد اگر که توافق خوبی با ایالات متحده امضا کنند.» سخنگویان پیت هگست وزیر جنگ و ژنرال دن کین

● دونالد ترامپ و شماری از مقامات نظامی آمریکا درباره گزینه‌های نظامی علیه جمهوری اسلامی گفتگو کرده‌اند. محور بحث آنها این بود که آیا آمریکا باید مذاکرات را کنار بگذارد و حملات گسترده علیه جمهوری اسلامی را از سر بگیرد یا نه؛ اقدامی که برخی مقامات از آن با عنوان «تکمیل ماموریت» یاد می‌کنند.

● این مقامات می‌گویند ترامپ بدون آنکه تصمیم نهایی را بگیرد، به دستیاران خود گفته که معتقد است دور دیگری از حملات گسترده می‌تواند روند دیپلماسی را از مسیر خارج کند و شانس آمریکا را برای برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران در نهایت کاهش دهد.

● ترامپ گفته که در شرایط کنونی از این سیاست رضایت دارد که هر زمان حکومت ایران «یادداشت تفاهم» را نقض کند، حملات موردی علیه آن صورت گیرد؛ وضعیتی که به درگیری در آب‌های جنوب ایران منجر شد.

به گزارش روزنامه «وال‌استریت ژورنال» دونالد ترامپ در حالی فعلاً تصمیم به ادامه دیپلماسی با جمهوری اسلامی گرفته که پیش از آن احتمال بازگشت به جنگ تمام‌عیار با جمهوری اسلامی را بررسی کرده بود. او در همین ارتباط بارها با وزیر دفاع و رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح درباره انجام حملات بیشتر گفتگو کرده است.

در این گزارش که سه‌شنبه ۹ تیرماه منتشر شد به نقل از چند مقام آمریکایی آمده، اگر مذاکرات با تهران برای دستیابی به توافق هسته‌ای از مهلت ۶۰ روزه‌ای که ۲۷ مرداد تمام می‌شود نیز عبور کند، ترامپ مشکلی با آن ندارد. محور این گفتگوها این بود که آیا آمریکا باید مذاکرات را کنار بگذارد و حملات گسترده علیه جمهوری اسلامی را از سر بگیرد یا نه؛ اقدامی که برخی مقامات از آن با عنوان «تکمیل ماموریت» یاد می‌کنند.

این مقامات می‌گویند ترامپ بدون آنکه تصمیم نهایی را بگیرد، به دستیاران خود گفته است که معتقد است دور

گروسی افزود: «اما مسلماً نیات به‌تنهایی کافی نیستند. ما باید در اولین زمان ممکن، یک سیستم راستی‌آزمایی بسیار قوی را مستقر کنیم.» او تأکید کرد که پس از درگیری‌های خاورمیانه، به یک سیستم راستی‌آزمایی «بسیار قوی» در ایران نیاز است تا اطمینان حاصل شود این کشور به سمت توسعه تسلیحات هسته‌ای حرکت نمی‌کند. اظهارات مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حالی عنوان شد که اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، پیش از این گفته بود که ایران برنامه‌ای برای دسترسی دادن به آژانس برای بازدید از تاسیسات هسته‌ای آسیب‌دیده در جنگ ندارد.

البته دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نیز اخیراً گفته بود که ادعای ایران درباره نبود برنامه‌ای برای بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از مراکز هسته‌ای آسیب‌دیده‌اش در جنگ، اشتباه است. ترامپ توضیح داد، که بازرسان آژانس در «زمان مناسب» در ایران حاضر خواهند شد.

پیش از آن، جیدی ونس معاون رئیس‌جمهور آمریکا نیز گفته بود ایران با بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موافقت کرده است با این همه مقامات جمهوری اسلامی از اساس این ادعاها را رد کردند.

شیرین عبادی و جمعی از کارشناسان: دانشگاه جرج واشنگتن عملکرد سینا عضدی را بررسی کند

دانشگاه جرج واشنگتن را وادار به بررسی بوسیه و تحقیق درباره فعالیت‌های علمی و رفتار حرفه‌ای عضدی می‌کند. در این نامه آمده است: «دکتر عضدی در اظهارنظرهای عمومی خود درباره برنامه هسته‌ای ایران، اغلب روایت تاریخی را از نقطه‌ای آغاز می‌کند که نشان می‌دهد تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به توانمندی هسته‌ای، بیش از هر چیز، پاسخی دفاعی به تهدیدهای خارجی، به‌ویژه جنگ ایران و عراق، بوده است.»

در ادامه این نامه آمده است: «چنین روایتی، بخش مهمی از پیشینه تاریخی را که برای ارائه تحلیلی صادقانه از رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ضروری است، نادیده می‌گیرد. از جمله: اشغال سفارت ایالات متحده در تهران در سال ۱۳۵۸ که طی آن دیپلمات‌های آمریکایی به مدت ۴۴۴ روز به گروگان گرفته شدند، شعارهای رسمی جمهوری اسلامی در نخستین سال‌های پس از انقلاب، از جمله «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» که با حمایت حکومت ترویج می‌شد و نیز سیاست اعلام شده جمهوری اسلامی در سال‌های آغازین انقلاب مبنی بر صدور ایدئولوژی انقلاب اسلامی به سراسر منطقه.»

بر اساس گزارشی که در ماه آوریل در روزنامه دانشجویی «هیج» دانشگاه جرج واشنگتن منتشر شد، سینا عضدی دیدگاه پژوهشگرانی را که به گفته او «رهبران جمهوری اسلامی را افرادی غیرعقلانی و تندروهایی با آرمان‌های آخرالزمانی توصیف می‌کنند» مردود دانسته است. او همچنین گفته است: «در این کتاب استدلال می‌کنم که دغدغه اصلی رهبران رژیم جمهوری اسلامی، حفظ بقا در جهانی است که در آن زور و قدرت، معیار حق و باطل را تعیین می‌کند.»

عضدی گفته است که نقطه آغاز و چارچوب تحلیلی کتاب خود را بر مکتب «واقع‌گرایی» در علوم سیاسی قرار داده است. رویکردی که به اعتقاد نویسنده این گزارش، نقض حقوق بشر و نظام آپارتاید جنسیتی در حکومت‌های تمامیت خواهی چون جمهوری اسلامی را نادیده می‌گیرد.

این نامه که خطاب به مسئولان دانشگاه جرج واشنگتن تنظیم شده، به امضای دکتر شیرین عبادی، حقوقدان، نویسنده، استاد دانشگاه، قاضی پیشین و بنیانگذار کانون مدافعان حقوق بشر در ایران و برنده جایزه صلح نوبل، دکتر هوشنگ حسن یاری، استاد مسائل نظامی، راهبردی و خاورمیانه در کینگستون استان انتاریو کانادا، دکتر کایلی مور-گیلبرت، دانشمند علوم سیاسی بریتانیایی-استرالیایی و گروگان پیشین جمهوری اسلامی ایران و دکتر فرهاد کیان، فیزیكدان و رئیس شرکت «نتسرویا» رسیده است.

با وجود ارسال چندین درخواست رسمی از سوی کیهان لندن جرج واشنگتن و نه سینا عضدی هیچ پاسخی ارائه ندادند.

پیش از انتشار این نامه، خبرنگار کیهان لندن پرسشی رسمی برای کیتلین دکلم، کارشناس ارشد روابط رسانه‌ای دانشگاه جرج واشنگتن، ارسال کرده بود. دکلم در پیامی خطاب به جمعی از مسئولان دفتر روابط رسانه‌ای این دانشگاه درباره این درخواست نوشت: «برای اطلاع همکاران، این موضوع در اختیار میشل و آلن است. ما پاسخی ارائه نخواهیم داد.» کیتلین دکلم در جواب به پرسش کیهان لندن درباره علت خودداری از پاسخگویی، از اظهارنظر در این



چه در آمریکا و چه در ایران.»

دولت ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران را در زمره دولت‌های حامی تروریسم قرار داده است.

کارشناسان امور ایران در این نامه نوشته‌اند: «عضدی چنین القا کرده است که حکومت‌ها در برابر آنچه تهدید تلقی می‌کنند، بطور معمول با به‌کارگیری نیروی مرگبار علیه معترضان واکنش نشان می‌دهند. چنین اظهاراتی خطر عادی جلوه‌دادن سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات مدنی را در پی دارد و صدای شهروندان ایرانی را که به‌صورت مسالمت‌آمیز برای آزادی و حقوق سیاسی خود به اعتراض برخاسته‌اند، تضعیف می‌کند. تحلیل دانشگاهی باید روشن‌گر چنین سوءاستفاده‌ها و نقض حقوقی باشد، نه آنکه برای آنها توجیه بترشد.»

این نامه همچنین فاش کرده است که «سوابق دادگاه شهرستان فیرفکس در ایالت ویرجینیا، که به‌صورت عمومی در دسترس است و تاریخ آن به ۱۶ ژانویه ۲۰۰۸ باز می‌گردد، نشان می‌دهد که سینا عضدی طبق قانون ویرجینیا به جرمی مرتبط با فحشا تحت پیگرد قانونی قرار گرفته بوده است. این پرونده نشان می‌دهد که او به ارتکاب یک جرم سبک محکوم شده که شامل ۳۰ روز حبس تعلیقی که اجرای آن به حالت تعلیق درآمده بود، ۱۲ ماه آزادی مشروط بدون نظارت و جریمه نقدی بوده است.»

نویسندگان این نامه همچنین تأکید کرده‌اند: «وجود چنین سابقه‌ای به‌طور موجه پرسش‌هایی جدی درباره تشخیص حرفه‌ای، صلاحیت اخلاقی و شیوه رفتار فردی مطرح می‌کند که در جایگاهی تأثیرگذار در یک محیط دانشگاهی قرار دارد و به‌صورت مستقیم با دانشجویان در ارتباط و تعامل است.»

بر اساس این نامه که با عنوان «پاسداری از سلامت و یکپارچگی علمی در مطالعات ایران» منتشر شده، درخواست پاسخگویی درباره اظهارنظرهای عمومی دکتر سینا عضدی، نویسندگان هفت مورد را برشمردند که به باور آنان باید

گروهی از کارشناسان برجسته در امور جمهوری اسلامی، از جمله شیرین عبادی، حقوقدان ایرانی و برنده جایزه صلح نوبل، هفته گذشته با انتشار نامه‌ای علنی خطاب به دانشگاه جرج واشنگتن، خواستار بررسی عملکرد سینا عضدی به دلیل دفاع از خشونت خامنه‌ای و اتهام معاشرت با زنان روسپی شدند.

سینا عضدی، استادیار سیاست خاورمیانه و مدیر برنامه کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه در دانشگاه جرج واشنگتن، به تازگی کتابی جنجال‌برانگیز با عنوان «ایران و مپ: ایالات متحده، ایران و مسئله هسته‌ای» منتشر کرده است.

بر مبنای این نامه، سینا عضدی از سرکوب شهروندان از سوی جمهوری اسلامی دفاع کرده است. او در گفتگویی با بخش فارسی بی‌بی‌سی در سال ۲۰۱۹ گفته بود: «دولت‌ها حق دارند علیه شهروندان خود از قوه قهریه استفاده کنند، چه در آمریکا و چه در ایران.»

این نامه همچنین فاش کرده است که «سوابق دادگاه شهرستان فیرفکس در ایالت ویرجینیا، که به‌صورت عمومی در دسترس است و تاریخ آن به ۱۶ ژانویه ۲۰۰۸ باز می‌گردد، نشان می‌دهد که سینا عضدی طبق قانون ویرجینیا به جرمی مرتبط با فحشا تحت پیگرد قانونی قرار گرفته بوده است.»

نویسندگان این نامه همچنین تأکید کرده‌اند: «وجود چنین سابقه‌ای به‌طور موجه پرسش‌هایی جدی درباره تشخیص حرفه‌ای، صلاحیت اخلاقی و شیوه رفتار فردی مطرح می‌کند که در جایگاهی تأثیرگذار در یک محیط دانشگاهی قرار دارد و به‌صورت مستقیم با دانشجویان در ارتباط و تعامل است.»

بنجامین وینتال - گروهی از کارشناسان برجسته در امور جمهوری اسلامی، از جمله شیرین عبادی، حقوقدان ایرانی و برنده جایزه صلح نوبل، هفته گذشته با انتشار نامه‌ای علنی خطاب به دانشگاه جرج واشنگتن، خواستار انجام تحقیقات درباره سینا عضدی، استاد این دانشگاه، شدند. استادی که به جانبداری از رژیم جمهوری اسلامی ایران متهم شده است. نهاد «اتحاد علیه مدافعان رژیم اسلامی ایران» مستقر در ایالات متحده بطور انحصاری این نامه را دریافت و در وبسایت رسمی خود منتشر کرده است.

کارشناسان امور ایران می‌گویند اتهامات تکان‌دهنده‌ای که علیه سینا عضدی مطرح شده، پرسش‌های جدی درباره صلاحیت او برای فعالیت‌های دانشگاهی در زمینه برنامه غیرقانونی تسلیحات هسته‌ای جمهوری اسلامی و نیز جنایت‌های این رژیم علیه بشریت را به‌وجود آورده است. سینا عضدی، استادیار سیاست خاورمیانه و مدیر برنامه کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه در دانشگاه جرج واشنگتن، به تازگی کتابی جنجال‌برانگیز با عنوان «ایران و مپ: ایالات متحده، ایران و مسئله هسته‌ای» منتشر کرده است.

بر مبنای این نامه، سینا عضدی از سرکوب شهروندان از سوی جمهوری اسلامی دفاع کرده است. او در گفتگویی با بخش فارسی بی‌بی‌سی در سال ۲۰۱۹ گفته بود: «دولت‌ها حق دارند علیه شهروندان خود از قوه قهریه استفاده کنند،

باره نیز خودداری کرد.

از گوساله سامری تا گوساله هرست

خیراندیشی (احمدحار)

(کیهان لندن شماره ۱۲۲۶) مهر ماه ۱۳۸۷

باز نشر



سامری خواستار «خدا» شدند. سامری به آنها گفت هرچه طلا دارید بیاورید تا برایتان خدا بسازم. آنان هم زر و زیور خود را، از انگشتری و دستبند و گردنبند و غیره تقدیم او کردند. سامری همه آن زینت‌آلات را در چاله‌ای ریخت و ذوب کرد و یک گوساله طلا ساخت که از دهانش آوای گاو شنیده می‌شد. خلاق در برابر گوساله سخنگو زانو زدند و به نیایش پرداختند. موسی با ده روز تأخیر بازگشت و با جریان انقلاب و انشعاب روبرو شد. بقیه داستان مفصل است. خلاصه این که قوم، از ضلالت خود پشیمان شدند و طلب بخشش کردند. البته خشم خدا از این طغیانگری با دو کلمه عذرخواهی فرو نمی‌نشست. جریمه سنگین بر قوم تعلق گرفت تا مورد عفو الهی قرار گرفتند.

مجازات هم که خداوند برای سامری مقرر ساخت «ایزوله» شدن او بود. فرمان رسید که هیچکس با او نیامیزد و نزدیکش نشود. در نتیجه سامری مثل یک جانور وحشی تنها ماند و مردم از او می‌گریختند تا زمان مرگش فرا رسید و یگراست به جهنم رفت.

بعد از سامری، نوبت مجازات گوساله رسید که موسی آن را به آتش سپرد و ذوب کرد و در دریا غرق گردانید. با وجود این، نه رسم گوساله‌پرستی از جهان رخت بست و نه جاذبه طلا از میان رفت.

به همین دلیل است که قرن‌ها بعد از سامری، یک مجسمه‌ساز انگلیسی به نام دیمین هرست، با ساختن گوساله طلا موفق شد رکورد تازه‌ای در دنیای هنر بر جای نهد و از بابت این آفرینش ۹ میلیون و دویست هزار پوند عاید کند. گوساله طلای «هرست» که شباهل مبارکش را ملاحظه می‌کنید در مرکز حراج «ساتبیز» لندن به معرض فروش گذارده شد. خالق اثر آنچنان از موفقیت خود در جلب مشتری خاطر جمع بود که برخلاف مرسوم، به سراغ دلالان نرفت و گوساله طلا را رأساً و مستقیماً به ستایشگران گوساله و پرستندگان طلا عرضه کرد و نام آن را به عنوان پربهاترین گوساله تاریخ معاصر جاودان ساخت.

گاوها و گوساله‌ها هم مثل ما آدمیان، معاریف و مشاهیر دارند.

مشهورترین گاو تاریخ، گاو آپیس است. گاو مقدس مصر باستان. این گاو را مصریان قدیم، خدای باروری می‌شمردند و می‌پرستیدند. گزینش گاو آپیس از میان گاوها با تشریفاتی مشابه انتخابات امروزی همراه بود. پس از آن که گاو حائز شرایط شناخته و برگزیده می‌شد، در جشن و سرور عمومی تاج تقدیس بر سرش می‌نهادند و وقتی این گاو مقدس چشم از جهان فرو می‌بست، هفتاد روز عزای عمومی صورت می‌گرفت.

و اما نامورترین گوساله تاریخ، گوساله سامری است. این گوساله را که ذکر جمیلش در کتابهای آسمانی آمده است، کاهن یا جادوگری موسوم به سامری از طلا ساخت. سامری از همراهان موسی در کوچ بزرگ بنی‌اسرائیل به سوی ارض موعود (فلسطین) بود. پیروان موسی پس از گذشتن از «نیل» و پشت سر گذاشتن فرعون و سپاهیان او، که به اراده خداوند رود نیل آنها را در کام کشید و به هلاکت رساند، در جایی رحل اقامت افکندند. موسی به آنان فرمود که من به سفری سی روزه می‌روم تا احکام خدا را برای شما بیاورم. برادرش هارون را به سرپرستی قوم گماشت و خود برای مکالمه با خدا، روانه طورسینا شد. این سفر به جای سی روز، چهار روز طول کشید. قوم موسی که بنا بر روایات مذهبی، فرهنگ فرعون‌نواز از ذهن و فکرشان زوده نشده بود و پر توقع و بهانه‌گیر بودند زبان به اعتراض گشودند. تظاهرات اعتراض‌آمیز شروع شد که موسی چه شد، کجا رفت، این چه پیغمبری است که به وعده خود وفا نمی‌کند و قول و قرار نمی‌شناسد؟ قرار بود ما را به سرزمین خوشبختی برساند ولی در وسط راه ما را رها کرده و معلوم نیست کجا رفته است. شیطان فرصت را مغتنم شمرد. سامری را وسوسه کرد که انقلاب را رهبری کند. سامری با چند خطبه انقلابی، اکثریت را با خود همراه و علیه موسی متحد ساخت.

بعد از آن، مردمی که به گاوپرستی عادت کرده بودند از

کیهان لندن همچنین درخواست‌های رسمی خود را برای دریافت پاسخ به الن موران، معاون رئیس دانشگاه جرج واشنگتن در امور ارتباطات و بازاریابی، و میشل استون، معاون ارتباطات این دانشگاه، که دکلام از آنان نام برده بود، فرستاد.

در این نامه از دانشگاه جرج واشنگتن خواسته شده است: «بررسی مستقلی از روند استخدام و ارتقای دکتر سینا عضدی در دانشکده امور بین‌الملل الیوت انجام شود. معیارها و استانداردهای مورد استفاده در معرفی اعضای هیئت علمی به‌عنوان کارشناسان رسانه‌ای در مورد مسائل حساس امنیت بین‌المللی را بررسی کند. منابع مالی و مشارکت‌های خارجی مرتبط با برنامه‌های مطالعات خاورمیانه دانشکده الیوت را مورد بازبینی قرار دهد تا از شفافیت و استقلال آنها اطمینان حاصل شود. ارزیابی کند که آیا رفتار عمومی و اظهارنظرهای دکتر عضدی با استانداردهای حرفه‌ای مورد انتظار از اعضای هیئت علمی که نماینده دانشگاه در رسانه‌های بین‌المللی هستند، مطابقت دارد یا خیر.»

امضاکنندگان این نامه تأکید کرده‌اند: «تا زمانی که به این پرسش‌ها به گونه‌ای شفاف و علنی رسیدگی نشود، اعتماد عمومی به سلامت و اعتبار علمی این نهاد دانشگاهی همچنان در معرض آسیب خواهد بود.»

در سال‌های اخیر، شمار زیادی از ایرانیان آمریکایی و همچنین مخالفان جمهوری اسلامی در سراسر جهان، با توصیف تلاش‌های سینا عضدی برای موجه جلوه دادن برنامه تسلیحات هسته‌ای جمهوری اسلامی و نیز پاک نشان دادن کارنامه حکومت ملایان در قبال جنایت‌ها و نقض گسترده حقوق بشر به شدت انتقاد کرده‌اند.

نیما فر، فعال حقوق بشر، در گفتگو با کیهان لندن گفته: «موضع‌گیری‌های علنی و عمومی عضدی این نگرانی را بیش از پیش تقویت کرده است که او عملاً در محافل دانشگاهی و رسانه‌ای غرب، نقش مدافع و توجیه‌کننده جمهوری اسلامی را ایفا می‌کند. او در تحلیل‌ها و اظهار نظرهای خود به‌طور مکرر اهمیت و خطرات غنی‌سازی ۶۰ درصدی را کم رنگ و کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و رفتار هسته‌ای جمهوری اسلامی را در چارچوبی دفاعی بازتعریف می‌کند.»

نیما فر افزود: «عضدی همچنین گرایش دارد استفاده از نیروی مرگبار علیه معترضان را به‌عنوان واکنشی متعارف و مشروع از سوی حکومت‌ها عادی جلوه دهد و مواضع او بیش از آنکه بر اصول جهان شمول حقوق بشر استوار باشد، با روایت‌ها و مواضع رسمی رژیم جمهوری اسلامی همخوانی و همسویی دارد.»

رضا فرنود، پژوهشگر، نویسنده و فعال مدنی، در گفتگو با کیهان لندن نیز تأکید کرده: «اگرچه آزادی علمی و دانشگاهی باید مورد احترام قرار گیرد، اما مجموعه آثار و مواضع سینا عضدی، از جمله کتاب ایران و مهب، باعث نگرانی‌های جدی شده است که فراتر از یک کتاب یا یک مقاله است. او در نوشته‌ها و تحلیل‌های خود بارها این دیدگاه را مطرح کرده که جامعه جهانی باید با «ایران در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای» کنار بیاید. از نظر بسیاری از ناظران، این رویکرد نه یک تحلیل بی‌طرفانه، بلکه تلاشی مداوم و مستمر برای عادی جلوه دادن وضعیتی است که یکی از مهمترین اصول سیاست جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، یعنی اصل بازدارندگی، را به‌طور اساسی تضعیف می‌کند.»

منبع: کیهان لایف
نوشته: بنجامین وینتال
ترجمه و تنظیم: کیهان لندن



دکتر حسن رهنمودی: بر سکوی آرزوها (3)

ماساچوستی در وزارت بهداشتی!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: آبان تا دی ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۲۹ و ۹۳۳ و ۹۳۶)

دکتر محمد حسن، رهنوردی برای ایرانیان چهره‌های آشناست. او در نوجوانی، هنگامی که دانش‌آموز دبیرستان بود، با کسب موفقیت در مسابقات قهرمانی کشور، قدم در جاده شهرت گذاشت. از آن پس یک پایش در دانشگاه بود، یک پایش در ورزشگاه. از دانشکده دندانپزشکی که دیپلم گرفت دستی به «کلپتین» داشت و دستی به «هالت»، در مطب دندانپزشکی خود (چهارراه مخابراتدوله - اول خیابان

پیشنهاد من برای سرکشی به درمانگاه‌ها، وزیر بهداشتی را با فشارهایی از داخل و خارج وزارتخانه روبرو ساخت و تجربه ثابت کرد که در شهر نی‌سواران باید سوار نی شد.

دکتر حسن رهنوردی، پس از آن که تحصیلات خود را در رشته تخصصی بهداشت عمومی در آمریکا به پایان رسانید، در بازگشت به ایران مشاور بهداشتی وزیر بهداشتی شد.

وزیر بهداشتی در این زمان دکتر ابراهیم ریاضی بود (کابینه علم). دکتر رهنوردی در کتاب خاطرات خود، بر سکوی آرزوها، از خصوصیات اخلاقی وزیر و اوضاع و احوال وزارتخانه حکایت می‌کند.

داستانی که رهنوردی نقل کرده است، یک نمونه کوچک از فرسودگی تشکیلات اداری را در ایران به دست می‌دهد. بعدها سعی می‌شد با انقلاب اداری تغییری در این وضع به وجود آید، اما آن هم کارساز نیفتاد.

محل وزارت بهداشتی در چهارراه گلوبندک قرار داشت و ساختمان آن کهنه و قدیمی بود و چون از آن خوب نگهداری نشده بود، وضع بسیار اسفناکی پیدا کرده بود؛ به طوری که در اتاق وزیر بهداشتی اکثر سیم‌های برق بدون حفاظت از محل خود خارج و با سیم‌های دیگر مخلوط و خطرناک شده بود و ممکن بود به آتش‌سوزی یا برق‌گرفتگی منجر بشود.

اصولاً برای حفظ اماکن دولتی در ادارات کشور برنامه‌ای وجود نداشت، در حالی که مثلاً در آمریکا میلیاردها دلار بودجه سالانه برای حفاظت و نگهداری ساختمان‌ها و مؤسسات دولتی، شاهراه‌ها، پارک‌ها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها در نظر می‌گیرند. ساختمان وزارت بهداشتی که از ساختمان‌های زمان رضاشاه بود و پایه و اساس محکمی داشت، بر اثر عدم رسیدگی و تعمیرات، در حال از بین رفتن بود.

در وزارت بهداشتی، پس از مطالعه و رسیدگی به تحصیلاتم، به‌عنوان مشاور بهداشتی وزیر بهداشتی سرگرم کار شدم. چون آقای دکتر آموزگار، معاون وزارت بهداشتی، به‌سمت وزیر کار ارتقا یافته بود، اتاق ایشان که در کنار اتاق وزیر بهداشتی بود، به من داده شد تا هم نزدیک وزیر باشم و هم اتاق خالی و بی‌فایده نماند.

با وجودی که طرح دوستی با اکثر مدیرکل‌های وزارتخانه، که تعدادشان به هشت نفر می‌رسید، ریخته بودم و آن‌ها نیز متقابلاً به من اظهار دوستی می‌کردند، واگذاری اتاق معاونت به من که تازه‌کار بودم، برای آن‌ها گران آمد و به‌صورت گروهی نزد وزیر بهداشتی رفتند که این جوان تازه از راه نرسیده در اتاق معاونت می‌نشیند و ما که سال‌های دراز مدیرکل هستیم، می‌بایست در اتاق کوچک‌تر کار کنیم.

در آن روزها به آن‌هایی که از آمریکا برمی‌گشتند «ماساچوستی» می‌گفتند. مخصوصاً افرادی که جوان بودند،

شاه آباد) به کشیدن و گذاشتن دندان می‌پرداخت و در مسابقات بزرگ وزنه‌برداری به شکست رکوردهای جهانی. تحصیلات عالی خود را در آمریکا دنبال کرد و در رشته بهداشت عمومی نیز درجه دکترا گرفت. در بازگشت به ایران، به تدریج مشاور وزیر بهداشتی، سه دوره نماینده مجلس، معاون وزارت بهداشتی و بهزیستی، معاون وزارت آموزش و پرورش و استاندار یزد شد. پس از انقلاب در لس‌آنجلس

مورد قبول دکترهای نسبتاً مسن که سال‌های دراز در وزارت بهداشتی در مقام‌های مختلف خدمت کرده بودند، قرار نمی‌گرفتند. از طرفی، تحصیل کرده‌های آمریکا، تحصیل کرده‌های اروپا را قبول نداشتند و به عکس.

دکتر ریاضی، وزیر بهداشتی، با آن روحیه درویش‌مآبانه و نرمی ویژه‌ای که داشت، آن‌ها را مطمئن می‌کند که پارتی‌بازی در کار نبوده است و لازم بود از اتاق پهلویی به‌عنوان اتاق مشاور استفاده شود.

خلاصه مدیرکل‌ها کوتاه آمدند و من هم توانستم اطمینان آنان را کم‌کم جلب کنم؛ بدان‌گونه که در مدت دو سه ماه همه آن‌ها از دوستان من شدند و هر روز قبل از آن‌که به اتاق‌های خود بروند، سری به من می‌زدند و چای می‌خوردند و بعد به سر کار خودشان می‌رفتند. حس کرده بودند که من نیامده‌ام برای کسی در دسری درست بکنم یا سر راه کسی قرار بگیرم. تا جایی که می‌توانستم، کارهای آن‌ها را شخصاً به اتاق وزیر می‌بردم و کارشان را جلو می‌انداختم.

اصلاً مشاور بودن در ایران با مشاور بودن در کشورهای دیگر فرق کلی داشت؛ به این صورت که در ایران وقتی می‌دیدند نمی‌توانند از دست کسی رهایی پیدا کنند و از طرفی هم نمی‌خواستند پست حساسی را از او بگیرند، بی‌درنگ او را به‌سمت مشاور تعیین می‌کردند که قال قضیه را بکنند. در جاهای دیگر جهان، به‌ویژه آمریکا، مشاورین مورد احترام بسیار هستند و از وجود آن‌ها به انگیزه آمودگی‌هایی که دارند حداکثر سود را می‌برند. دلیل آن نیز واضح است، چون یک وزیر یا یک رئیس کشور نمی‌تواند در همه زمینه‌ها صاحب‌نظر باشد. برای نمونه، اکثر رؤسای جمهوری آمریکا که تحصیلاتشان حقوق و قانون است، سررشته‌ای از بهداشت، کشاورزی، صنعت، ارتش و مانند آن ندارند و مجبور هستند از نظرات مشاورین خود سود ببرند.

وضع من نمی‌توانست از اصل مطلب زیاد دور باشد. یعنی مشاور بهداشتی وزیر بهداشتی هم مقام خوبی بود، هم به وزیر نزدیک می‌شدم و هم این‌که اتاق و منشی و برو و بیایی داشتم. اگر جاه‌طلب می‌بودم، همین برابرم بس بود. اما من موضوع را خیلی جدی گرفته بودم. صبح‌ها اول وقت در دفترم حاضر می‌شدم و تا آخر وقت اداری سرگرم کار بودم. روزی یکی دو ساعت در دفتر وزیر بودم و هر کاری را که مراجعه می‌کرد، با سرعت و دقت انجام می‌دادم. مدیرکل‌ها هم خیالشان راحت شده بود و می‌دیدند دوست خوبی پیدا کرده‌اند که می‌تواند در پیشرفت اداره آن‌ها مؤثر باشد. کم‌کم حس می‌کردم جماعت، چه کارمند اداری و چه کارمند فنی و پزشک‌ها، دارند مرا می‌پذیرند و دیگر به صورت ماساچوستی نگاه نمی‌کنند.

اقامت گزید و مدیریت شعبه یکی از کمپانی‌های معروف بیمه آمریکا را به عهده گرفت و در سال ۱۹۹۹ بازنشسته شد. دکتر رهنوردی خاطرات زندگانی ورزشی و سیاسی خود را در کتابی، با ویرایش ناصر انقطاع، تدوین کرده و آن را با نام «برسکوی آرزوها» انتشار داده است.

بخشهایی ازین کتاب خواندنی را که برای بسیاری از ایرانیان خاطره برانگیز است در چند شماره چاپ می‌کنیم.

وزیر بهداشتی نیز نسبت به من اظهار محبت می‌کرد و می‌گفت: «تو مثل پسر من هستی و تو باید در کارها به من کمک کنی تا بتوانیم چرخ‌های زنگ‌زده این وزارتخانه را به حرکت درآوریم.»

من هم در اثر تشویق وزیر بهداشتی و پشتیبانی همکاران وزارت بهداشتی، نیرو گرفته، مرتب در جنب‌وجوش بودم که کار مثبتی انجام دهم.

پیشنهاد در دسری آفرین! در یکی از روزها که در دفتر وزیر بودم، اجازه خواستم تا پیشنهادی را که دارم مطرح کنم و اگر مورد قبول واقع شد، اجرا کنیم.

گفت: «بگو.»

گفتم: «وزارت بهداشتی در تهران در حدود بیست و پنج درمانگاه دارد که اکثر آن‌ها در وضع بسیار بدی قرار دارند؛ یعنی اولاً فاقد وسایل درمانی هستند و ثانیاً اصلاً دارو ندارند و کارمندان هم یا سر کار نیستند یا این‌که یکی دو ساعت سر می‌زنند و می‌روند. مردم هم در کمال ناراحتی با هزار درد و مرض دست‌به‌گریبان هستند و هنگامی که گله می‌کنند، جواب آن‌ها این است که بودجه نداریم و وزارت بهداشتی به ما وسایل دارو و درمان نمی‌دهد.»

بنابراین، اگر آقای وزیر موافقت کنند، یک روز صبح بی‌خبر، متفقاً به برخی از این درمانگاه‌ها (نه به همه آن‌ها)، فقط به پنج یا شش محل، سرکشی بکنیم تا هم وضع آنجا را ارزیابی کنیم و هم این‌که کارمندان بدانند وزیر بهداشتی فقط در وزارتخانه نمی‌نشیند و سرزده بازرسی می‌کند. ضمناً توضیح دادم این‌گونه سرکشی‌ها هم شما را به نام یک وزیر فعال معرفی می‌کند و هم این‌که وضع درمانگاه‌ها بهتر می‌شود؛ البته به این شرط که اشخاصی که خوب کار کرده‌اند تشویق و آن‌هایی که وظایف خود را انجام ندادند و به‌جای درمانگاه در مطب خود مشغول پول درآوردن هستند، تنبیه شوند.»

وزیر بهداشتی با آن سادگی مخصوص خودش گفت: «دکتر رهنوردی، می‌خواهی کار دست من بدهی و یک عده دشمن برای من بتراشی.»

گفتم: «من می‌خواهم وجود شما مثمرتر بشود و بتوانیم وضع درمانگاه‌ها را درست کنیم. ممکن است عده‌ای با شما مخالف بشوند، ولی شما در مقابل وجدان خود و خدای خود می‌دانید کار مثبتی کرده‌اید و از سوی دیگر این موضوع در جرایم درج می‌شود و اطمینان دارم مورد رضایت مقامات بالا نیز قرار خواهد گرفت.»

در حالی که پُکی به سیگار «اشنوی» خود می‌زد، گفت: «دکتر رهنوردی، بیا و بالاغیرتاً دست از سر ما بردار و این برنامه‌ها را برای ما پیاده نکن.»



آقای وزیر نفس راحتی کشیدند و سیگار «اشنوی» خود را درآوردند که من هم فوراً با فندک خود ادای احترام کردم و سیگارشان روشن شد. سفارش دو تا چای داد و وقتی پیشخدمت چای را گذاشت، به او گفتم: «چند دقیقه‌ای کسی نیاید که کار دارم.»

دکتر ریاحی به من گفتم: «بنشین تا چند کلمه با تو صحبت کنم. اولاً تو را مانند پسر دوست دارم و می‌دانم تو عاشق این هستی که به کشورت و به مردم خدمت کنی، ولی باید مواظب باشی که برای خودت دشمن نتراشی، وگرنه این‌ها نه می‌گذارند تو ترقی کنی و نه این‌که راحت می‌گذارند. کارها را بایستی با ملایمت و با توجه به همه جوانب انجام داد.»

«این‌ها سال‌های سال این‌طوری زندگی کرده‌اند و به آن عادت دارند و تو نمی‌توانی در چند ماه آن‌ها را عوض کنی.»

در پایان گفتم: «حالا ترتیبی می‌دهم که همه آن‌ها ببینند اینجا و از شما که نگذاشتید نامه‌ها صادر شود، تشکر بکنند.»

حرف‌های جناب وزیر حال ما را گرفت و حتی می‌خواستم

وزیر برای بازدید درمانگاه‌ها رفته بود، جوش و خروشی دیده می‌شد و همه خوشحال بودند که بالاخره این وزارتخانه حرکتی از خودش نشان داده است.

من نام کسانی را که در درمانگاه‌ها حاضر نبودند، از دکتر و پرستار و کارمند، تنظیم و آماده کرده و بردم به حضور آقای وزیر و درخواست کردم که آن‌ها را، چون برای بار اولشان است، کتباً توبیخ کرده و در مرحله دوم جریمه و در مرحله سوم به پایان خدمت موقت محکوم بشوند.

وزیر بهداری حاضر نبود این اخطار کتبی را امضا کند و به من گفتم: «حالا چند روزی صبر کن.» ولی من اصرار داشتم تا موضوع، اثر و اهمیت خود را از دست نداده، این کار باید بشود و برای چند نفر که در سر کارشان حاضر بودند، تقاضای تشویق‌نامه داشتم. بالاخره آقای وزیر آن‌ها را امضا کرد.

هنوز نامه از وزارتخانه خارج نشده بود که غوغایی برپا شد. وزیر بهداری فوری مرا به دفترش خواست و جریان را تعریف کرد که از اول صبح، از چند وکیل و اشخاص کله‌گنده

گفتم: «شما بیایید. من حاضر به عنوان مشاور شما تمام مسئولیت را به عهده بگیرم.»

به هر زبانی بود، بالاخره موافقت ایشان را برای بازدید درمانگاه‌ها گرفتم و قرار شد روز آن را خود آقای وزیر تعیین کند.

بالاخره روز موعود فرا رسید. آقای وزیر با اتومبیل خود، در حالی که راننده آن را می‌راند، مرا از جلوی وزارت بهداری، در ساعت ۷:۳۰ صبح، برداشت و طبق برنامه و خط سیری که تعیین کرده بود، برای بازدید درمانگاه‌های چهارراه مختاری، خانی‌آباد، سرپل جوادیه، سی‌متری و امیریه حرکت کردیم. نخستین درمانگاه، چهارراه مختاری بود. شاید دلیل آن‌که چهارراه مختاری نخستین بود، آن بود که خودم بچه مختاری بودم و سال‌ها در آنجا زندگی کرده بودم.

وقتی اتومبیل وزیر جلوی درمانگاه ایستاد، درست ساعت هشت صبح بود. معمولاً شروع کار درمانگاه‌ها هفت صبح بود. یک ساعت را هم برای احتیاط گذاشته بودیم تا آن‌هایی که تأخیر دارند، به کار خود برسند.

تنها کسی که در درمانگاه بود، یک پرستار، آن هم از نوع درجه سه، بود و از پزشک خبری نبود. چه خبری نبود! چهار نفر با زن و بچه روی نیمکت مندرس نشسته بودند و معلوم بود که مریض هستند. از دکتر و سایر کادر درمانی خبری نبود و پرستار نیز در یک اتاق فوق‌العاده کهنه و کثیف، در یک کاسه حلبی، روبه‌روی یک پریموس کهنه، مشغول جوشاندن سرنگ بود.

وقتی سراغ دکتر و افراد دیگر را گرفتیم، پرستار شروع به من‌ومن کرد و تا ما خواستیم اتاق‌های دیگر را بازدید کنیم، پرستار فوراً یکی از مریض‌ها را به سراغ دکتر فرستاد. بعد از بیست دقیقه که ما مشغول نگاه کردن به اسامی کادر پزشکی درمانگاه و همچنین تعداد مریض‌هایی که در روز می‌بینند بودیم، معلوم شد این درمانگاه ده نفر کارمند، از دکتر و نرس و پیشخدمت، دارد.

در این وقت آقای دکتر نفس‌زنان وارد شد و شروع کرد به ماست‌مالی کردن علت غیبت افرادی که هنوز نیامده بودند و اصولاً فقط موجب‌بگیر بودند و کاری انجام نمی‌دادند.

از میزان دارو و وسایل که تقریباً صفر بود پرسیدیم. گفت: «مدت‌هاست از وزارت بهداری درخواست کرده‌ایم و نرسیده است.»

به هر روی، کاملاً برای آقای وزیر معلوم شد وضع از آنچه که می‌گفتند بدتر است. سه چهار دکتر و چندین پرستار و پیشخدمت حقوق می‌گیرند و اصلاً از خدمتشان خبری نیست. این درمانگاه نه بهداشتی بود و نه دارو داشت و نه دکتر؛ همه چیز ساختگی و قلابی بود و از خدمت به مردم در آن خبری نبود.

درمانگاه بعدی، درمانگاه خانی‌آباد، وضعیت بهتر نبود، ولی معلوم بود که فوراً از درمانگاه قبلی به تمام درمانگاه‌های آن ناحیه خبر داده بودند و تا رسیدن ما به آن‌ها فرصتی بود که به دکترها و پرستارها خبر بدهند، آن‌ها برای ظاهرسازی دستی به سر و صورت درمانگاه بکشند و اگر شده از کوچه هم چند تا مریض دست‌وپا بکنند.

درمانگاه بعدی، یعنی سرپل جوادیه، وضعش خوب بود؛ چون فرصت کافی داشتند تا همدیگر را خبر کنند و دکترها با روپوش سفید و پرستارها تر و تمیز و درمانگاه جارو شده و اتاق‌ها مرتب شده، در انتظار ما بودند. با وجود این، وقتی به دفترها نظر انداختیم، معلوم شد درمانگاه در ساعت ۱۱:۳۰ تقریباً بسته می‌شود و دکترها به مطب خود و نرس‌ها به کارهای دیگری که داشتند می‌پرداختند.

دو درمانگاه دیگر را نیز بازدید کردیم و با دلی پر از درد به وزارتخانه برگشتیم. در وزارتخانه، به علت این‌که جناب



دکتر حسن رهنوردی در مسابقه های وزنه برداری قهرمانی سال ۱۹۵۴ در وین اتریش

از کار کردن با او صرف‌نظر کنم، ولی متوجه شدم این شخص حقیقتاً انسان بی‌گناهی است که بدون خواست خودش به آن تله افتاده و وقتی یادم افتاد که می‌گفتند یک روز دکتر ریاحی در خانه‌اش نشسته بود، تلفنی به او می‌شود که: «آقا، شما وزیر بهداری شده‌اید.»

این بیچاره نیز که در تمام عمرش جز اتاق عمل و بیمارستان جایی را ندیده بود، بهتش می‌زند و می‌گوید: «منظور شما را نفهمیدم. یعنی چه من وزیر بهداری شده‌ام؟»

آن شخص می‌گوید: «به عرض رسیده و تصویب شده، معطل نکنید. فوراً لباس‌هایتان را بپوشید تا معرفی شوید.»

دکتر ریاحی که لباس سلام نداشت، مجبور می‌شود از یک نفر امانت بگیرد و لباس نیز برایش کوچک و کوتاه می‌بود، ولی بناچار چون وقت نبود، با همان لباس شرفیاب و به‌عنوان وزیر بهداری معرفی می‌شود.

در وزارت بهداری اصولاً دکترهایی بودند سال‌های سال مارخورده و افعی‌شده بودند و یک وزارتخانه قدیمی، بدون تحرک، تقریباً مرده بود و اگر برخی اقدامات، مانند مبارزه با مالاریا و مبارزه با تراخم و کچلی و سل و امراض مقاربتی، به سرعت پیش می‌رفت، مرهون اداره بهداشت بود، نه وزارت بهداری.

تلفن شده و گله کرده‌اند که این یا آن دکتر سال‌های درازی با شایستگی به میهن خودش خدمت کرده‌اند و نبایستی بر اساس آن یک روز که اتفاقاً دیر به درمانگاه آمده‌اند، تمام خدمات ایشان نادیده گرفته شود.

تلفن پشت تلفن به وزیر که این‌هایی را که می‌خواهید توبیخ کنید، آدم‌های شریفی هستند و این آقای مشاور که تازه از آمریکا آمده و افکار ماساچوستی دارد، می‌خواهد کار دست این افراد بدهد و سوابق خدمتشان را خراب کند.

وزیر بسیار ناراحت بود و به من گفتم: «دیدید به تو گفتم این کارها در این کشور انجام‌پذیر نیست. حالا بیا و این آقایان و کلا و کله‌گنده‌ها را جواب بده.»

وزیر می‌گفت: «مرا با این‌ها طرف نکن. من با این‌ها در مجلس و جاهای دیگر کار دارم.»

آدم چیزی بگویم، وسط حرفم پرید و گفتم: «برو به کارگزینی ببین اگر نامه‌ها صادر نشده، فوراً جلوی‌شان را بگیر. من طور دیگری ترتیب کار را می‌دهم.»

خوشبختانه نامه‌ها از وزارتخانه خارج نشده بود. همه را جمع‌آوری کردم، آوردم حضور آقای وزیر و ایشان نیز دستور دادند که اصولاً این نامه‌ها را نادیده بگیرند و نامه‌ها باطل شود. این کار نیز شد.

«تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» در سایه‌ی توافق صلح لبنان و بازداشت فاسدان حامی جمهوری اسلامی در عراق



امضای توافق صلح سه‌جانبه بین آمریکا، اسرائیل و لبنان به ابتکار مارکو رویو و با حضور ریچل لایتر سفیر اسرائیل در آمریکا، دانیل هالر نماینده هیئت آمریکایی و ندا حماده سفیر لبنان در آمریکا / واشنگتن / ۲۶ ژوئن ۲۰۲۶

ایران اصرار می‌ورزند. در این میان، خبرهای ضد و نقیض فراوانی در خصوص پرداخت مبالغی شنیده می‌شود که از سوی مقامات آمریکایی تایید نشده است. ضمن اینکه در سخنان مقامات آمریکایی از جمله جی‌دی ونس معاون اول ترامپ، سردرگمی موج می‌زند. وی درباره جمهوری اسلامی جالب و هم آزردهنده است، این است که می‌گویند نه، هیچ گفتگوی صلحی در جریان نیست! اما در همان حال مذاکرات فنی میان واشنگتن و تهران درباره توافق صلح در حال انجام است. این یک تاکتیک مذاکره یا شگرد ایرانی است که من آن را درک نمی‌کنم!»

اسرائیل، مسلح به توافق صلح لبنان

مقامات باقیمانده‌ی جمهوری اسلامی که حزب‌الله لبنان یکی از مهم‌ترین گروه‌های نیابتی آنها به شمار می‌رود، در بند اول تفاهم‌نامه یک و نیم برگی هرگونه گفتگو برای رسیدن به «توافق نهایی» را پایان دادن دائمی جنگ در تمام جبهه‌ها و بطور مشخص در لبنان گره زده‌اند. ارتش اسرائیل اما در اولین روز امضای تفاهم‌نامه، منطقه ضاحیه در لبنان را مورد حمله قرار داد تا به طرفین این «تفاهم» نشان دهد که دولت این کشور به «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» پایبند نیست بلکه حق خود را برای دفاع از موجودیت کشور اسرائیل به هیچ تفاهم و توافقی بین دولت‌های دیگر گره نمی‌زند.

از سوی دیگر، دولت بنیامین نتانیاهو در پی تلاش‌هایی که مدت‌هاست جریان دارد، موفق شد در پنجم تیرماه (۲۶ ژوئن ۲۰۲۶) امضای یک توافق سه‌جانبه میان اسرائیل، آمریکا و لبنان را اعلام کند. توافق صلح لبنان به ابتکار مارکو رویو وزیر خارجه ایالات متحده در واقع به

در سوئیس از نسخه‌ی رسمی آن رونمایی شد، در صحنه‌ی عمل اتفاقات دیگری رخ می‌دهد: این تفاهم‌نامه‌ی یک و نیم برگی، اما پر سر و صدا، تا کنون نتوانسته چرخ مذاکرات را برای رسیدن به «توافق نهایی» مورد نظر دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا به حرکت درآورد. تا پیش از امضای این «یادداشت تفاهم» در ۲۸ خرداد و بعد از اعلام آتش‌بس ظاهراً دو هفته‌ای در ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ از سوی ترامپ، سیگنال‌ها و تلاش‌هایی برای برگزاری دور جدیدی از مذاکرات در جریان بود که دو طرف برای دست یافتن به یک «توافق نهایی» طی شصت روز، تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را در چهارده بند تنظیم و امضاء نمودند. اما از همان روز اول، عدم تفاهم بر سر «یادداشت تفاهم» آشکار شد.

تفاهم همراه با مشوق برای تغییر رفتار در دو ماه

آنچه در چهارده بند «یادداشت تفاهم» آمده و کیهان لندن در گزارش‌ها و تحلیل‌های خود به تفصیل به آن پرداخته، زمینه‌های نگرانی مخالفان این تفاهم‌نامه را چه در میان اپوزیسیون مدافع دموکراسی و چه در میان سیاستمداران ایالات متحده و اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه به روشنی آشکار می‌کند. پس از آنچه به «جنگ چهل روزه» معروف شده، دولت آمریکا تصمیم گرفت دست‌کم دو ماه به رژیم ایران فرصت «تغییر رفتار» بدهد تا از پادشاهی رئیس‌جمهور ایالات متحده بهره‌مند شود. این تسلیم از سوی جمهوری اسلامی با باز کردن تنگه هرمز و از سوی آمریکا با شکست محاصره دریایی و سپس با تعلیق محدودیت‌ها و تحریم‌های نفتی-پتروشیمی همراه شد.

اما مقاماتی که از جمهوری اسلامی باقی مانده‌اند، خواهان پول نقد هستند و بر آزاد شدن پول‌های مسدودشده‌ی

آنچه در چهارده بند «یادداشت تفاهم» آمده و کیهان لندن در گزارش‌ها و تحلیل‌های خود به تفصیل به آن پرداخته، زمینه‌های نگرانی مخالفان این تفاهم‌نامه را چه در میان اپوزیسیون مدافع دموکراسی و چه در میان سیاستمداران ایالات متحده و اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه به روشنی آشکار می‌کند.

● مقامات باقیمانده‌ی جمهوری اسلامی که حزب‌الله لبنان یکی از مهم‌ترین گروه‌های نیابتی آنها به شمار می‌رود، در بند اول تفاهم‌نامه یک و نیم برگی اسلام‌آباد هرگونه گفتگو برای رسیدن به «توافق نهایی» را پایان دادن دائمی جنگ در تمام جبهه‌ها و بطور مشخص در لبنان گره زده‌اند. اما دولت بنیامین نتانیاهو در پی تلاش‌هایی که مدت‌هاست جریان دارد، موفق شد در پنجم تیرماه (۲۶ ژوئن ۲۰۲۶) امضای یک توافق سه‌جانبه میان اسرائیل، آمریکا و لبنان را اعلام کند.

● از سوی دیگر آنچه همزمان به عنوان مبارزه با فساد در عراق به جریان افتاده و طی آن تا کنون ده‌ها تن از مقامات حامی جمهوری اسلامی با میلیاردها دلار و طلا در آن کشور دستگیر شده‌اند، خط روشنی از یک توافق منطقه‌ای-جهانی را ترسیم می‌کند. چرا که به نظر می‌رسد پس از ضربات سنگینی که به جمهوری اسلامی طی دو جنگ دوازده روزه و چهل روزه وارد شده، نه تنها موانع بسیاری از سر راه ملت ایران برای به زیر کشیدن آن برداشته شده بلکه امکان توافقی‌های منطقه‌ای با غرب را نیز در مقابله با رژیم فراهم آورده است.

کیهان لندن - با گذشت دو هفته از امضای «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا که ابتدا به صورت دیجیتال و سپس

حملات محدود آمریکا به تأسیسات موشکی، پهبادی و رادار ساحلی قشم و سیریک



عکس: سنکام

یک مقام امنیتی دریایی گفت برخی شرکت‌های کشتیرانی و بیمه‌کنندگان ممکن است پس از حمله پنجشنبه نتیجه بگیرند که عبور از تنگه بیش از حد خطرناک است. کشتی کانتری «اور لیولی» چند ساعت پس از هشدار جمهوری اسلامی هدف قرار گرفت؛ سپاه پاسداران اعلام کرده بود تنها مسیر امن عبور از آب‌های تحت کنترل آن است. بسیاری از کشتی‌ها از مسیر جنوبی مورد حمایت آمریکا و نزدیک سواحل عمان استفاده می‌کنند. پس از حمله تلافی‌جویانه آمریکا، چند نماینده مجلس شورای اسلامی گفتند این حملات «نقض بی‌ملاحظه آتش‌بس» بوده و منجر به «عقب‌نشینی و پشیمانی» برای آمریکا خواهد شد. اختلافات جمهوری اسلامی با آمریکا در تفاهم‌نامه زیاد است. یکی از اساسی‌ترین آنها آزاد شدن مسیر کشتیرانی در تنگه هرمز است که حکومت ایران به دنبال اخذ عوارض از کشتی‌هاست اما آمریکا می‌پذیرد.

آتش‌بس بوده و هشدار داد اگر چنین اقداماتی تکرار شود «پاسخ ما گسترده‌تر خواهد بود».

جی‌دی ونس معاون ترامپ در شبکه‌های اجتماعی گفت که آمریکا «به آتش‌بس احترام گذاشته»، اما هشدار داد در برابر هرگونه اقدام خصمانه ایران پاسخ خواهد داد. او گفت: «اگر اختلافی درباره نحوه اجرای تفاهم‌نامه دارند، می‌توانند تماس بگیرند... اما خشونت با خشونت پاسخ داده می‌شود».

ترامپ پیشتر در شبکه‌های اجتماعی گفته بود ایران حداقل چهار پهباد تهاجمی یکطرفه پرتاب کرده که یکی از آنها به عرشه بالایی یک «کشتی بزرگ و بسیار گران‌قیمت حمل بار» اصابت کرده است. او افزود سه پهباد دیگر سرنگون شدند و کشتی با وجود آسیب، به مسیر خود ادامه داده است.

این کشتی به نام «اور لیولی» یک کشتی کانتری بود که در مسیر سمت عمان در تنگه هرمز در حال عبور بود. این حمله به نظر می‌رسد نخستین حمله شناخته‌شده رژیم ایران به یک کشتی تجاری پس از امضای «یادداشت تفاهم» صلح میان تهران و واشنگتن باشد.

این حمله باعث شد سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) تلاش خود را برای کمک به صدها کشتی گرفتار در خلیج فارس متوقف کند. بر اساس داده‌های شرکت لجستیک Lloyd's List Intelligence، دست‌کم دو نفتکش پس از هشدار جمهوری اسلامی ایران مسیر خود را تغییر دادند و تعداد کشتی‌های عبوری از تنگه از ۷۳ به ۵۴ کاهش یافت.

اگرچه آمریکا و رژیم ایران توافق کرده‌اند دسترسی به تنگه هرمز را باز نگه دارند و ترامپ نیز آن را مسیر «باز برای عبور بدون محدودیت» اعلام کرده، اما تفاهم‌نامه جزئیات دقیقی درباره نحوه اجرای آن ندارد.

رژیم ایران بار دیگر تأکید کرده که نقش مرکزی در مدیریت ترافیک دریایی تنگه دارد. وزارت خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد این تنگه در آب‌های ایران و عمان قرار دارد و به بندی از تفاهم‌نامه استناد کرد که به گفته تهران اجازه مدیریت ترافیک دریایی را به ایران می‌دهد.

در این تفاهم‌نامه آمده است ایران «با حداکثر تلاش خود ترتیباتی برای عبور ایمن کشتی‌های تجاری فراهم خواهد کرد»، اما این عبارت مبهم است و امکان تفسیرهای متفاوت را باقی می‌گذارد.

● همزمان با ادامه مذاکرات به امید یک «توافق نهایی»، ارتش آمریکا به تلافی موشک‌پرانی جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز و دریای عمان، تأسیسات نظامی در قشم و سیریک را هدف قرار داد.

● سنکام بامداد شنبه ۲۷ ژوئن (ششم تیرماه) اعلام کرد که انبارهای موشک، پهباد و سایت‌های رادار ساحلی در ایران را هدف قرار داده است. این اقدام چند ساعت پس از آن انجام شد که دونالد ترامپ موشک‌پرانی جمهوری اسلامی را «نقض احمقانه آتش‌بس شکننده میان دو کشور» توصیف کرد.

● یکی از مقامات دفاعی آمریکا گفت این حملات آمریکا یک اقدام تلافی‌جویانه بوده و به معنای آغاز دوباره عملیات گسترده نظامی نیست.

● روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد این حملات حدود ۹۰ دقیقه طول کشید و چند جنگنده آمریکایی به چهار هدف حمله کردند.

همزمان با ادامه مذاکرات به امید یک «توافق نهایی»، ارتش آمریکا به تلافی موشک‌پرانی جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز و دریای عمان، تأسیسات نظامی در قشم و سیریک را هدف قرار داد.

سنکام بامداد شنبه ۲۷ ژوئن (ششم تیرماه) اعلام کرد که انبارهای موشک، پهباد و سایت‌های رادار ساحلی در ایران را هدف قرار داده است. این اقدام چند ساعت پس از آن انجام شد که دونالد ترامپ موشک‌پرانی جمهوری اسلامی را «نقض احمقانه آتش‌بس شکننده میان دو کشور» توصیف کرد.

یکی از مقامات دفاعی آمریکا که به شرط ناشناس ماندن گفته است این حملات یک اقدام تلافی‌جویانه بوده و به معنای آغاز دوباره عملیات گسترده نظامی نیست.

روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد این حملات حدود ۹۰ دقیقه طول کشید و چند جنگنده آمریکایی به چهار هدف حمله کردند.

نیروهای نظامی جمهوری اسلامی اعلام کردند در پاسخ به حملات آمریکا، تهران مواضع ارتش آمریکا در منطقه را هدف قرار داده است، اما ارتش آمریکا بلافاصله این ادعا را تأیید نکرده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای که رسانه‌های دولتی در ایران منتشر کردند، اعلام کرد حملات آمریکا نقض

برداشتن گروه تروریستی حزب‌الله و همچنین مهار مقامات و نیابتی‌های حامی جمهوری اسلامی در عراق از پیش وجود داشته، اما شرایط تحقق این توافق‌های اعلام‌شده و اعلام‌نشده، با تضعیف مرگبار جمهوری اسلامی به دست آمده است.

حال باید دید آیا «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» طی شصت روز، و یا با تأخیر، به «توافق نهایی» مورد قبول آمریکا و کشورهای منطقه از جمله اسرائیل می‌رسد یا اینکه توافق صلح لبنان و مبارزه با فاسدان جمهوری اسلامی در عراق، بخشی از روندیست که سرانجام نه به «تسلیم» رژیم در برابر غرب و آمریکا بلکه به سقوط آن در برابر ملت ایران خواهد انجامید.

نیستند. حالا این توافق سه‌جانبه به ارتش اسرائیل اجازه می‌دهد تا خلع سلاح کامل حزب‌الله، در لبنان باقی بماند.

از سوی دیگر آنچه همزمان به عنوان مبارزه با فساد در عراق به جریان افتاده و طی آن تاکنون ده‌ها تن از مقامات حامی جمهوری اسلامی با میلیاردها دلار و طلا در آن کشور دستگیر شده‌اند، خط روشنی از یک توافق منطقه‌ای-جهانی را ترسیم می‌کند. چرا که به نظر می‌رسد پس از ضربات سنگینی که به جمهوری اسلامی طی دو جنگ دوازده روزه و چهل روزه وارد شده، نه‌تنها موانع بسیاری از سر راه ملت ایران برای به زیر کشیدن آن برداشته شده بلکه امکان توافق‌های منطقه‌ای با غرب را نیز در مقابله با رژیم فراهم آورده است. وگرنه تلاش برای از مهار و یا از میان

→ جمهوری اسلامی پیام داد که دیگر نمی‌تواند روی گروه تروریستی حزب‌الله که توسط خودش پس از انقلاب اسلامی در لبنان تأسیس شد، حساب کند. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل از توافق صلح لبنان به عنوان «یک ضربه بزرگ» به جمهوری اسلامی یاد کرده است. وی چهار روز بعد از توافق صلح طی بازدید از نیروهای ارتش این کشور در جنوب لبنان، خطاب به جمهوری اسلامی و حزب‌الله تأکید کرد: «باید از اینجا خارج شوید! هیچ جایی در اینجا ندارید!»

اهمیت توافق صلح لبنان در نقش تعیین‌کننده اسرائیل برای خلع سلاح حزب‌الله لبنان است. دولت‌های مختلف لبنان تاکنون نشان داده‌اند که به تنهایی قادر به مقابله با حزب‌الله

اعضای خبرگان رهبری ضمن «مهدورالدم» خواندن ترامپ و نتانیاهو با بازگشایی تنگه هرمز مخالفت کردند



برگزاری مراسم تدفین علی خامنه‌ای در هفته سوم تیرماه بازگشایی خواهد شد.

برخی تحلیلگران معتقدند این نمایندگان از مخالفان سرسخت مذاکره و توافق با ایالات متحده هستند و به بهانه تحصن در اعتراض به تداوم تعطیلی مجلس شورای اسلامی به دنبال ایجاد حاشیه برای دولت و تیم مذاکره‌کننده هستند. در مطلبی منتشر شده به مجتبی خامنه‌ای رهبر سوم جمهوری اسلامی که پس از امضای تفاهم‌نامه میان جمهوری اسلامی و آمریکا منتشر شده نیز آمده بود که او نظر دیگری برای مذاکره و توافق داشته است؛ ادعایی که بیانگر اختلاف نظر در رأس حکومت برای توافق با دولت دونالد ترامپ ارزیابی شده است.

محمود نبویان، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، نیز چند روز پیش در یک برنامه تلویزیونی در صداوسیما جمهوری اسلامی با خواندن از روی متنی که مدعی بود «نامه به کلی محرمانه» مجتبی خامنه‌ای است گفته بود که وی ۱۱ شرط درباره مذاکرات مشخص کرده بود که گرفتن گرامت از آمریکا، حق غنی‌سازی، رفع تحریم‌ها، آزادی اموال مسدود شده و اعمال حاکمیت در تنگه هرمز از جمله آنها بوده است. او همچنین گفته که مجتبی خامنه‌ای خواسته بود اخذ عوارض از تنگه هرمز از همین حالا آغاز شود.

محمود نبویان همچنین ادعا کرده بود مجتبی خامنه‌ای این نامه را پس از مذاکرات اسلام‌آباد نمایندگان حکومت با نمایندگان دولت ترامپ برای تیم مذاکره‌کننده نوشته و تأکید کرده است: «آنچه در مذاکرات پاکستان رقم خورده با آنچه قرار بود بشود و شرط مشروعیت مذاکرات بوده، تفاوت کلی دارد و مذاکرات باید متوقف شود.»

محمود نبویان تأکید کرده بود که مجتبی خامنه‌ای گفته است، در مورد موضوع هسته‌ای مذاکره نکنید؛ یا باید به پیروزی برسید که یعنی دشمن حق شما را به رسمیت بشناسد، یا اینکه مسئله هسته‌ای برای همیشه از دستورکار مذاکرات خارج شود.

خون علی خامنه‌ای «به هیچ وجه مورد اغماض و بی‌توجهی قرار نگیرد و بر هر مکلفی که به آنها دسترسی پیدا کند واجب است که این جنایتکاران را به درک واصل کند.»

در این بیانیه همچنین بر دریافت گرامت، بازگشت اموال بلوکه شده، رفع تحریم‌ها، خروج آمریکا از منطقه و تثبیت مدیریت تنگه هرمز تأکید شده است.

علیرضا اعرافی، غلامرضا فیاضی، غلامرضا مصباحی مقدم، محسن اراکی، محمد حسین بیاتی، احمد بهشتی، ماموستا اقبال بهمنی، ماموستا فائق رستمی، علی کاظمی گیلانی و محمد علی موسوی جزائری از جمله امضاکنندگان این بیانیه هستند.

این بیانیه در حالی منتشر شده که در روزهای اخیر اختلاف نظرها در میان جریان‌های حکومتی بر سر تفاهم‌نامه با آمریکا افزایش یافته است. در مقابل، مسعود پزشکیان اعلام کرده این تفاهم‌نامه با رأی بیش از ۹۰ درصد اعضای شورای عالی امنیت ملی تصویب شده است.

گفتنی است مجلس خبرگان رهبری ۸۸ عضو دارد و امضای این بیانیه توسط ۶۶ عضو این نهاد نشانه دیگری از عمیق‌تر شدن اختلافات در بدنه باقیمانده جمهوری اسلامی پس از جنگ ۴۰ روزه است.

در ادامه اختلافات عمیق بر سر مذاکره و توافق با ایالات متحده که آثار آن در صداوسیما جمهوری اسلامی و تجمعات شبانه حامیان حکومت در خیابان‌های کشور نمایان بوده، مسعود پزشکیان به تازگی اعلام کرده تفاهم‌نامه با آمریکا با رأی بیش از ۹۰ درصد اعضای شورای عالی امنیت ملی، از جمله شماری از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران، تصویب شده و مذاکرات برای اجرای آن آغاز شده است.

هفته گذشته نیز شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اعتراض به ادامه تعطیلی این نهاد حکومتی اعلام کردند از روز یکشنبه هفتم تیرماه در محل مجلس حضور پیدا خواهند کرد و در صورت عدم بازگشایی این نهاد، در همانجا تحصن خواهند کرد. اعضای هیئت رئیسه مجلس پس از این تهدید اعلام کرد مجلس شورای اسلامی پس از

شصت و شش نفر از ۸۸ عضو مجلس خبرگان رهبری، روز شنبه ششم تیرماه ۱۴۰۵، با انتشار بیانیه‌ای درباره تفاهم‌نامه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، اعلام کردند بازگشایی تنگه هرمز «خلاف تعهدات مسئولان» و «خطایی راهبردی» است.

امضاکنندگان این بیانیه همچنین تأکید کردند که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی نباید موضوع مذاکره قرار گیرد و باید بطور کامل از دایره گفتگوها خارج شود.

اکثریت اعضای مجلس خبرگان رهبری با صدور بیانیه‌ای سرگشاده درباره تفاهم‌نامه جمهوری اسلامی با ایالات متحده، با بازگشایی تنگه هرمز مخالفت کرده و آن را «خطایی راهبردی» معرفی کردند. امضاکنندگان تیم مذاکره‌کننده را تهدید کردند که «هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه قطعاً با عکس‌العمل ملت مواجه خواهد شد.»

مجلس خبرگان شصت و شش نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری، روز شنبه ششم تیرماه ۱۴۰۵، با انتشار بیانیه‌ای درباره تفاهم‌نامه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، اعلام کردند بازگشایی تنگه هرمز «خلاف تعهدات مسئولان» و «خطایی راهبردی» است. امضاکنندگان این بیانیه همچنین تأکید کردند که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی نباید موضوع مذاکره قرار گیرد و باید بطور کامل از دایره گفتگوها خارج شود.

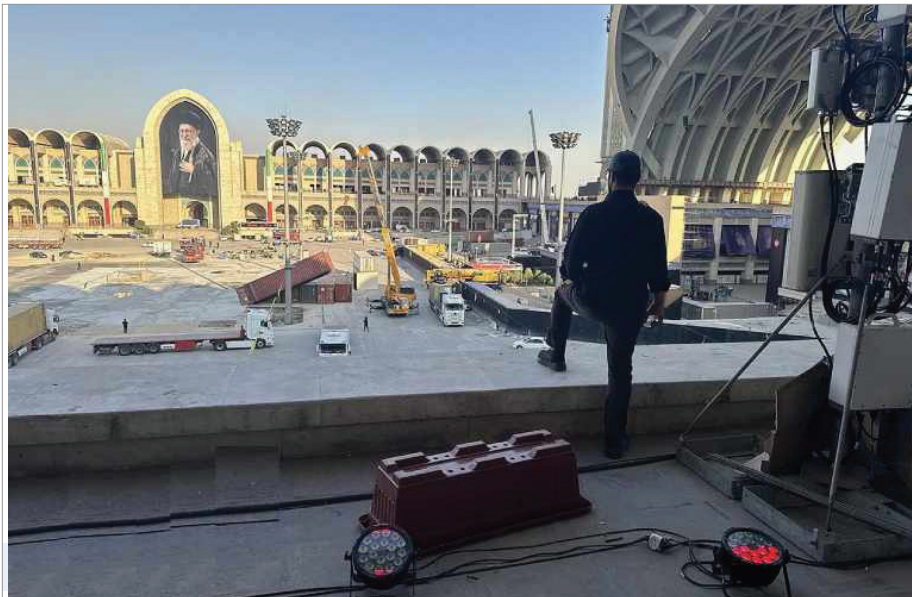
اعضای مجلس خبرگان رعایت «خطوط قرمز» اعلام شده از سوی «رهبر جمهوری اسلامی» را «واجب شرعی» خواندند: «توجه داشته باشند که رعایت خطوط قرمز رهبری واجب شرعی است و تخطی از آنها به هیچ وجه جایز نیست.» امضاکنندگان تیم مذاکره‌کننده را تهدید کرده و نوشته‌اند «تثبیت مدیریت تنگه هرمز و دریافت گرامت خسارت‌ها و بازگشت اموال بلوکه شده و رفع تحریم‌ها و خروج آمریکا از منطقه از مطالبات تخلف ناپذیر رهبری و مردم است که لازم است با حفظ عزت و کرامت ملت ایران دنبال شود و هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه قطعاً با عکس‌العمل ملت مواجه خواهد شد.»

آنها همچنین خطاب به تیم مذاکره‌کننده نوشتند «انتظار داریم که با ملاحظه تجربه‌های مذاکرات خسارت‌بار گذشته کاملاً مراقب ترفندهای دشمن فریبکار و بدسابقه باشند.» اعضای مجلس خبرگان همچنین تأکید کرده‌اند که «حقوق هسته‌ای ایران» نباید مورد بحث یا مناقشه قرار گیرد و لازم است بطور کامل از روند مذاکرات کنار گذاشته شود.

امضاکنندگان همچنین خواستار آن شدند که «هرگونه پیمان‌شکنی و نقض بندهای تفاهم‌نامه سر‌ریعاً پاسخ داده شود.» در بخش دیگری از بیانیه به موضوع «لبنان» پرداخته شده و حضور نیروهای اسرائیل در جنوب لبنان و «عدم عقب‌نشینی از مناطق اشغالی» را «نقض آشکار بند اول تفاهم‌نامه» دانسته و افزوده «بازگشایی تنگه هرمز خلاف تعهدات مسئولان است و خطایی راهبردی شمرده می‌شود و دشمن را در ادامه پیمان‌شکنی‌ها و نقض تعهداتش گستاخ‌تر خواهد کرد.»

شصت و شش عضو مجلس خبرگان رهبری همچنین دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو را «مهدورالدم» خوانده و خواستار «مجازات» آنها شدند. امضاکنندگان بیانیه نوشته‌اند انتقام

توقف موقت مذاکرات با آمریکا تا بعد از برگزاری مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای؛ اختلافات همچنان پابرجاست



گزارش‌ها درباره موافقت تهران با دسترسی بازرسان آژانس به تأسیسات فردو، نطنز و اصفهان را رد کرد و گفت: «بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حق بازرسی از سایت‌های هسته‌ای که توسط آمریکا بمباران شده‌اند را ندارند.» وی همچنین افزود: «در حال حاضر بازرسان تنها به دو محل دسترسی دارند؛ نیروگاه اتمی بوشهر و راکتور تهران.» این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جمعه ۲۶ ژوئیه در نشست خبری خود در ژاپن گفته بود: «توافقی وجود دارد و برای اجرای آن، آژانس باید به تأسیسات دسترسی داشته باشد و بازرسی‌های خود را انجام دهد.» او اما مشخص نکرد که منظورش کدام تأسیسات هسته‌ای است.

دونالد ترامپ چهارشنبه ۱۰ تیر گفته بود که روند خلع سلاح هسته‌ای جمهوری اسلامی در حال پیشرفت است و نشست‌های اخیر دو طرف در قطر نیز به خوبی برگزار شده است. در این میان، درباره وضعیت نامشخص ۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی ابهام زیادی وجود دارد. تصاویر ماهواره‌ای جدید از نطنز، فردو و اصفهان از استقرار خودروهای پشتیبانی، ایجاد موانع در ورودی برخی تونل‌های زیرزمینی و تغییرات دفاعی در اطراف این مراکز خبر می‌دهند؛ تحولاتی که همزمان با افزایش تنش‌های لفظی میان جمهوری اسلامی و اسرائیل منتشر شده است.

به نوشته وبسایت خبری جوئیش‌فید (JFeed) تصاویر ماهواره‌ای تازه با وضوح بالا که از سوی شبکه‌های بین‌المللی منتشر شده‌اند، حاکی از تحولات جدید در برخی از تأسیسات هسته‌ای ایران، از جمله نطنز، فردو و اصفهان، هستند. این تصاویر، به گفته تحلیلگران، بیانگر فعالیت‌های تدارکاتی و تغییرات دفاعی در اطراف تونل‌های زیرزمینی این مراکزند.

است. از اظهارات وزیر کشاورزی دولت پزشکیان اینطور برداشت می‌شود که حکومت خرید محصول از آمریکا را پذیرفته است. او در همین ارتباط گفت: «حدود ۱۶ میلیارد دلار سالانه واردات کالاهای اساسی برای کشور داریم. در سال‌های گذشته، تامین این کالاها معمولاً از محل منابع دولتی مانند درآمدهای نفتی یا سایر درآمدهای دولت انجام شده است. بخشی از این درآمدها به دلیل تحریم‌ها در کشورهای خارجی و همسایه بلوکه شده بود و با توجه به مقررات تحریمی، متأسفانه هزینه‌کرد آنها باید با نظر ناظر آمریکایی انجام می‌شد. به همین دلیل، بخشی از هزینه‌کرد برای تامین کالاهای اساسی عمدتاً از طریق شرکت‌های آمریکایی انجام می‌گرفت. این موضوع جدید نیست، در سال‌های گذشته نیز وجود داشته و همچنان ادامه دارد، زیرا آن منابع فقط از این مسیر و با توجه به تحریم‌ها، قابلیت آزادسازی داشتند.»

آنطور که منابع غیررسمی و رسانه‌ها گزارش داده‌اند، در این مذاکرات درباره غنی‌سازی اورانیوم، محدودیت‌های جمهوری اسلامی برای خرج کردن پول‌های آزادشده و انسداد تنگه هرمز بحث شده اما موارد اختلاف همچنان زیاد و باقی مانده است.

بازرسان حق بازدید ندارند

دونالد ترامپ اصرار دارد بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌بایست به همراه نمایندگان آمریکا از تأسیسات اتمی ایران که در جنگ بمباران شدند بازدید کنند. این موضوع اما تا کنون از سوی جمهوری اسلامی مورد موافقت قرار نگرفته است. برخی منابع گفته بودند بازرسی‌های آژانس به زودی آغاز خواهد شد اما محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و مسئول هیات مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی،

برخی منابع گزارش داده‌اند که ادامه مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا به بعد از مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای موکول شده است. مذاکراتی که با واکنش تند بخشی از طرفداران نظام مواجه شده است. معترضان در تجمعات شبانه مستولان ارشد نظام را به باد انتقاد می‌گیرند و دشنام نثار آنها می‌کنند؛ طوری که برخی مقامات هشدار می‌دهند که ادامه این تجمعات به ضرر نظام است.

● کاظم غریب‌آبادی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی که برای مذاکره بر سر اجرای مفاد «تفاهم‌نامه» با آمریکا به دوحه سفر کرده بود، خبر داد که در جلسه با مقامات قطری، از جمله رئیس بانک مرکزی این کشور، برخی مسائل مربوط به هزینه‌ی بخشی از شش میلیارد دلار اولیه از پول‌های مسدودشده‌ی ایران، مورد بررسی قرار گرفت.

● آمریکا اعلام کرده است که این پول باید صرف خرید محصولات کشاورزی آمریکایی شود اما مقامات جمهوری اسلامی این موضوع را تکذیب می‌کنند. گفته می‌شود بخشی از مذاکرات قطر درباره خرید «کالاهای اساسی» بوده است. از اظهارات وزیر کشاورزی دولت پزشکیان اینطور برداشت می‌شود که حکومت خرید محصولات کشاورزی آمریکا را پذیرفته است.

برخی منابع گزارش داده‌اند که ادامه مذاکره جمهوری اسلامی و آمریکا به بعد از مراسم تشییع جنازه علی خامنه‌ای موکول شده است. مذاکراتی که با واکنش تند بخشی از طرفداران نظام مواجه شده است. معترضان در تجمعات شبانه مستولان ارشد نظام را به باد انتقاد می‌گیرند و دشنام نثار آنها می‌کنند طوری که برخی مقامات هشدار می‌دهند ادامه این تجمعات به ضرر نظام است.

کاظم غریب‌آبادی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی که برای مذاکره بر سر اجرای مفاد «تفاهم‌نامه» با آمریکا به دوحه سفر کرده بود، خبر داد که در جلسه با مقامات قطری، از جمله رئیس بانک مرکزی این کشور، برخی مسائل مربوط به هزینه‌ی بخشی از شش میلیارد دلار اولیه از پول‌های مسدودشده‌ی ایران، مورد بررسی قرار گرفت.

این در حالیست که استیو بیتکاف و جرد کوشر فرستادگان دونالد ترامپ نیز همزمان به قطر رفته بودند اما سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی هرگونه مذاکره با آنها را تکذیب کرده است. جی‌دی ونس معاون دونالد ترامپ گفته بود که به نظر می‌رسد انکار مذاکره از سوی جمهوری اسلامی یک «تاکتیک» است اما آمریکا «همه برگ‌های برنده را در اختیار دارد.»

آمریکا همیشه ناظر بر واردات به ایران بوده

آمریکا اعلام کرده است که این پول باید صرف خرید محصولات کشاورزی آمریکایی شود اما مقامات جمهوری اسلامی این موضوع را تکذیب می‌کنند. گفته می‌شود بخشی از مذاکرات قطر درباره خرید «کالاهای اساسی» بوده

تعویق مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا در پی افزایش درگیری‌ها در تنگه هرمز



تنگه هرمز

برقرار خواهد شد. مایک والتز سفیر آمریکا در سازمان ملل، اعلام کرد در صورت تهدید کشتیرانی در تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی، آمریکا به هدف قرار دادن زیرساخت‌های نظامی در ایران ادامه خواهد داد.

والتز در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» گفت: «اگر جمهوری اسلامی حتی برای لحظه‌ای تصور کند رئیس‌جمهور ترامپ در برابر حمله به کشتیرانی بین‌المللی یا پایگاه‌های آمریکا واکنشی نشان نخواهد داد، سخت در اشتباه است.»

او افزود، آمریکا در صورت لزوم، به اقدام نظامی برای نابودی زیرساخت‌هایی که به منظور «کنترل غیرقانونی یک آبراه بین‌المللی» استفاده می‌شوند، ادامه خواهد داد.

در مذاکرات هفته گذشته در سوئیس، هیات آمریکایی به ریاست جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، با جمهوری اسلامی توافق کرد که یک خط تماس مستقیم میان ارتش آمریکا و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای هماهنگی تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز برقرار شود.

با این حال، بر اساس این گزارش، تا روز شنبه این خط تماس هنوز فعال نشده بود؛ همزمان جمهوری اسلامی بار دیگر اعلام کرد که کشتی‌ها باید برای عبور از تنگه هرمز، تردد خود را با نیروهای آن هماهنگ کنند.

یک منبع آگاه به آکسیوس گفت مذاکرات سه‌شنبه در ابتدا قرار بود در سوئیس و با تمرکز روی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی برگزار شود، اما تشدید تنش‌ها باعث تغییر محل مذاکرات و تمرکز آن بر موضوع تنگه هرمز شده است.

آکسیوس نوشت انتظار می‌رود نیک استوارت، رئیس تیم فنی آمریکا، در این مذاکرات شرکت کند. کاخ سفید بلافاصله به درخواست این رسانه برای اظهار نظر پاسخ نداد.

کشتی‌های خارجی از تنگه هرمز کاهش پیدا کرده است. به نوشته این روزنامه، این تحولات در حالی رخ داد که از سر گرفتن تردد شناورها در تنگه هرمز، «دست‌آورد کلیدی» تفاهم اخیر میان تهران و واشنگتن به شمار می‌رفت.

آکسیوس به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی گزارش داد آمریکا و جمهوری اسلامی توافق کرده‌اند حملات علیه یکدیگر را متوقف کنند.

به گفته این منبع، تیم‌های مذاکره‌کننده از هر دو دولت قرار است سه‌شنبه در دوحه، پایتخت قطر، درباره اختلافات مربوط به تنگه هرمز گفتگو کنند.

آکسیوس نوشت، آتش‌بس میان دو طرف، با گذشت تنها ۱۱ روز، در پی حملات تازه و تهدید دونالد ترامپ به از سر گرفتن جنگ و «تمام کردن کار»، شکننده شده است.

پایگاه خبری «العربی» نیز به نقل از منابع آگاه خبری مشابه آکسیوس مخابره کرده و نوشته است، گفتگوهای فنی تهران- واشنگتن سه‌شنبه در دوحه از سر گرفته می‌شود. به نوشته العربیه، مذاکرات آتی بر تنگه هرمز متمرکز خواهد بود.

بر اساس گزارش آکسیوس، دور تازه تنش‌ها ناشی از برداشت‌های متفاوت دو طرف از یادداشت تفاهم پایان جنگ، به ویژه مفاد مربوط به تنگه هرمز است.

بر اساس بند پنجم این یادداشت تفاهم، جمهوری اسلامی متعهد شده است با به کار گرفتن تمام تلاش خود، برای ۶۰ روز زمینه عبور امن کشتی‌های تجاری میان خلیج فارس و دریای عمان را بدون دریافت عوارض فراهم کند.

در این یادداشت تفاهم همچنین آمده، تردد کشتی‌های تجاری بلافاصله از سر گرفته می‌شود و با رفع موانع فنی و نظامی و انجام مین‌روبی از سوی جمهوری اسلامی، عبور و مرور عادی کشتی‌ها از تنگه هرمز ظرف ۳۰ روز بطور کامل

● در پی افزایش درگیری‌ها میان ارتش آمریکا و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در تنگه هرمز، روزنامه «والاستریت ژورنال» به نقل از منابع آگاه از تعویق مذاکرات خبر داده است. همزمان پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داد طرفین توافق کرده‌اند به درگیری‌ها پایان دهند و به میز مذاکره بازگردند.

● روزنامه «والاستریت ژورنال» دوشنبه هشتم تیرماه به نقل از «منابع آگاه» نوشت، درگیری‌های اخیر میان آمریکا و جمهوری اسلامی موجب نگرانی مالکان کشتی‌ها شده و چشم‌انداز بازگشایی تنگه هرمز را با ابهام روبرو کرده است. بر اساس آخرین گزارش‌ها، در پی تشدید درگیری‌ها تردد کشتی‌های خارجی از تنگه هرمز کاهش پیدا کرده است.

● مایک والتز سفیر آمریکا در سازمان ملل، اعلام کرد در صورت تهدید کشتیرانی در تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی، آمریکا به هدف قرار دادن زیرساخت‌های نظامی ایران ادامه خواهد داد.

در پی افزایش درگیری‌ها میان ارتش آمریکا و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در تنگه هرمز، روزنامه «والاستریت ژورنال» به نقل از منابع آگاه از تعویق مذاکرات خبر داده است. همزمان پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داد طرفین توافق کرده‌اند به درگیری‌ها پایان دهند و به میز مذاکره بازگردند.

روزنامه «والاستریت ژورنال» دوشنبه هشتم تیرماه به نقل از «منابع آگاه» نوشت، درگیری‌های اخیر میان آمریکا و جمهوری اسلامی موجب نگرانی مالکان کشتی‌ها شده و چشم‌انداز بازگشایی تنگه هرمز را با ابهام روبرو کرده است. بر اساس آخرین گزارش‌ها، در پی تشدید درگیری‌ها تردد

اختلاف در «مجلس خبرگان رهبری» بر سر معامله با آمریکا

- ۶۶ عضو مجلس خبرگان رهبری، در بیانیه‌ای خواستار گرفتن انتقام کشته شدن علی خامنه‌ای از دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو شدند. در این بیانیه تأکید شد آنها «مهدور الدم» هستند. یک روز بعد دبیرخانه این مجلس در اطلاعیه‌ای، این بیانیه را «نامرسم» خواند.

دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری با صدور اطلاعیه‌ای، به بیانیه اخیر ده‌ها عضو این نهاد واکنش نشان داد و آن را روندی «خارج از روال معمول مجلس خبرگان» دانست.

مجلس خبرگان رهبری ۸۸ عضو دارد که ۶۶ عضو آن ششم تیرماه ۱۴۰۵ در بیانیه‌ای، خواستار خروج پرونده هسته‌ای از دستور کار مذاکرات شدند و با بازگشایی تنگه هرمز مخالفت کردند، آنهم در شرایطی که بخشی از سپاه پاسداران قویاً در پی معامله با دولت دونالد ترامپ است و بخشی دیگر که بیشتر فرماندهان و نیروهای میدانی هستند با هرگونه سازش و توافق با آمریکا مخالف‌اند.

این نمایندگان با «مهدور الدم» خواندن دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، قتل آنان را بر «هر مکلفی که به آنان دسترسی یابد»، واجب دانستند. در واکنش به بیانیه ۶۶ نماینده مجلس خبرگان، «دبیرخانه مجلس خبرگان» با تشریح ساز و کار انتشار مواضع این نهاد اعلام کرد بر اساس آیین‌نامه داخلی، بیانیه‌های مجلس خبرگان یا از طریق صحن مجلس به اطلاع عموم می‌رسد یا در فاصله میان اجلاس‌ها، در موضوعات حساس سیاسی و اجتماعی، با امضای رییس مجلس، هیات‌ریسه یا دبیرخانه منتشر می‌شود.

این نهاد اعلام کرد که انتشار بیانیه از سوی نمایندگان با عنوان «جمعی از اعضای خبرگان»، در طول ادوار این مجلس مرسوم نبوده است. در ادامه اطلاعیه آمده است: «انتظار می‌رفت بانیان محترم تهیه و انتشار این بیانیه، وحدت خبرگان را حفظ کرده و همانگونه که به آنان پیشنهاد داده شد، اقدام می‌نمودند و بیانیه مذکور پس از بحث و تبادل نظر بیشتر به صورت مرسوم از سوی دبیرخانه یا هیات‌ریسه خبرگان انتشار می‌یافت تا ابهامی در جامعه ایجاد نشود.»

دبیرخانه مجلس خبرگان در ادامه اطلاعیه خود، از نحوه انتشار بیانیه ۶۶ نماینده انتقاد کرد و گفت درباره نمایندگان که نامشان در میان امضاکنندگان دیده نمی‌شود، «سوالاتی در اذهان ایجاد شده است.»

این نهاد افزود، نمایندگان که بیانیه را امضا نکرده‌اند، «با اصل محتوا مخالفتی ندارند، اما با به روش کار معترض بوده‌اند یا اساساً در جریان امر قرار نگرفته‌اند.» دبیرخانه مجلس خبرگان در عین حال تأکید کرد «نظر مطاع» و «خطوط ترسیم‌شده» مجتبی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، باید در مذاکرات بطور کامل رعایت شود و مسئولان «ذره‌ای نسبت به عهدشکنی دشمنان کوتاه نیایند.»

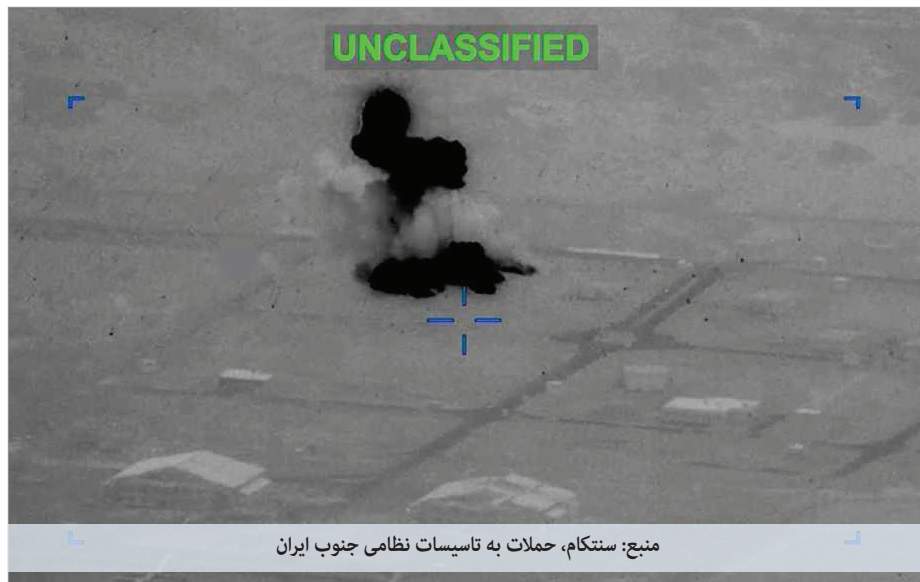
ناظران می‌گویند این روند کاملاً بیانگر اختلاف و شکاف درون نهادهای بالادستی حکومت بعد از جنگ ۴۰ روزه است که طی آن علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی کشته شد و از وضعیت جاننشین او یعنی مجتبی نیز اطلاعات دقیقی در دست نیست.

دومین حمله پیاپی آمریکا به تأسیسات نظامی در جنوب ایران در واکنش به حمله سپاه پاسداران به کشتی‌های خارجی

یکشنبه ششم و هفتم تیرماه ۱۴۰۵ زیرساخت‌های نظارتی نظامی جمهوری اسلامی در قشم، سیریک و بندرلنگه، شامل سامانه‌های ارتباطی، مواضع پدافند هوایی، تأسیسات نگهداری پهپاد و توانمندی‌های مین‌گذاری در جنوب ایران را هدف قرار داد.

در واکنش، حملاتی از سوی سپاه پاسداران به پایگاه‌های آمریکا در منطقه انجام گرفت و تعدادی موشک و پهپاد به سوی هشت زیرساخت ارتش آمریکا در پایگاه «علی‌السلام» کویت و ناوگان پنجم دریایی در «بندر سلمان» بحرین پرتاب شد. وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای حملات هوایی آمریکا را نقض آشکار بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل و بند اول یادداشت تفاهم اسلام‌آباد خواند و اعلام کرد: «آمریکا کمترین ارزش و اعتباری برای تعهدات خود قائل نیست و عهدشکنی بخشی از ماهیت آن است.»

در واکنش به ادامه حملات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری، دونالد ترامپ هشدار داد اگر



مجبور شویم، کاری را که با موفقیت آغاز کردیم به صورت نظامی کامل می‌کنیم.

بحرین با محکوم کردن حمله دوباره موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی به خاک این کشور، رژیم ایران را به نقض تعهدات خود در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و قطعنامه شورای امنیت متهم کرد و خواستار برگزاری نشست فوری شورای امنیت برای رسیدگی به این حملات شد.

پس از امضاء «تفاهم‌نامه» برای توقف موقت جنگ میان جمهوری اسلامی و آمریکا، بارها آتش‌بس نقض شد.

برخی منابع می‌گویند شدت حملات آمریکا علیه تأسیسات نظامی در جنوب ایران بیشتر شده است. یک مقام آمریکایی به فاکس‌نیوز گفت حمله‌های جدید آمریکا به اهدافی در ایران، از حمله‌های شب‌گذشته (پنجم تیرماه) گسترده‌تر بود.

سپاه پاسداران در بیانیه خود با طرح این موضوع که بر اساس تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، ترتیبات کنترل عبور و مرور در تنگه هرمز با جمهوری اسلامی است، تهدید کرد که از این پس با کشتی‌های به گفته آنان، متخلف، برخورد‌های شدیدتری خواهد شد.

این نهاد نظامی همچنین هشدار داد هرگونه حمله احتمالی آمریکا، حتی اگر مانند حملات اخیر به گفته سپاه، به «اهداف کم‌اهمیت» باشد، با «پاسخی خردکننده» روبرو خواهد شد.

● ارتش آمریکا به تلافی حملات جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز، شنبه شب و بامداد یکشنبه ششم و هفتم تیرماه ۱۴۰۵ زیرساخت‌های نظارتی نظامی جمهوری اسلامی در قشم، سیریک و بندرلنگه، شامل سامانه‌های ارتباطی، مواضع پدافند هوایی، تأسیسات نگهداری پهپاد و توانمندی‌های مین‌گذاری در جنوب ایران را هدف قرار داد.

● در واکنش، حملاتی از سوی سپاه پاسداران به پایگاه‌های آمریکا در منطقه انجام گرفت و تعدادی موشک و پهپاد به سوی هشت زیرساخت ارتش آمریکا در پایگاه «علی‌السلام» کویت و ناوگان پنجم دریایی در «بندر سلمان» بحرین پرتاب شد.

● در واکنش به ادامه حملات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری، دونالد ترامپ هشدار داد اگر مجبور شویم، کاری را که با موفقیت آغاز کردیم به صورت نظامی کامل می‌کنیم.

● سپاه پاسداران در بیانیه خود با طرح این موضوع که بر اساس تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، ترتیبات کنترل عبور و مرور در تنگه هرمز با جمهوری اسلامی است، تهدید کرد که از این پس با کشتی‌های به گفته آنان، متخلف، برخورد‌های شدیدتری خواهد شد.

ارتش آمریکا به تلافی حملات جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز، شنبه شب و بامداد

از اسپیتاک تا ایران؛

وقتی انسان‌ها با زادروزهای متفاوت، در مرگی مشترک به هم می‌رسند



وقتی زبان، فرد را از چهره انسانی‌اش تهی کرد، حذف فیزیکی او آسان‌تر می‌شود. هر کشتار جمعی، پیش از نخستین شلیک، با فروپاشی زبان آغاز می‌شود.

همین جاست که باید میان مرگ و قتل تفاوت گذاشت.

مرگ، پایان زیست است.

قتل، انکار حق زیست است.

مرگ می‌تواند طبیعی باشد.

قتل همواره اخلاقی و سیاسی است.

از اینجا می‌توان به تحلیلی عمیق‌تر از منظر ادموند هوسرل رسید.

هوسرل معتقد بود انسان جهان را نه صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از اشیا، بلکه در قالب «زیست‌جهان» تجربه می‌کند؛ جهانی که برای ما از طریق روابط، معناها، اعتمادها و افق‌های مشترک ساخته می‌شود. خانه فقط دیوار نیست؛

احساس امنیت است. خیابان فقط مسیر نیست؛ امکان حضور اجتماعی است. دیگری فقط بدن نیست؛ حامل آگاهی و معناست.

فاجعه جمعی، چه طبیعی و چه سیاسی، پیش از آنکه بدن‌ها را نابود کند، این زیست‌جهان را می‌شکند.

در زلزله، جهان آشنا ناگهان بیگانه می‌شود.

خانه‌ای که پناه بود، به آوار بدل می‌شود.

اما در کشتار سیاسی، شکاف عمیق‌تر است.

زیرا آنچه فرو می‌ریزد تنها ساختمان یا بدن نیست؛ اعتماد بنیادین انسان به جهان اجتماعی فرو می‌ریزد. فرد ناگهان درمی‌یابد همان ساختارهایی که باید حافظ امنیت باشند، می‌توانند منبع تهدید شوند.

از منظر پدیدارشناسی، این لحظه صرفاً ترس نیست؛ فروپاشی افق معناست.

هوسرل این وضعیت را نوعی بحران بینادهنیت می‌داند؛ بحرانی که در آن پیوند بنیادین «من» با «دیگری» آسیب می‌بیند. انسان دیگر نمی‌تواند جهان را با همان بداهت پیشین تجربه کند. هر نگاه مشکوک می‌شود، هر صدا اضطراب می‌آورد، هر حضور می‌تواند حامل

بیست‌وپنج هزار خانه که خاموش شد. بیست‌وپنج هزار زندگی که هر کدام جهانی کامل بودند: کودکی که هنوز خواندن نیاموخته بود، مادری که شام آن شب را آماده می‌کرد، پیرمردی که گمان می‌کرد فردا نیز از خواب برخواید خاست.

زمین لرزه سال ۱۹۸۸ ارمنستان چنین فاجعه‌ای بود.

زمین لرزید، ساختمان‌ها فرو ریختند، و در چند ثانیه شهری به قبرستان بدل شد. در برابر طبیعت، انسان گاه آن‌چنان کوچک می‌شود که تمدن و غرورش فرو می‌ریزد.

زمین نه خشم دارد، نه انتقام، نه ایدئولوژی. گسل، دشمنی شخصی با هیچ‌کس ندارد. و شاید همین بی‌طرفی طبیعت است که مرگ ناشی از آن را، با همه دردناکی‌اش، برای ذهن انسان قابل‌فهم‌تر می‌کند.

اما تاریخ، نوع دیگری از مرگ را نیز می‌شناسد؛

مرگی که از دل طبیعت نمی‌آید، از دل انسان برمی‌خیزد. اینجاست که تراژدی شکل عمیق‌تری پیدا می‌کند.

وقتی انسانی بر اثر زلزله می‌میرد، ما با ناتوانی بشر در برابر طبیعت روبرو هستیم. اما وقتی انسانی با گلوله کشته می‌شود، با حقیقتی بسیار تلخ‌تر مواجهیم: انسان، برای انسان، به فاجعه تبدیل شده است.

۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۵، از این منظر فقط دوازده روز در تقویم نیستند؛ این دو روز، آینه‌ای بودند که یکی از تاریک‌ترین ظرفیت‌های بشر را نشان دادند: توانایی او در عادی‌سازی مرگ دیگری.

این شاید هولناک‌ترین مرحله سقوط اخلاقی یک جامعه باشد؛

نه صرفاً لحظه‌ای که خون ریخته می‌شود، بلکه لحظه‌ای که ریخته شدن خون برای بخشی از ساختار قدرت، به امری قابل توجیه تبدیل می‌شود.

قتل جمعی، پیش از آنکه در خیابان رخ دهد، در زبان رخ می‌دهد.

نخست، انسان از انسانیت تهی می‌شود.

به «تهدید»، «مسئله امنیتی» یا صرفاً «عدد» تبدیل می‌شود.

● در جهان، مرگ همیشه واقعه‌ای فردی نیست. گاه مرگ، جمعی رخ می‌دهد؛ چنان گسترده و سهمگین که فردیت انسان‌ها در دل فاجعه محو می‌شود. نام‌ها کمرنگ می‌شوند، چهره‌ها در حافظه‌ها درهم می‌روند، و آنچه باقی می‌ماند عددی است که هرچه بزرگ‌تر باشد، گاه فهم ما از عمق تراژدی دشوارتر می‌شود.

● وقتی انسانی بر اثر زلزله می‌میرد، ما با ناتوانی بشر در برابر طبیعت روبرو هستیم. اما وقتی انسانی با گلوله کشته می‌شود، با حقیقتی بسیار تلخ‌تر مواجهیم: انسان، برای انسان، به فاجعه تبدیل شده است.

● ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۵، از این منظر فقط دو روز در تقویم نیستند؛ این دو روز، آینه‌ای بودند که یکی از تاریک‌ترین ظرفیت‌های بشر را نشان دادند: توانایی او در عادی‌سازی مرگ دیگری.

● جامعه‌ای که در آن خون ریخته می‌شود، فقط خانواده‌های قربانی را داغدار نمی‌کند؛ رابطه انسان‌ها با واقعیت مشترک را زخمی می‌کند. مردم دیگر تنها از مرگ نمی‌ترسند؛ از بی‌پناهی می‌ترسند. بی‌پناهی، از خود مرگ دردناک‌تر است.

● آنجا که هزاران انسان، با زادروزهای متفاوت، در یک روز به خاک می‌افتند، پرسش اصلی دیگر این نیست که چگونه مردند. پرسش اصلی این است: آیا ما اجازه خواهیم داد که آنان فقط به عدد تبدیل شوند؟

سیروس کنگرلو - در جهان، مرگ همیشه واقعه‌ای فردی نیست.

گاه مرگ، جمعی رخ می‌دهد؛ چنان گسترده و سهمگین که فردیت انسان‌ها در دل فاجعه محو می‌شود. نام‌ها کمرنگ می‌شوند، چهره‌ها در حافظه‌ها درهم می‌روند، و آنچه باقی می‌ماند عددی است که هرچه بزرگ‌تر باشد، گاه فهم ما از عمق تراژدی دشوارتر می‌شود.

بیست‌وپنج هزار نفر.

این عدد تنها یک آمار نیست.

این یعنی بیست‌وپنج هزار قلب که از تپش ایستاد.

هر صدا اضطراب می‌آورد، هر حضور می‌تواند حامل

سری‌ترین پروژه جمهوری اسلامی

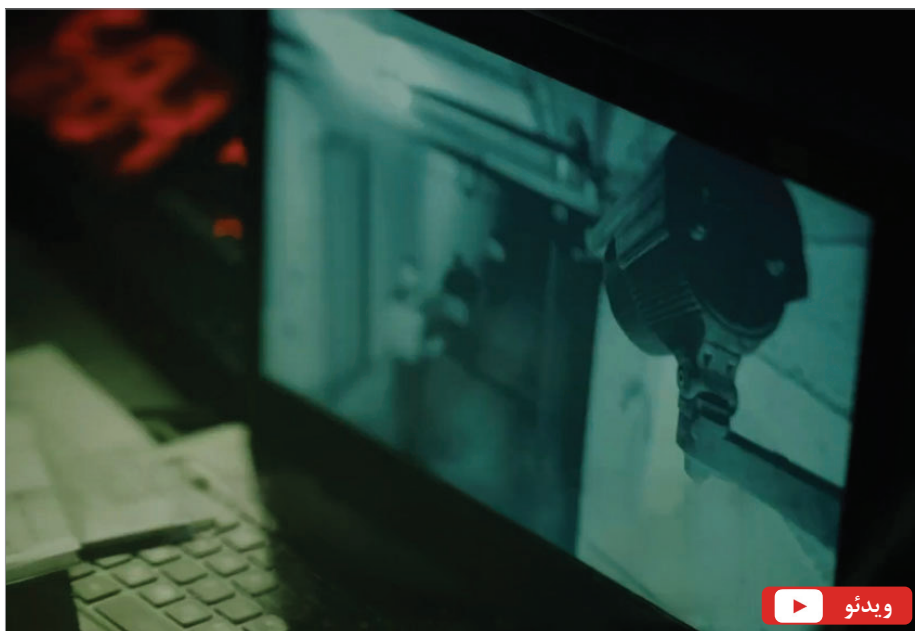


ویدیو

فرید خلیفی - شاهنشاهی پهلوی با نگاهی آینده‌نگر با سرعت در حال توسعه زیرساخت‌های کشور با هدف فراهم نمودن رفاه بیشتر برای مردم و رساندن ایران به سطح کشورهای پیشرفته غرب بود. برنامه صلح‌جویانه اتمی ایران نیز پروژه‌ای در همین راستا بود که توسط محمدرضا شاه پهلوی بیش از یک دهه پیش از جمهوری اسلامی آغاز شد.

فرید خلیفی - شاهنشاهی پهلوی با نگاهی آینده‌نگر با سرعت در حال توسعه زیرساخت‌های کشور با هدف فراهم نمودن رفاه بیشتر برای مردم و رساندن ایران به سطح کشورهای پیشرفته غرب بود. برنامه صلح‌جویانه اتمی ایران نیز پروژه‌ای در همین راستا بود که توسط محمدرضا شاه پهلوی بیش از یک دهه پیش از جمهوری اسلامی آغاز شد.

بزرگترین سرقت اطلاعاتی قرن



ویدیو

فرید خلیفی - شامگاه ۳۱ ژانویه ۲۰۱۸، گروهی از مأموران اطلاعاتی اسرائیل وارد یک انبار صنعتی در منطقه شورآباد در جنوب تهران شدند؛ محلی که به گفته اسرائیل، جمهوری اسلامی از سال ۲۰۱۶ بخشی از آرشیو محرمانه برنامه هسته‌ای خود را در آن نگهداری می‌کرد. این عملیات چند ماه بعد بطور رسمی توسط دولت اسرائیل علنی شد. آرشیو اتمی شامل حدود ۵۵ هزار صفحه سند کاغذی و نزدیک به ۵۵ هزار فایل دیجیتال بود که روی صدها لوح فشرده ذخیره شده بودند.

فرید خلیفی - شامگاه ۳۱ ژانویه ۲۰۱۸، گروهی از مأموران اطلاعاتی اسرائیل وارد یک انبار صنعتی در منطقه شورآباد در جنوب تهران شدند؛ محلی که به گفته اسرائیل، جمهوری اسلامی از سال ۲۰۱۶ بخشی از آرشیو محرمانه برنامه هسته‌ای خود را در آن نگهداری می‌کرد. این عملیات چند ماه بعد بطور رسمی توسط دولت اسرائیل علنی شد. آرشیو اتمی شامل حدود ۵۵ هزار صفحه سند کاغذی و نزدیک به ۵۵ هزار فایل دیجیتال بود که روی صدها لوح فشرده ذخیره شده بودند.

تهدید باشد.

به همین دلیل، کشتار جمعی چیزی فراتر از گرفتن جان انسان‌هاست.

کشتار، جهان مشترک را می‌کشد.

جامعه‌ای که در آن خون ریخته می‌شود، فقط خانواده‌های قربانی را داغدار نمی‌کند؛ رابطه انسان‌ها با واقعیت مشترک را زخمی می‌کند. مردم دیگر تنها از مرگ نمی‌ترسند؛ از بی‌پناهی می‌ترسند.

بی‌پناهی، از خود مرگ دردناک‌تر است.

انسان در لحظه مرگ شاید یک بار بپزد،

اما در وضعیت بی‌پناهی، بارها در درون خود فرو می‌ریزد.

جهان نیز در این میان نقش مهمی دارد.

سکوت جهان همیشه سکوت واقعی نیست؛

گاه سکوت، صورت رسمی منفعت است.

وقتی قدرت‌های جهانی میان اخلاق و منفعت قرار

می‌گیرند، تاریخ بارها نشان داده اخلاق نخستین قربانی

است. فجایع انسانی اغلب نه به دلیل نبود آگاهی، بلکه به

دلیل وفور محاسبه بی‌پاسخ می‌مانند.

این نیز شکلی از خشونت است.

نخست گلوله شلیک می‌شود.

سپس سکوت فرا می‌رسد.

گلوله بدن را می‌شکافد،

سکوت حافظه را هدف می‌گیرد.

اما حافظه همیشه تسلیم نمی‌شود.

آنجا که هزاران انسان، با زادروزهای متفاوت، در یک روز به

خاک می‌افتند، پرسش اصلی دیگر این نیست که چگونه مردند.

پرسش اصلی این است:

آیا ما اجازه خواهیم داد که آنان فقط به عدد تبدیل شوند؟

از اسپیتاک تا ایران، تفاوت در علت مرگ است، نه در

رنج بازماندگان.

مادری که فرزندش را زیر آوار از دست داد،

و مادری که فرزندش را با گلوله از دست داد،

هر دو در نقطه‌ای مشترک به هم می‌رسند: خلائی که

دیگر پر نمی‌شود.

اندوه جمعی، شاید در نهایت همین باشد؛

حضور همیشگی غیاب.

شاید بتوان گفت تراژدی واقعی نه در لحظه مرگ، بلکه

در زندگی پس از آن آغاز می‌شود—برای آنان که مانده‌اند؛

برای آنان که هر صبح با جای خالی کسی بیدار می‌شوند.

و شاید معنای عمیق مرگ مشترک همین باشد:

این‌که انسان‌ها گرچه جداگانه زاده می‌شوند،

اما گاه تاریخ آنان را در پایانی واحد به هم گره می‌زند.

در آن لحظه، مرگ دیگر صرفاً پایان زندگی نیست؛

به آزمونی برای وجدان بازماندگان تبدیل می‌شود.

آزمونی که تنها یک پرسش دارد:

آیا هنوز انسان مانده‌ایم؟

ای هم‌خاک، دستت را به من بده

بگذار این سوگواری تنها نماند.

زیرا مردگان این دو روز

فقط کشته‌شدگان نبودند؛

آنان عاشق‌ترین زندگان بودند

که با افتادن‌شان زمین را واداشتند

نام انسان را از نو به یاد آورد،

زیرا مرگ مشترک اگرچه گور مشترک می‌سازد،

اما گاه از دل خاک ملتی واحد برمی‌خیزاند.

اگر تاریخ راه دیگری را انتخاب می‌کرد؛ نگاهی به مجموعه‌های تلویزیونی «برای تمام بشریت» و «شهر ستاره»



FOR ALL MANKIND

سفید و جامعه آمریکا روایت می‌شود، دومی مخاطب را به پشت پرده کرملین و برنامه فضایی شوروی می‌برد.

قدرت «برای تمام بشریت» در همین تغییر کوچک نهفته است. نویسندگان جهان را زیر و رو نمی‌کنند؛ فقط یک مهره را روی صفحه تاریخ جابجا می‌کنند و سپس اجازه می‌دهند این تاریخ تازه، مسیر خود را طی کند. نکته جالب اینجاست که مجموعه حتی آینده ما را هم روایت نمی‌کند. داستان هنوز به زمان حال ما نرسیده و آنچه می‌بینیم، گذشته‌ای است که هرگز وجود نداشته، اما دهه‌به‌دهه پیش آمده و اکنون گذشته، حال و آینده مخصوص به خود را ساخته است. به همین دلیل، مخاطب احساس نمی‌کند با پیش‌بینی آینده روبروست، بلکه گویی تاریخ جهانی دیگر را ورق می‌زند.

اینجا پرسش مهم‌تری مطرح می‌شود: آیا پیشرفت علمی نتیجه طبیعی گذر زمان است، یا محصول رقابت، انگیزه و اراده سیاسی؟ ما عادت کرده‌ایم فناوری را با تقویم بسنجیم؛ انگار کافی است چند دهه بگذرد تا جهان خودبخود پیشرفته‌تر شود. اما تاریخ چنین ساده نیست. بسیاری از جهش‌های بزرگ بشر در دوره‌هایی رخ داده‌اند که رقابت سیاسی، نظامی یا اقتصادی به اوج رسیده است.

در جهانی که این مجموعه ترسیم می‌کند، دانشمندان باهوش‌تر نشده‌اند و قوانین فیزیک هم تغییر نکرده است. آنچه تغییر کرده، فشار تاریخ است. رقابت فضایی به پایان نمی‌رسد و همین تداوم، مسیر فناوری را جلو می‌اندازد. پایگاه‌های دائمی بر ماه ساخته می‌شوند، مأموریت‌های مریخ زودتر آغاز می‌شوند و فناوری‌هایی که برای ما هنوز در مرز آینده‌اند، در آن جهان به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند.

اما مجموعه در دام ستایش ساده‌لوحانه رقابت

دیوید اعتباری - تاریخ را معمولاً با لحنی قطعی روایت می‌کنیم؛ گویی آنچه رخ داده، از همان آغاز مقدر بوده و جهان نمی‌توانسته مسیر دیگری را طی کند. اما هر تاریخی، در سکوت خود، پرسشی دیگر را هم حمل می‌کند: اگر یکی از لحظه‌های تعیین‌کننده تاریخ به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد، امروز در چه جهانی زندگی می‌کردیم؟

این پرسش صرفاً بازی با خیال نیست. گاهی برای فهمیدن اینکه چه نیرویی مسیر تاریخ را ساخته، باید تصور کرد اگر یکی از آن نیروها تغییر می‌کرد، چه چیزهایی فرو می‌ریخت و چه چیزهایی از نو ساخته می‌شد. از همین جاست که «برای تمام بشریت» (For All Mankind) اهمیت پیدا می‌کند؛ مجموعه‌ای که از سال ۲۰۱۹ در پلتفرم Apple TV+ منتشر شد و ایده‌های ساده اما پر قدرت را به مرکز روایت خود آورد: اگر در سال ۱۹۶۹ نخستین انسانی که بر ماه قدم گذاشت، نه یک آمریکایی، بلکه یک فضاورد شوروی بود، چه می‌شد؟

خالق اصلی این مجموعه رونالد دی. مور است؛ نویسنده و تهیه‌کننده‌ای که دوستان علمی-تخیلی او را با «نردناو گالاکتیکا» (Battlestar Galáctica) و نسخه‌های مختلف «پیشازان فضا» (Star Trek) می‌شناسند. مور، به همراه مت وولپرت و بن ندیوی، جهانی ساخته که در ظاهر درباره‌ی رقابت فضایی است، اما در عمق، درباره‌ی تاریخ، سیاست، فناوری و سرنوشت تمدن انسانی حرف می‌زند. موفقیت این مجموعه زمینه‌ساز ساخت «شهر ستاره» (Star City) شد؛ روایتی موازی از همان جهان، اما این بار از زاویه اتحاد جماهیر شوروی. اگر اولی بیشتر از دریچه ناسا، کاخ

گاهی برای فهمیدن اینکه چه نیرویی مسیر تاریخ را ساخته، باید تصور کرد اگر یکی از آن نیروها تغییر می‌کرد، چه چیزهایی فرو می‌ریخت و چه چیزهایی از نو ساخته می‌شد. از همین جاست که «برای تمام بشریت» (For All Mankind) اهمیت پیدا می‌کند؛ مجموعه‌ای که از سال ۲۰۱۹ در پلتفرم Apple TV+ منتشر شد و ایده‌های ساده اما پر قدرت را به مرکز روایت خود آورد.

آیا پیشرفت علمی نتیجه طبیعی گذر زمان است، یا محصول رقابت، انگیزه و اراده سیاسی؟ ما عادت کرده‌ایم فناوری را با تقویم بسنجیم؛ انگار کافی است چند دهه بگذرد تا جهان خودبخود پیشرفته‌تر شود. اما تاریخ چنین ساده نیست. بسیاری از جهش‌های بزرگ بشر در دوره‌هایی رخ داده‌اند که رقابت سیاسی، نظامی یا اقتصادی به اوج رسیده است.

شاید ارزش اصلی «برای تمام بشریت» و «شهر ستاره» همین باشد. آنها نه آینده را پیش‌بینی می‌کنند و نه گذشته را صرفاً بازنویسی. آنها ما را وادار می‌کنند تاریخ را نه به‌عنوان سرنوشتی قطعی، بلکه به‌عنوان یکی از مسیرهای ممکن ببینیم؛ مسیری که می‌توانست با تغییری کوچک، به جهانی کاملاً متفاوت برسد.

در تابستان ۱۹۶۹، نخستین ردپا بر ماه متعلق به آمریکا بود و تاریخ همان راهی را رفت که امروز می‌شناسیم. اما کافی است فقط برای لحظه‌ای تصور کنیم آن ردپا متعلق به فضاوردی شوروی بود. شاید هرگز ندانیم جهان واقعاً چه شکلی پیدا می‌کرد. اما همین پرسش کافی است تا بفهمیم تاریخ، بیش از آنکه مجموعه‌ای از سرنوشت‌های از پیش نوشته‌شده باشد، میدان امکان‌هایی است که تنها یکی از آنها به واقعیت تبدیل شده است.

خطاب به طرفداران جمهوری اسلامی...



وفادارترین حامیان خودشان هم احترام نگذاشتند. شما را صرفاً ابزاری برای اجرای یک سناریوی سیاسی دیدند؛ هر روز یک روایت، هر روز یک داستان، بدون اینکه احساس کنند موظفاند حقیقت را با شما در میان بگذارند.

اگر حکومتی می‌تواند سه ماه تمام نزدیک‌ترین حامیان خودش را از این‌گونه سرگردان و بازیچه کند، مطمئن باشید اگر روزی از جانب همین حامیان هم کوچکترین احساس خطر کند، هیچ تعهدی به شما نخواهد داشت.

حکومتی که در دی‌ماه با مخالفتش آن‌گونه برخورد کرد و دست به چنان جنایت گسترده‌ای زد که در تاریخ بی‌سابقه است و فقط در دو روز هزاران انسان را کشت اگر روزی شما را هم مانعی بر سر راه بقای خود بدانند، میان خودی و غیرخودی تفاوتی نخواهد گذاشت. برای چنین ساختاری، تنها یک اصل وجود دارد: حفظ قدرت؛ نه وفاداری، نه رفاقت و نه قدرانی از کسانی که سال‌ها برایش هزینه داده‌اند.

شاید وقت آن رسیده باشد به جای جدال با منتقدان، از کسانی سؤال کنید که سه ماه است شما را بازیچه روایت‌های خود کرده‌اند.

قدرتی که به هواداران خودش دروغ بگوید، روزی از قربانی‌کردن همان هواداران هم ایایی نخواهد داشت.

انجام می‌دهند. شاید مهمترین یادآوری این دو مجموعه همین باشد که هر نسل، تنها وارث تاریخ نیست؛ یکی از سازندگان آن نیز هست و آینده‌ای که آیندگان در آن زندگی خواهند کرد، از دل انتخاب‌های امروز ما ساخته می‌شود.

مهدی نوذر - سه ماه تمام شما را بازی دادند. سه ماه تمام هر تصمیم، هر بیانیه و هر اقدام را به نام مجتبی‌خامنه‌ای به خوردتان دادند. سپاه، قالیباف و رسانه‌های حکومتی، همگی یک سناریو را پیش بردند؛ اینکه رهبر جدید مشخص است و همه چیز زیر نظر او اداره می‌شود.

شما هم باور کردید. از او دفاع کردید، تحلیل نوشتید، استدلال آوردید و با همان روایت با مخالفان بحث کردید. حالا فیلمی منتشر شده که خالد مشعل از مرگ علی‌خامنه‌ای و مجتبی‌خامنه‌ای سخن می‌گوید و برای هر دوی آنها پیام تسلیت می‌دهد.

حالا یک سؤال ساده: اگر این روایت درست باشد، آن سه ماه نمایش برای چه بود؟ اگر هم درست نباشد، چرا حکومت تا امروز حاضر نشده با شفافیت به این همه ابهام پاسخ بدهد؟

تفاوت ما با شما این است که تکلیف ما از روز اول روشن بود. ما گفتمیم مجتبی‌خامنه‌ای در معادلات قدرت نقشی ندارد؛ اما شما سه ماه تمام هر روایتی را که از بالا دیکته شد، بدون حتی یک سؤال پذیرفتید.

تلخ‌ترین بخش ماجرا این نیست که حقیقت را از مخالفان پنهان کردند؛ تلخ‌ترین بخش این است که حتی به شما، به

بفهمیم تاریخ، بیش از آنکه مجموعه‌ای از سرنوشت‌های از پیش نوشته‌شده باشد، میدان امکان‌هایی است که تنها یکی از آنها به واقعیت تبدیل شده است. اگر چنین باشد، آینده نیز چیزی از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه از دل انتخاب‌هایی شکل می‌گیرد که انسان‌ها در هر نسل

می‌افتد. همان نیرویی که پیشرفت را شتاب می‌دهد، بحران هم می‌آفریند. جنگ سرد طولانی‌تر می‌شود، مسابقه تسلیحاتی شدت می‌گیرد، دستگاه‌های امنیتی فعالیت می‌شوند و انسان‌هایی که در خط مقدم این مسابقه ایستاده‌اند، بهای روانی و اخلاقی آن را می‌پردازند. پیشرفت در این جهان زیباست، اما پاک و بی‌هزینه نیست.

اینجاست که «شهر ستاره» اهمیت پیدا می‌کند. ارزش آن فقط در این نیست که سوی شوروی ماجرا را روایت می‌کند؛ اهمیتش در این است که نشان می‌دهد علم هرگز در خلأ رشد نمی‌کند. موفقیت‌های فضایی، همانقدر که حاصل نبوغ دانشمندان، محصول ساختار قدرت، فرهنگ سازمانی، محرمانگی، ترس، جاه‌طلبی و اولویت‌های ایدئولوژیک نیز هستند. علم همیشه در جامعه‌ای خاص و زیر سایه‌ی سیاستی خاص شکل می‌گیرد.

با این حال، هرچه داستان جلوتر می‌رود، رقابت آمریکا و شوروی از مرکز روایت کنار می‌رود. مسئله دیگر این نیست که کدام قدرت زودتر به ماه می‌ریخت. پرسش بزرگ‌تر این است که وقتی انسان در جهانی دیگر ساکن می‌شود، چه نوع جامعه‌ای می‌سازد.

مریخ ابتدا پایگاه است؛ یک پروژه علمی و راهبردی. اما پایگاه، بتدریج به خانه تبدیل می‌شود. انسان‌ها در آنجا زندگی می‌کنند، خانواده تشکیل می‌دهند، روابط انسانی شکل می‌گیرد، نسل تازه‌ای پدید می‌آید و فاصله میان زمین و مریخ دیگر فقط فاصله‌ی فیزیکی نیست. این فاصله، آرام‌آرام به فاصله‌ی سیاسی، فرهنگی و هویتی تبدیل می‌شود.

برای دولت‌های زمینی، مریخ همچنان دارایی‌ای راهبردی است؛ منبعی برای قدرت، فناوری و منابع طبیعی. اما برای کسانی که روی مریخ زندگی می‌کنند، ماجرا شکل دیگری دارد. آنها جامعه‌ای ساخته‌اند که نیازها، ترس‌ها، امیدها و اولویت‌هایش دیگر با زمین یکی نیست. در این نقطه، پرسشی قدیمی در لباسی تازه بازمی‌گردد: آیا جامعه‌ای دور از مرکز قدرت، تا ابد باید تابع تصمیم‌هایی باشد که در پایتخت‌های دوردست گرفته می‌شود؟

تاریخ زمین بارها چنین لحظه‌ای را تجربه کرده است. بسیاری از جوامعی که روزگاری مستعمره بودند، پس از چند نسل دیگر خود را ادامه طبیعی حکومت مادر نمی‌دانستند. فاصله جغرافیایی، نخست به تفاوت در منافع انجامید، سپس به تفاوت در هویت. مریخ «برای تمام بشریت» نیز در همین مسیر حرکت می‌کند؛ از پایگاه به جامعه، و از جامعه به امکانی برای تمدنی تازه.

اینجاست که این دو مجموعه از قالب علمی‌تخیلی صرف فراتر می‌روند. فناوری در آنها هدف نیست؛ ابزاری است برای کاوش در ماهیت انسان. اگر محیط تغییر کند، آیا انسان همان انسان سابق می‌ماند؟ اگر کودکی نه زیر آسمان زمین، بلکه زیر گنبد‌های زیستی مریخ بزرگ شود، مفهوم خانه، وطن، دولت و آینده برای او همان معنایی را خواهد داشت که برای زمین‌ها دارد.

شاید ارزش اصلی «برای تمام بشریت» و «شهر ستاره» همین باشد. آنها نه آینده را پیش‌بینی می‌کنند و نه گذشته را صرفاً بازنویسی. آنها ما را وادار می‌کنند تاریخ را نه به‌عنوان سرنوشتی قطعی، بلکه به‌عنوان یکی از مسیرهای ممکن ببینیم؛ مسیری که می‌توانست با تغییری کوچک، به جهانی کاملاً متفاوت برسد.

در تابستان ۱۹۶۹، نخستین ردپا بر ماه متعلق به آمریکا بود و تاریخ همان راهی را رفت که امروز می‌شناسیم. اما کافی است فقط برای لحظه‌ای تصور کنیم آن ردپا متعلق به فضانوردی شوروی بود. شاید هرگز ندانیم جهان واقعاً چه شکلی پیدا می‌کرد. اما همین پرسش کافی است تا

قیمت ارز و طلا در بازار ایران دوباره افزایش یافت



● قیمت‌ها در بازار ارز و طلای ایران از روز گذشته روندی افزایشی را تجربه کرده است و قیمت هر دلار آمریکا در ظهر روز یکشنبه هفتم تیرماه ۱۴۰۵ به ۱۷۰ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یافته است.

● در نهمروز یکشنبه هفتم تیرماه هر دلار ۱۹۴ هزار و ۱۵۰ تومان، هر پوند ۲۲۴ هزار و ۹۵۰ تومان، هر لیر ترکیه ۳۶۶۰ تومان و هر درهم امارات ۴۶ هزار و ۵۰۰ تومان معامله می‌شود.

● قیمت هر سکه طلا نیز به ۱۷۰ میلیون تومان افزایش یافته و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است.

● کارشناسان تأکید دارند بازار ارز ایران بیش از بسیاری از بازارهای مالی، تحت تأثیر متغیرهای سیاسی قرار دارد و نااطمینانی سیاسی و تردید درباره دوام تفاهم ایران و آمریکا علت افزایش دوباره قیمت‌ها در بازارهای ارز و طلا است.

قیمت‌ها در بازار ارز و طلای ایران از روز گذشته روندی افزایشی را تجربه کرده است و قیمت هر دلار آمریکا ←

جمهوری اسلامی هرگونه مذاکره با آمریکا در دوحه را تکذیب کرد؛ سی‌ان‌ان: ویتکاف راهی قطر شد



استیو ویتکاف / رویترز

توقف حملات متقابل و از سر گرفتن مذاکرات درباره تنگه هرمز به توافق رسیدند و دو طرف قصد دارند روز سه‌شنبه (نهم تیرماه) در دوحه دیدار کنند. همزمان رویترز نیز با تأکید بر اینکه «ایالات متحده و ایران حملات را بطور موقت متوقف خواهند کرد»، از تلاش برای بازگشت آرامش به تنگه هرمز و شکل دادن به شرایطی خبر داد که با صدور مجوز عبور به کشتی‌ها، زمینه «تردد آزادانه» در تنگه‌هرمز فراهم شود.

رویترز همچنین مدعی شده که «قرار است مذاکرات فنی درباره تمامی بندهای یادداشت تفاهم از سر گرفته شود». آنهم در حالی که صدا و سیماهای جمهوری اسلامی در گزارشی درباره آخرین وضعیت تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز با اشاره به آخرین مواضع نیروهای مسلح جمهوری اسلامی اعلام کرد: «نیروی دریایی سپاه به شناورها هشدار داده است که تنها مسیر عبور از تنگه هرمز، جنوب جزیره لارک است و هر مسیری غیراز این، هم کاملاً خطرناک است، هم برای ما غیرقابل‌پذیرش».

این هشدار سپاه پاسداران به معنای ناامن کردن مسیری است که عمان برای تردد کشتی‌ها گشوده است.

از سوی دیگر سفارت جمهوری اسلامی در قطر اعلام کرده است که هیچ اطلاعات رسمی درباره برگزاری مذاکرات با هیأت امریکایی در دوحه دریافت نکرده است. منابع دیپلماتیک همچنین گفته‌اند که هیچ‌گونه تدارکات رسمی نیز برای چنین مذاکراتی در قطر آغاز نشده است.

اکنون مشخص نیست، ترامپ به عنوان جنگ روانی موضوع مذاکره در دوحه را مطرح کرده یا واقعاً قرار بود همزمان با برگزاری مراسم تشییع جنازه خامنه‌ای گروهی از نمایندگان جمهوری اسلامی با امریکایی‌ها مذاکره کنند زیرا شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان به نقل از دو مقام امریکایی گزارش داد که استیو ویتکاف، فرستاده ویژه کاخ سفید، برای مذاکره با جمهوری اسلامی راهی دوحه شده است.

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» ادعا کرد: «جمهوری اسلامی خواستار برگزاری نشست در دوحه شده است». اما مقامات جمهوری اسلامی برگزاری هرگونه مذاکره مستقیم یا فنی با آمریکا در روزهای آینده را تکذیب کردند.

● اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی درباره سفر نمایندگان ارشد آمریکا به دوحه همزمان با سفر هیأت کارشناسی ایرانی به قطر گفت: «در روزهای آینده هیچ نشست مذاکراتی با طرف امریکایی برگزار نخواهد شد».

● وبسایت «آکسیوس» به نقل از یک مقام ارشد امریکایی مدعی شد که جمهوری اسلامی و ایالات متحده بر سر توقف حملات متقابل و از سر گرفتن مذاکرات درباره تنگه هرمز به توافق رسیدند و دو طرف قصد دارند روز سه‌شنبه (نهم تیرماه) در دوحه دیدار کنند.

● سفارت جمهوری اسلامی در قطر اعلام کرده است که هیچ اطلاعات رسمی درباره برگزاری مذاکرات با هیأت امریکایی در دوحه دریافت نکرده است.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» ادعا کرد: «جمهوری اسلامی خواستار برگزاری نشست در دوحه شده است». اما مقامات جمهوری اسلامی برگزاری هرگونه مذاکره مستقیم یا فنی با آمریکا در روزهای آینده را تکذیب کردند.

اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی درباره سفر نمایندگان ارشد آمریکا به دوحه همزمان با سفر هیأت کارشناسی ایرانی به قطر گفت: «در روزهای آینده هیچ نشست مذاکراتی با طرف امریکایی برگزار نخواهد شد».

وبسایت «آکسیوس» به نقل از یک مقام ارشد امریکایی مدعی شد که جمهوری اسلامی و ایالات متحده بر سر

بازداشت بیش از ۴۷ مقام ارشد عراق به اتهام فساد اقتصادی و دزدی



طی بازرسی‌ها به عمل آمده از منزل و مخفیگاه‌های مقامات فاسد عراقی، حجم قابل توجهی بسته‌های اسکناس شامل دینار و دلار کشف شده است. ویدیوهایی که نهادهای امنیتی عراق در ارتباط با بازداشت مفسدان دانه درشت منتشر کرده‌اند، نشان می‌دهد که میلیون‌ها دلار سرمایه این کشور توسط مقامات سیاسی ارشد و شبکه‌های وابسته به آنها غارت شده است.

یکی از مقاماتی که توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده، عالیه نصیف نماینده مجلس و از حامیان سرسخت حشدالشعبی وابسته به جمهوری اسلامی، است. او بارها علیه فساد سخترانی کرده بود اما گفته می‌شود خودش غرق در دزدی و غارت اموال عمومی است.

منابع غیررسمی گزارش دادند که نوری المالکی نخست وزیر سابق عراق که به جمهوری اسلامی بسیار نزدیک است، در قهرست متهمان فساد قرار دارد.

منابع خبری در اقلیم کردستان عراق نیز گزارش داده‌اند، نیروهای امنیتی عراق با هماهنگی نیروهای امنیتی در اربیل، محمد الکربولی و زیاد الجنابی دو نماینده پارلمان عراق را بازداشت کردند. این دو چهره سیاسی که به اتهام فساد تحت تعقیب بودند، بلافاصله پس از دستگیری با هلی‌کوپتر به بغداد منتقل شدند.

مقتدی صدر رهبر جریان صدر درباره تلاش‌های دولت عراق برای دستگیری و محاکمه افرادی که در فساد دست دارند، بیانیه‌ای رسمی منتشر و از آن حمایت کرده است.

صدر در بیانیه خود گفت: «این عملیات دستگیری که از سوی علی زیدی، نخست‌وزیر عراق، علیه مفسدان آغاز شده، گامی قهرمانانه است. پس از این عملیات ضد مفسدان، امیدهای تازه‌ای در دل ما و مردم عراق زنده شد.» رهبر جریان صدر در ادامه به نقش دستگاه قضایی عراق اشاره کرد و گفت: «ما از نقش دستگاه قضایی عراق و نیروهای امنیتی قهرمان، به ویژه نیروهای ضد تروریسم، تشکر می‌کنیم و امیدواریم این تلاش‌ها به هر نحو ممکن ادامه یابد.»

● با آغاز مقابله دولت و دستگاه قضایی عراق علیه فساد، بیش از ۴۷ مقام ارشد سیاسی شامل چند معاون وزیر، نماینده پارلمان، سیاستمدار و بازرگان عراقی و عوامل آنها توسط نیروهای امنیتی این کشور بازداشت و تحویل مراجع قضایی شدند.

● یکی از مقاماتی که توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده، عالیه نصیف، نماینده مجلس و از حامیان سرسخت حشدالشعبی وابسته به جمهوری اسلامی، است. او بارها علیه فساد سخترانی کرده بود اما گفته می‌شود خودش غرق در دزدی و غارت اموال عمومی است.

● مقتدی صدر رهبر جریان صدر درباره تلاش‌های دولت عراق برای دستگیری و محاکمه افرادی که در فساد دست دارند، بیانیه‌ای رسمی منتشر و از آن حمایت کرد.

با آغاز مقابله دولت و دستگاه قضایی عراق علیه فساد، بیش از ۴۷ مقام ارشد سیاسی شامل چند معاون وزیر، نماینده پارلمان، سیاستمدار و بازرگان عراقی و عوامل آنها توسط نیروهای امنیتی این کشور بازداشت و تحویل مراجع قضایی شدند.

نیروهای امنیتی عراق در منطقه سبز بغداد علی‌الزیدی نخست‌وزیر عراق در سخنانی در نشست وزرا که شامگاه یکشنبه هفتم تیرماه برگزار شد، تأکید کرد: «هیچ مصونیتی برای هیچ فرد فاسدی وجود ندارد.» او همچنین گفت: «دولت هر فرد فاسد یا غارتگر اموال عمومی را شانه‌روز تعقیب خواهد کرد.» الزیدی افزود: «اموال عراقی‌ها امانتی بر دوش دولت است» و تأکید کرد که کشور وارد مرحله جدیدی خواهد شد.

نخست وزیر عراق همچنین تصریح کرد قصد ایجاد دشمنی ندارد، اما در مبارزه با فساد و همچنین انحصار سلاح در دست دولت، عقب‌نشینی نخواهد کرد و قدرت باید صرفاً در اختیار دولت باشد.

تعداد افرادی که تا کنون به اتهام فساد تحت پیگرد قرار گرفته‌اند به ۱۲۰ نفر رسیده است.

→ در ظهر روز یکشنبه هفتم تیرماه ۱۴۰۵ به ۱۷۰ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یافته است.

در نیمروز یکشنبه هفتم تیرماه هر دلار ۱۹۴ هزار و ۱۵۰ تومان، هر پوند ۲۲۴ هزار و ۹۵۰ تومان، هر لیر ترکیه ۳۶۶۰ تومان و هر درهم امارات ۴۶ هزار و ۵۰۰ تومان معامله می‌شود.

قیمت هر سکه طلا نیز به ۱۷۰ میلیون تومان افزایش یافته و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است.

روز گذشته نیز روزنامه «دنیای اقتصاد» از افزایش حدود ۱۰ هزار تومانی دلار طی چند ساعت خبر داده و نوشته بود قیمت دلار پس از چند روز بار دیگر از کانال ۱۵۰ هزار تومانی عبور کرده است.

قیمت ارز و طلا در بازار ایران از هفته دوم اسفندماه ۱۴۰۴ و با آغاز جنگ جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل با روندی افزایشی روبرو شده و به بیش از ۱۹۰ هزار تومان رسید. پس از امضای تفاهم‌نامه میان جمهوری اسلامی و آمریکا قیمت ارز و طلا کاهش یافت و قیمت دلار در کانال ۱۵۰ هزار تومانی قرار گرفته بود.

کارشناسان تأکید دارند نااطمینانی سیاسی و تردید درباره دوام تفاهم ایران و آمریکا علت افزایش دوباره قیمت‌ها در بازارهای ارز و طلا است. بطوریکه با افزایش تهدیدها و افزایش احتمال ازسرگیری درگیری نظامی در منطقه قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

برای نمونه افزایش قیمت‌ها در بازار ارز و طلای ایران در روز شنبه ششم تیرماه در حالی رخ داد که تهدیدهای ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی و حملات نیروهای نظامی آمریکا به اهداف نظامی حکومت در جنوب ایران افزایش یافت و همزمان جمهوری اسلامی حملاتی به بحرین را رقم زد.

روز گذشته روزنامه «واشینگتن پست» به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد اگر جمهوری اسلامی به تعهدات خود در چارچوب یادداشت تفاهم اخیر عمل نکند، کاخ سفید به راحتی می‌تواند معافیت‌های تحریمی را لغو کند و فشارها بر حکومت ایران را از سر بگیرد.

«کیهان لندن» نیز روز یکشنبه هفتم تیرماه گزارش داد که ساعات گذشته حملاتی از سوی سپاه پاسداران به پایگاه‌های آمریکا در منطقه انجام گرفت و تعدادی موشک و پهپاد به سوی هشت زیرساخت ارتش آمریکا در پایگاه «علی‌السام» کویت و ناوگان پنجم دریایی در «بندر سلمان» بحرین پرتاب شد.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای حملات هوایی آمریکا را نقض آشکار بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل و بند اول یادداشت تفاهم اسلام‌آباد خواند و اعلام کرد: «آمریکا کمترین ارزش و اعتباری برای تعهدات خود قائل نیست و عهدشکنی بخشی از ماهیت آن است.»

در واکنش به ادامه حملات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به کشتی‌های تجاری، دونالد ترامپ هشدار داد اگر مجبور شویم، کاری را که با موفقیت آغاز کردیم به صورت نظامی کامل می‌کنیم.

این اخبار سبب شتاب قیمت‌ها در بازار ارز در روز یکشنبه شده است. تحلیلگران معتقدند بازار ارز ایران بیش از بسیاری از بازارهای مالی، تحت تأثیر متغیرهای سیاسی قرار دارد و هر خبر مثبت یا منفی درباره سرنوشت مذاکرات، حملات نظامی، آزادسازی پوله‌های بلوکه شده یا افزایش تنش‌ها و محدودیت بیش از پیش تجارت ایران می‌تواند قیمت‌ها در بازار ارز را متأثر کند.

تورم فزاینده و درآمدهای ناچیز؛ ده‌ها میلیون نفر از جمعیت ایران چگونه به زیر خط «فقر مطلق» رانده شدند؟



حتی اگر مبلغ سبد معیشت حداقلی را هم دریافت کند، باید بین داشتن مسکن و سرپناه که منوط به پرداخت اجاره بهاست از یک سو، و تأمین یک سفره حداقلی برای خانواده خود از سوی دیگر، یکی را انتخاب کند؛ انتخابی که حتی در شهرهای کوچک نیز به شدت دردناک است!

این فعال کارگری تأکید کرده که «امروز برای کارگران با این حقوقها، نه خط فقر مطلق، بلکه خط بقای مطلق مطرح است. واقعیت این است که ما هر سال کاهش حداقل دستمزد را در شورای عالی کار تجربه می‌کنیم. سال گذشته پایه حقوق ۱۱ میلیون تومان و امسال ۱۷ میلیون تومان، تصویب شده است. این افزایش شش میلیون تومانی در ظاهر «افزایش» خوانده می‌شود ولی در واقعیت کاهش حقوق است زیرا ارزش ۱۱ میلیون سال قبل نزدیک به ۳۰ میلیون تومان امروز است. به نظر می‌رسد تا زمانی که قانون برای تعیین مزد اصلاح نشود، این روند باز هم ادامه خواهد داشت. بازم هر سال، حقوق واقعی کارگران به جای افزایش، کاهش می‌یابد.»

اختلاف عمیق میان درآمد و هزینه زندگی، در کنار تورم فزاینده جاری در اقتصاد ایران به معنای افزایش جمعیت زیر خط فقر در کشور است. بر اساس برآوردهای منتشرشده از سوی فرشید یزدانی، پژوهشگر حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، خط فقر شدید در ایران از حدود ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان در اردیبهشت ۱۴۰۴ به حدود ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان در اردیبهشت ۱۴۰۵ رسیده است.

فرشید یزدانی اعلام کرده که خط فقر مطلق برای یک خانوار سه نفره در بهار امسال حدود ۴۴ میلیون تومان در ماه بوده است.

هم‌زمان، رضا امید، پژوهشگر رفاه اجتماعی، با استناد به داده‌های رسمی اعلام کرده است که جمعیت زیر خط «فقر مطلق» در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴، از حدود

برای خانواده خود از سوی دیگر، یکی را انتخاب کنند. این جملات توصیفی از وضعیت بحرانی معیشت خانوارهای کم‌درآمد در ایران است؛ وضعیتی که در آمارها از جمله فاصله عمیق میان هزینه زندگی با رقم دستمزد کارگران و بازنشستگان نیز نمایان است.

در حالیکه آمارهای تورم اقتصاد ایران در خردادماه امسال بیانگر تشدید بحران اقتصادی و تداوم بیش از پیش قیمت‌ها در ماه‌های آینده است که در آنسو فعالان کارگری و بازنشستگان تأکید دارند درآمد این اقشار حتی برای تأمین هزینه‌های نیمه از ماه هم کافی نیست و این اقشار با مشکلات متعدد معیشتی و گرسنگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

در خردادماه امسال نرخ تورم ماهانه ۵/۹ درصد، تورم نقطه به نقطه به ۸/۶ درصد و تورم سالانه به ۶۲ درصد رسیده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند بحران اقتصادی، در کنار شرایط جنگی و پیامدهای آن، زمینه جهش‌های تورمی بزرگ‌تر را فراهم کرده است. چشم‌انداز پیش‌رو، حرکت به سمت تورم‌های سنگین‌تر و سقوط بیشتر سطح زندگی است.

تورم فزاینده هزینه زندگی خانوارها در ایران به ده‌ها میلیون تومان افزایش داده اما درآمد بیش از نیمی از جمعیت کشور شامل کارگران، بازنشستگان و بخش زیادی از کارمندان حتی به ۳۰ میلیون تومان در ماه هم نمی‌رسد.

علی مقدسی‌زاده فعال کارگری ساکن استان خراسان جنوبی در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» با اشاره به درآمد حدود ۲۵ میلیونی یک کارگر در صورت دریافت همه مزایای شغلی گفته «با یک حساب سرانگشتی می‌توان فهمید که این خانوار با این حقوق تنها می‌توانند وعده صبحانه را بگذرانند. تنها مصرف نان و پنیر و چای در این خانوار تا ۳۰ میلیون تومان در ماه هزینه بر می‌دارد. امروز کارگر

● فعالان کارگری و بازنشستگان تأکید دارند درآمد این اقشار حتی برای تأمین هزینه‌های نیمه از ماه هم کافی نیست و این اقشار با مشکلات متعدد معیشتی و گرسنگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

● علی مقدسی‌زاده، فعال کارگری، می‌گوید امروز کارگر باید بین داشتن مسکن و سرپناه که منوط به پرداخت اجاره بهاست از یک سو، و تأمین یک سفره حداقلی برای خانواده خود از سوی دیگر، یکی را انتخاب کند؛ انتخابی که حتی در شهرهای کوچک نیز به شدت دردناک است!

● بر اساس برآوردهای منتشرشده از سوی فرشید یزدانی، پژوهشگر حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، خط فقر شدید در ایران از حدود ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان در اردیبهشت ۱۴۰۴ به حدود ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان در اردیبهشت ۱۴۰۵ رسیده است.

● رضا امید، پژوهشگر رفاه اجتماعی، با استناد به داده‌های رسمی اعلام کرده است که جمعیت زیر خط «فقر مطلق» در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴، از حدود ۱۶ میلیون نفر به بیش از ۳۴ میلیون نفر افزایش یافته است.

● فعالان و کارشناسان مستقل کارگری، پیش از جنگ و تشدید بحران‌های اخیر، هزینه واقعی سبد معیشت یک خانوار متوسط را حدود ۸۰ میلیون تومان در ماه برآورد کرده بودند؛ رقمی که با افزایش شتابان قیمت‌ها، جهش هزینه مسکن، درمان، آموزش و مواد غذایی، اکنون فاصله بیشتری با دستمزدهای رسمی پیدا کرده است.

فاصله میان درآمد و هزینه آنقدر زیاد شده که حتی شاغل بودن نیز دیگر تضمینی برای دور ماندن از فقر نیست. خانوارهای کارگری و دیگر اقشار کم‌درآمد مانند بازنشستگان، باید بین داشتن مسکن و سرپناه که منوط به پرداخت اجاره بهاست از یک سو، و تأمین یک سفره حداقلی

واریز وجه برای تأمین موجودی چک، اختلال در خدمات کارت به کارت، واریز و برداشت وجه و نگرانی از پیامدهای این مشکلات، از جمله مسائلی است که مشتریان شبکه بانکی با آن روبرو هستند.

بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی در اثر وقوع این اختلال بسیاری از بازنشستگان و حقوق‌بگیرانی که حقوق‌شان به یکی از بانک‌های درگیر مشکل خصوصاً بانک ملی که بزرگترین بانک دولتی ایران است، واریز می‌شد، قادر به دریافت حقوق خود نشده‌اند. از سوی دیگر با قفل شدن نقل و انتقالات، برخی برای انجام معاملات خود با مشکل روبه‌رو شده‌اند به طوری که یک شهروند به خبرنگار ما گفت من خانه‌ام را فروختم و چک گرفتم اما چون چک متعلق به یکی از بانک‌های دیگر بحران است، قادر به نقد کردن آن نیستم و بحران بسیار جدی است. برخی از صاحبان کسب و کار به دلیل این موضوع مجبور به تعطیل کردن موقت فعالیت خود شده‌اند چرا که نقل و انتقال پول برای آن‌ها ممکن نیست. از سوی دیگر برخی نیز از کسر شدن پول از حساب‌شان و نشتن در حسابی که پول به آن منتقل شده خبر می‌دهند. این وضعیت زندگی روزمره شهروندان را با مشکل مواجه کرده است.

همچنین چند روز قبل جایگاه‌داران سوخت با صدور اطلاعیه‌ای از شهروندان خواستند برای خرید بنزین با پول نقد به جایگاه‌ها مراجعه کنند. این در حالی است که کمبود پول نقد از یک سو و عادت شهروندان به استفاده از کارت بانکی از سوی دیگر مشکلات متعددی را ایجاد کرده است.

میشم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، هفته گذشته با تأیید تداوم اختلال فعالیت در چهار بانک ملی ایران، تجارت، صادرات ایران و توسعه صادرات اعلام کرده بود تاکنون منشاء و دلیل حمله اصلی مشخص نشده است و حتی تغییر سخت‌افزار هم نتوانسته است مشکل را حل کند.

شرکت خدمات انفورماتیک نیز این اختلال را تأیید کرده و گفته است مشکل جدید در جریان بازگردانی و پایدارسازی سامانه‌های بانکی رخ داده و در ادامه آثار حمله سایبری اخیر به زیرساخت‌های بانکی است.

روزنامه تلگراف نیز ۲۳ ژوئن در گزارشی مدعی شد حمله سایبری به چهار بانک ایرانی از سوی اسرائیل انجام شده باشد. طبق اعلام این گزارش، این حمله بلافاصله پس از اعلام دونالد ترامپ درباره دسترسی ایران به بخش اولیه ۶ میلیارد دلار دارایی نفتی مسدود شده در قطر انجام شده است.

کارشناسان امنیتی در اسرائیل به تلگراف گفته‌اند گروه هکری «گنجشک درنده» که یک گروه منتسب به عملیات سایبری اسرائیل است، احتمالاً مسئول این حمله باشد. یک منبع امنیتی دیگر نیز به تلگراف گفته زمان‌بندی عملیات نشان می‌دهد هدف احتمالی، خرابکاری در توافق بوده است.

با اینهمه بانک مرکزی با سکوت و بی‌اعتنایی درباره این اختلال گسترده که زندگی روزمره شهروندان را با مشکل روبرو کرده سبب شد بازار شایعات و طرح احتمالات داغ شود.

برخی هم معتقدند بانک مرکزی با هدف پیشگیری از ورود پول‌های مردم به بازار طلا و سکه دست به چنین اقدامی زده است و در عمل حساب شهروندان را قفل کرده تا نتوانند با ورود پول به بازارهای ارز و طلا سبب افزایش تقاضا، و در نتیجه افزایش قیمت در این دو بازار شوند.

برخی نیز معتقدند دلیل حمله‌ی سایبری علیه بانک‌ها اتصال اینترنت بین‌الملل بوده است. طرح این ادعا سبب شد شایعه‌ای در فضای مجازی منتشر شود با این مضمون ←

علت اختلال دو هفته‌ای در خدمات‌دهی بانک‌ها؛ هک توسط اسرائیل یا اقدام بانک مرکزی برای کنترل قیمت ارز و طلا؟

● اختلال شبکه خدمات‌دهی بانکی در ایران که از روز شنبه ۲۳ خردادماه در چهار بانک بزرگ کشور آغاز و از ابتدای تیرماه و طی یک هفته گذشته تشدید شده و به بانک‌های بیشتری گسترش یافته است.

● اختلال در پرداخت اقساط تسهیلات، تعیین تکلیف نشدن چک‌هایی که سررسید آنها در این بازه زمانی بوده، محدودیت در واریز وجه برای تأمین موجودی چک، اختلال در خدمات کارت به کارت، واریز و برداشت وجه و نگرانی از پیامدهای این مشکلات، از جمله مسائلی است که مشتریان شبکه بانکی با آن روبرو هستند.

● روزنامه تلگراف نیز ۲۳ ژوئن در گزارشی مدعی شد حمله سایبری به چهار بانک ایرانی از سوی اسرائیل انجام شده باشد. طبق اعلام این گزارش، این حمله بلافاصله پس از اعلام دونالد ترامپ درباره دسترسی ایران به بخش اولیه ۶ میلیارد دلار دارایی نفتی مسدود شده در قطر انجام شده است.

● برخی هم معتقدند بانک مرکزی با هدف پیشگیری از ورود پول‌های مردم به بازار طلا و سکه دست به چنین اقدامی زده است و در عمل حساب شهروندان را قفل کرده تا نتوانند با ورود پول به بازارهای ارز و طلا سبب افزایش تقاضا، و در نتیجه افزایش قیمت در این دو بازار شوند.

بیش از دو هفته است خدمات‌دهی چند بانک بزرگ ایران با اختلال جدی روبروست و شهروندان برای انجام امور بانکی با مشکل مواجه هستند. نبود شفافیت در اطلاع‌رسانی از سوی بانک مرکزی درباره علت این اختلال با انتقاد گسترده مردم و تحلیلگران روبرو شده است.

اختلال شبکه خدمات‌دهی بانکی در ایران که از روز شنبه ۲۳ خردادماه در چهار بانک بزرگ کشور آغاز و از ابتدای تیرماه و طی یک هفته گذشته تشدید شده و به بانک‌های بیشتری گسترش یافته است.

بر اساس گزارش‌ها درگاه‌های پرداخت آنلاین، خدمات کارت و موبایلی چند بانک بزرگ از جمله ملی، تجارت، صادرات و ملت با اختلال و قطع روبرو شده است. این اختلال نقل و انتقالات بانکی و پرداخت با کارت در فروشگاه‌ها را نیز در بسیاری شهرها مختل کرده است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز گزارش داده اختلال در پرداخت اقساط تسهیلات، تعیین تکلیف نشدن چک‌هایی که سررسید آنها در این بازه زمانی بوده، محدودیت در

→ ۱۶ میلیون نفر به بیش از ۳۴ میلیون نفر افزایش یافته است.

فعالان و کارشناسان مستقل کارگری، پیش از جنگ و تشدید بحران‌های اخیر، هزینه واقعی سبد معیشت یک خانوار متوسط را حدود ۸۰ میلیون تومان در ماه برآورد کرده بودند؛ رقمی که با افزایش شتابان قیمت‌ها، جهش هزینه مسکن، درمان، آموزش و مواد غذایی، اکنون فاصله بیشتری با دستمزدهای رسمی پیدا کرده است.

همانطور که علی مقدسی‌زاده گفته حداقل دستمزد مصوب سال ۱۴۰۵، با احتساب پایه حقوق، حدود ۱۶ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان تعیین شده است و مجموع دریافتی کارگران مشمول قانون کار، بسته به مزایا و حق اولاد، در بهترین حالت به حدود ۲۰ تا ۲۲ میلیون تومان می‌رسد؛ رقمی که نه تنها فاصله‌های چشمگیر با سبد معیشت برآورده شده دارد، بلکه به‌مراتب پایین‌تر از خط فقر مطلق است.

وبسایت «پژواک کار ایران» که اخبار کارگری را پوشش می‌دهد تأکید کرده میلیون‌ها کارگر شاغل در بخش غیررسمی، کارگران فصلی، روزمزد، کشاورزی، ساختمانی، کارگران کارگاه‌های کوچک و بسیاری از زنان کارگر، حتی از حداقل دستمزد رسمی محروم هستند و در شرایطی دشوار به کار و زندگی ادامه می‌دهند.

این گزارش با تأکید بر اینکه «یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بحران کنونی تورم در ایران گسترش پدیده «کارگران فقیر» است» نوشته «امروز میلیون‌ها نفر در ایران، با وجود اشتغال تمام‌وقت، قادر به تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی خود نیستند. دستمزدهای رسمی نه تنها فاصله‌ای عمیق با سبد معیشت دارند، بلکه حتی از خط فقر مطلق نیز پایین‌تر هستند. به این ترتیب، اشتغال دیگر تضمینی برای خروج از فقر نیست و بخش بزرگی از نیروی کار، با وجود فروش نیروی کار خود، زیر خط فقر زندگی می‌کند. فقر در ایران دیگر یک استثنا نیست؛ به وضعیت عادی زندگی بخش بزرگی از طبقه کارگر و مزدبگیران تبدیل شده است.»

روزنامه «اعتماد» نیز گزارش داده فقر در ایران دیگر یک نوسان کوتاه‌مدت نیست؛ به روندی ساختاری تبدیل شده است. اوایل دهه ۱۳۹۰ تنها ۱۱ تا ۱۳ درصد جمعیت در فقر بودند؛ امروز این نسبت حدود ۳۰ درصد برآورد می‌شود و با تداوم تورم بالا، برخی دامنه ۳۰ تا ۳۵ درصد را محتمل می‌دانند. این گزارش افزوده یکی از چالش‌های مهم، نبود داده‌های دقیق و نظام‌مند است. در کشوری با حدود ۸۷ میلیون جمعیت و ۲۴ میلیون خانوار، نبود «حکمرانی داده» یعنی سیاست‌گذاری در مه، وقتی تصویر روشنی از وضعیت معیشتی وجود نداشته باشد، نسخه‌ها هم با عدم قطعیت نوشته می‌شوند.

«اعتماد» همچنین نوشته تورم مزمن - با میانگین بالای ۴۰ درصد در سال‌های اخیر - متغیر کلیدی این چرخه است. در چنین شرایطی، هر سال میلیون‌ها نفر دیگر به جمعیت فقیر افزوده می‌شوند؛ چون سرعت رشد قیمت‌ها از افزایش درآمد پیشی می‌گیرد. شکاف اصلی جایی عمیق‌تر می‌شود که دستمزد با دارایی‌ها مقایسه شود. افزایش حقوق، درصدی محدود به درآمد جاری اضافه می‌کند، اما همان تورم، ارزش دارایی‌هایی مثل مسکن و خودرو را چند برابر می‌کند. نتیجه؟ دور شدن طبقات متوسط و پایین از مالکیت دارایی‌های پایه، به‌ویژه مسکن. اینجاست که مفهوم «تله فقر» معنا پیدا می‌کند: اگر سهم جمعیت فقیر از ۴۰ درصد عبور کند، حتی مهار تورم هم لزوماً به خروج سریع از این چرخه منجر نمی‌شود. طبقه متوسط تحلیل می‌رود، کیفیت آموزش و سلامت افت می‌کند، ظرفیت نوآوری کاهش می‌یابد و توسعه کند می‌شود.

هشدار کارشناسان درباره «مومنتوم تورمی» در اقتصاد ایران

● ایران در خردادماه امسال نرخ تورم ماهانه ۵/۹ درصد، تورم نقطه به نقطه به ۸۸/۶ درصد و تورم سالانه به ۶۲ درصد رسیده است. این اعداد به عقیده کارشناسان آژیر قرمز در اقتصاد ایران را به صدا درآورده و به معنای وقوع یک زلزله خاموش در معیشت طبقات مختلف جامعه است.

● اختلاف میان نرخ تورم سالانه و نقطه به نقطه طی ماه‌های گذشته با افزایش روبرو شده است و اقتصاددانان این افزایش اختلاف را یک موتور محرک قوی یا اصطلاحاً «مومنتوم تورمی» در اقتصاد ایران ارزیابی می‌کنند که نشان می‌دهد تورم با سرعتی فزاینده به مسیر صعودی خود ادامه می‌دهد.

● به عقیده اقتصاددانان تورم ماهانه ۵/۹ درصدی در واقع یک شاخص پیش‌نگر و جهت‌دهنده است؛ به این معنا که اگر همین فرمان اقتصادی تنها برای چند ماه دیگر تداوم یابد، نرخ تورم سالانه کشور به سرعت خود را به مرزهای هولناک و نزدیک به ۱۰۰ درصد خواهد رساند.

● ثبت عدد ۱۳۳/۹ درصد برای تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها که بیانگر نرخ تغییر قیمت در خرداد امسال نسبت به خرداد سال گذشته است به خوبی نشان می‌دهد قدرت خرید خانوارهای ایرانی، با توجه به درآمدهایی که با تورم تناسب ندارد، تا چه اندازه سقوط کرده است.

نرخ تورم خردادماه در حالی رکوردهایی جدید در تاریخ اقتصاد ایران را ثبت کرده که اقتصاددانان نسبت به چشم‌انداز وضعیت اقتصاد کشور و پیامدهای شتاب گرفتن افزایش تورم هشدار می‌دهند. به گزارش مرکز آمار ایران در خردادماه امسال نرخ تورم ماهانه ۵/۹ درصد، تورم نقطه به نقطه به ۸۸/۶ درصد و تورم سالانه به ۶۲ درصد رسیده است. این اعداد به عقیده کارشناسان آژیر قرمز در اقتصاد ایران را به صدا درآورده و به معنای وقوع یک زلزله خاموش در معیشت طبقات مختلف جامعه است.

اختلاف میان نرخ تورم سالانه و نقطه به نقطه طی ماه‌های گذشته با افزایش روبرو شده است و اقتصاددانان این افزایش اختلاف را یک موتور محرک قوی یا اصطلاحاً «مومنتوم تورمی» در اقتصاد ایران ارزیابی می‌کنند. بر اساس تحلیل اقتصاددانان افزایش نرخ میان تورم نقطه به نقطه و تورم سالانه نشان می‌دهد نه تنها شتاب افزایش قیمت‌ها کنترل نشده، بلکه تورم هنوز به سقف نهایی خود نرسیده است و با سرعتی فزاینده به مسیر صعودی خود ادامه می‌دهد. این دقیقاً همان فازی است که اقتصاد را

خدمات دهی چند بانک بزرگ کشور سکوت کرده بود پس از انتظار ادعای عبدالرضا داوری، به سرعت واکنش نشان داد و با تکذیب این ادعا اعلام کرد: «در پی اختلافات اخیر، بانک‌ها مجاز شدند برای بازگرداندن سریع پایداری خدمات از ظرفیت شرکت‌های فناوری اطلاعات استفاده کنند و انتخاب این شرکت‌ها توسط خود بانک‌ها انجام شده است.»

در ادامه اطلاعیه بانک مرکزی آمده «با توجه به اختلافات به وجود آمده برای چهار بانک کشور و در چارچوب مصوبات نهادهای بالادستی، بانک‌ها مخیر شدند از ظرفیت سایر شرکت‌های فعال در حوزه فناوری اطلاعات استفاده کنند تا پایداری خدمات بانکی در کوتاه‌ترین زمان ممکن برقرار شود. در این فرایند، بانک مرکزی هیچ نقشی در



انتخاب شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات ندارد و تصمیم‌گیری در این زمینه بر عهده خود بانک‌ها و مطابق ضوابط مربوط انجام می‌شود.»

این اطلاعیه افزوده «ادعای هدایت یا توصیه بانک مرکزی برای انتخاب یک شرکت مشخص، اساساً فاقد مبنا است و طرح چنین گزاره‌هایی بدون ارائه مستندات، نه تنها کمکی به روشن شدن موضوع نمی‌کند، بلکه موجب تشویش اذهان عمومی و خدشه به اعتماد مردم نسبت به نظام بانکی کشور می‌شود.»

بانک مرکزی همچنین تهدید کرده «انتظار می‌رود فعالان رسانه‌ای، به ویژه در موضوعات حساس مرتبط با نظام بانکی، پیش از انتشار ادعاهای اتهامی، اصول حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی رسانه را رعایت کرده و از طرح گمانه‌زنی‌هایی که می‌تواند افکار عمومی را دچار خطا کند، پرهیز کنند. بانک مرکزی در این زمینه، حق پیگیری قضایی از فرد یا افرادی که به انتشار این موضوع بدون ارائه هیچ‌گونه مدرک و سند اقدام کرده‌اند، محفوظ می‌دارد.»

با اینهمه همچنان میلیون‌ها مشتری بانک‌هایی که با اختلال در خدمات‌دهی روبرو شده‌اند سرگردان هستند و نمی‌دانند چه زمانی امکان دسترسی به دارایی خود و انجام امور بانکی را خواهند داشت؟!>

➔ که این حمله با هدف مسدود کردن دوباره اینترنت رخ داده است. این شایعه به حدی قوت گرفت که معاون وزیر ارتباطات به آن واکنش نشان داد. بهزاد اکبری، معاون وزیر ارتباطات، پیام امیر سیاح از مدیران وزارت امور اقتصادی و دارایی در دولت سیزدهم را بازنشر کرد و نوشت: «نسبت دادن اختلافات اخیر بانکی به بازگشایی اینترنت بین‌الملل بدون ارائه شواهد فنی، نتیجه‌گیری غیر قابل‌اتکا و غیرکارشناسانه است.»

امیرسیاح در شبکه «ایکس» نوشته بود: «یک‌ماه پیش، متخصصان امنیت سایبری هشدار می‌دادند زیر حملات شدید هستیم اینترنت بین‌الملل را بازکنید، با روش‌های بی‌خطری میتوان نیاز عموم به اینترنت بین‌الملل را تأمین کرد. وزیر ارتباطات بجای توجه، به نصیحت‌کننده‌ها توهین

کرد حالا که مردم گرفتار شده‌اند، کجاست بیاید جواب مردم را بدهد؟»

در آنسو عبدالرضا داوری از مقامات دولت محمود احمدی‌نژاد نیز ادعا کرده شرکت خصوصی که مدیرعامل آن دوست عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی است، برنده پنهان اختلال بانک‌ها است و سود ۵۰ هزار میلیاردی از این اختلال را به جیب زده است.

عبدالرضا داوری نوشته «اگر صحت داشته باشد که بانک مرکزی، در پاسخ به اعتراض بانک‌ها نسبت به اختلال‌های گسترده، به آنها توصیه کرده است برای خروج از بحران، خدمات خود را به شرکت توسن منتقل کنند، این تصمیم نیازمند شفاف‌سازی فوری است.»

در ادامه این ادعا آمده «ولی‌الله فاطمی اردکانی، از بنیان‌گذاران و مدیران اصلی توسن، در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ ریاست ستاد انتخاباتی عبدالناصر همتی، رییس کل کنونی بانک مرکزی را بر عهده داشت و سال‌ها نیز از نزدیک‌ترین همکاران او در نظام بانکی بود. همین سابقه، باعث می‌شود هر تصمیمی که بتواند منافع اقتصادی قابل توجهی برای توسن ایجاد کند، با شائبه تعارض منافع روبه‌رو شود.»

بانک مرکزی که طی دو هفته گذشته درباره اختلال در

فرسایش آرام کیفیت زندگی است. این گزارش تأکید کرده تورم خرداد ۱۴۰۵ نشان می‌دهد سفره خانوار به نقطه تلاقی اقتصاد و عدالت اجتماعی تبدیل شده است. عدد شاخص کل شاید برای تحلیل‌گران اقتصادی مهم باشد، اما برای خانواده‌ای که خرید روغن، گوشت یا لبنیات را عقب می‌اندازد، معنای تورم بسیار ملموس‌تر است.

آنچه در این میان قابل توجه است ادعاهای مقامات اقتصادی دولت است. علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد یک هفته پیش چشم در چشم خبرنگاران مدعی شد دولت نخواهد گذاشت تورم سه رقمی شود. این ادعا در شرایطی مطرح شد که گزارش تورم اردیبهشت نشان می‌داد تورم در بسیاری از اقلام به بیش از صد درصد رسیده و تنها چند روز بعد گزارش

قابل توجه تورم روبرو شده است. مبلمان و لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها رشد ۱۱۱/۱ درصدی را تجربه کرده‌اند. هزینه جابه‌جایی و مسافرت هم با رشد ۱۰۳/۱ درصدی بخش حمل‌ونقل سهم بیشتری از درآمدها را طلب می‌کند. هتل و رستوران با ۹۷/۴ درصد و تفریح و فرهنگ با ۹۰/۴ درصد در رتبه‌های بعدی جدول کالا و خدمات قرار دارند.

همچنین ساکنان ۱۱ استان با اعدادی فراتر از این معدل روبرو هستند و تورم سه رقمی را می‌بینند. ایلام با ۱۱۴/۷ درصد در خط مقدم این فشار است و پس از آن کردستان با ۱۱۱/۷ درصد قرار گرفته است. لرستان با ۱۰۹/۸ درصد و آذربایجان غربی با ۱۰۶/۱ درصد در جمع مناطقی با بالاترین تغییرات قیمتی جای گرفته‌اند. کرمانشاه با ۱۰۵/۵ درصد، گلستان با ۱۰۳/۹ درصد و

به سمت یک رژیم تورمی شتابان سوق می‌دهد؛ مرحله‌ای که در آن تمایل مردم برای نگهداری پول ملی به شدت کاهش یافته، سرعت گردش پول بالا رفته و سرمایه‌ها با شتابی بی‌سابقه به سوی دارایی‌های امن یا سفته‌بازی فرار می‌کنند.

از سوی دیگر به عقیده اقتصاددانان تورم ماهانه ۵/۹ درصدی در واقع یک شاخص پیش‌نگر و جهت‌دهنده است؛ به این معنا که اگر همین فرمان اقتصادی تنها برای چند ماه دیگر تداوم یابد، نرخ تورم سالانه کشور به سرعت خود را به مرزهای هولناک و نزدیک به ۱۰۰ درصد خواهد رساند. از سوی دیگر جزئیات گزارش مرکز آمار ایران بیانگر بروز فاجعه معیشتی در میان اقشار مختلف و افزایش جمعیت زیر خط فقر در ایران است.



تورم خردادماه منتشر شد که نشان از عمیق‌تر شدن فاجعه تورمی حکایت داشت.

از سوی دیگر رئیس کل بانک مرکزی و وزیر جهاد کشاورزی ادعای «امنیت غذایی» را مطرح کرده‌اند. عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی، هفته گذشته گفت: «بانک مرکزی بر اساس پیش‌بینی‌های احتیاطی منابع کافی برای خرید کالاهای اساسی و دارو تجهیز کرده است و صرفاً در سه ماهه اول سال ۳/۷ میلیارد دلار برای کالاهای اساسی و دارو تأمین ارز کرده است.»

همزمان، غلامرضا نوری قزلبچه، وزیر جهاد کشاورزی نیز در پیامی در شبکه ایکس تأکید کرد: «تأمین امنیت غذایی کشور که‌ماکان با قدرت و بدون هیچ‌گونه مشکلی در جریان است». او اشاره کرد که در خریدهای خارجی دو اصل «سلامت و کیفیت» و «قیمت» لحاظ می‌شود.

این ادعاها در حالی مطرح شده که مقامات اقتصادی دولت پزشک‌ها توضیح می‌دهند این چه نوع از «امنیت غذایی» است که بیش از نیمی از جمعیت کشور برای تأمین خوراک کافی و ضروری با بحران روبرو هستند و سید خرید خانوارها به صورت ماهانه و هفتگی در حال کوچک شدن است و سوءتغذیه به پدیده‌ای نگران‌کننده تبدیل شده است!

خراسان شمالی با ۱۰۳/۳ درصد دیگر نقاطی هستند که شیب افزایش قیمت‌ها در آنها تندتر از میانگین کل کشور است. این فهرست با حضور چهارمحال و بختیاری با ۱۰۳/۱ درصد، مرکزی با ۱۰۱/۸ درصد، هرمزگان با ۱۰۱/۴ درصد و کهگیلویه و بویراحمد با ۱۰۰/۷ درصد تکمیل می‌شود.

نکته مهم بعدی فشار بیشتر به دهک‌های پایین درآمدی است. بررسی ارقام نشان می‌دهد که نرخ تورم نقطه به نقطه برای دهک اول یعنی کم‌درآمدترین قشر جامعه ۱۰۰/۲ درصد است. در مقابل این شاخص برای دهک دهم به ۸۵/۸ درصد می‌رسد.

این ارقام نشان می‌دهند چگونه سطح رفاه و حتی سلامت خانوارها در ایران با افزایش هر عدد در شاخص تورم سقوط می‌کند. در همین رابطه روزنامه «پیام ما» با اشاره به آمارهای تورم خرداد نوشته خانواری که توان خرید گوشت را از دست می‌دهد، فقط یک قلم کالایی را از سبد خود حذف نکرده است؛ بخشی از پروتئین غذایی خود را کنار گذاشته. خانواده‌ای که لبنیات را کمتر می‌خرد، ممکن است در بلندمدت با پیامدهای تغذیه‌ای روبرو شود. خانواده‌ای که میوه را از خرید هفتگی حذف می‌کند، در واقع از سطحی از رفاه حداقلی عقب‌نشینی کرده است. تورم خوراکی‌ها از همین رو، فقط یک شاخص اقتصادی نیست؛ شاخصی از

ثبت عدد ۱۳۳/۹ درصد برای تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها که بیانگر نرخ تغییر قیمت در خرداد امسال نسبت به خرداد سال گذشته است به خوبی نشان می‌دهد قدرت خرید خانوارهای ایرانی، با توجه به درآمدهایی که با تورم تناسب ندارد، تا چه اندازه سقوط کرده است.

در میان اقلام خوراکی روغن‌ها و چربی‌ها با جهش خیره‌کننده ۲۷۸/۴ درصدی بیشترین سهم را در تورم خوراکی‌ها داشته‌اند. گوشت قرمز، سفید و فرآورده‌های آنها با جهش ۱۷۱/۵ درصدی نیز بیانگر حذف این اقلام از سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد است. لبنیات با تورم ۱۵۱/۹ درصدی، قوت غالب مردم یعنی نان و غلات رشد قیمت ۱۳۸/۸ درصدی، چای و قهوه با ۱۰۲ درصد افزایش قیمت و اقلامی نظیر شکر، مربا، عسل، شکلات و شیرینی هم با رشد قیمت ۱۰۱/۶ درصدی، از جمله اقلامی به حساب می‌آیند که هزینه تأمین آنها حداقل دو برابر شده است.

دخانیات با ثبت تورم ۱۷۳/۸ درصد رکورددار رشد قیمت است و نشان می‌دهد هزینه‌های جانبی تا چه اندازه می‌توانند بر جیب مصرف‌کنندگان اثر بگذارند. گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها پس از آن با ۱۳۳/۹ درصد قرار دارد که به شکل مستقیم یا نیازهای روزمره گره خورده است. بخش تغییر دکوراسیون و نوسازی وسایل خانه نیز با افزایش

تورم مواد غذایی در دولت پزشکیان ۵/۵ برابر شد؛ تیم اقتصادی دولت نتایج عملکرد خود را گردن نمی‌گیرد!



● از زمان شروع به کار دولت پزشکیان، نرخ تورم نقطه به نقطه مواد غذایی ۱۰۹/۵ واحد درصد بیشتر شده و از ۲۴/۴ درصد در مرداد ۱۴۰۳ به ۱۳۳/۹ درصد در خرداد امسال رسیده است. به عبارت دیگر تورم غذا از ابتدای تشکیل دولت مسعود پزشکیان تا کنون ۵/۵ برابر شده است.

● مقایسه قیمت ۵۲ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوارها در اردیبهشت امسال با قیمت‌های قبل از حذف ارز ترجیحی (قیمت‌های آذرماه ۱۴۰۴) از افزایش به طور میانگین ۵۷ درصدی قیمت این مواد غذایی حکایت دارد.

بر اساس گزارش مرکز آمار، از زمان شروع به کار دولت پزشکیان، نرخ تورم نقطه به نقطه کل کالاهای مصرفی با ۵۷ واحد درصد افزایش از ۳۱/۶ درصد در مرداد ۱۴۰۳ به ۸۸/۶ درصد در خرداد ۱۴۰۵ افزایش پیدا کرده است. همچنین نرخ تورم نقطه به نقطه مواد غذایی نیز در این مدت ۱۰۹/۵ واحد درصد بیشتر شده و از ۲۴/۴ درصد در مرداد ۱۴۰۳ به ۱۳۳/۹ درصد در خرداد امسال رسیده است. به عبارت دیگر تورم غذا از ابتدای تشکیل دولت مسعود پزشکیان تا کنون ۵/۵ برابر شده است.

در خرداد ۱۴۰۳ که تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری شروع شد، مسعود پزشکیان به شدت از نرخ تورم در دولت ابراهیم رئیسی انتقاد می‌کرد. عبدالناصر همتی رئیس‌کل بانک مرکزی دولت پزشکیان نیز در اردیبهشت ۱۴۰۳ خواستار عذرخواهی ابراهیم رئیسی از مردم بابت بالا بودن نرخ تورم شده بود.

اکنون برخلاف ادعاهای مقامات دولت پزشکیان در روزهای انتخابات و نخستین هفته‌های تشکیل دولت، نه تنها تورم با سرعت بیشتری افزایش یافته بلکه تورم کالاهایی که به‌طور مستقیم معیشت اقشار کم‌درآمدتر را هدف قرار می‌دهد، مانند مواد غذایی و دارو و آموزش، در صدر فهرست تورم گروه‌های مختلف کالایی قرار گرفته است.

از سوی دیگر یکی از مهمترین دلایل افزایش قیمت‌ها در شش ماه گذشته اجرای سیاست‌های ارزی تیم اقتصادی دولت پزشکیان است؛ تیمی که عبدالناصر همتی رئیس‌کل کنونی بانک مرکزی و وزیر اقتصاد پیشین دولت هدایت آن را به‌عهده دارد.

دولت از اواخر پاییز و با ادعای اجرای طرح تک نرخی کردن ارز در ایران ارز ترجیحی -ارز با نرخ دولتی برای واردات کالاهای اساسی- را حذف کرد و از سوی دیگر قیمت‌ها در بازار ارز تجاری -بازاری که واردکنندگان کالا ارز مورد نیاز خود را از آن بازار تأمین می‌کردند- به قیمت ارز در بازار آزاد نزدیک کرد. این دو اقدام به سرعت هزینه واردات مواد اولیه و کالاها را افزایش داد و قیمت تمام شده کالاها در بازار داخلی را تا چند برابر افزایش داد.

مرتضی محمودی، عضو کمیسیون ویژه جهش و رونق تولید مجلس شورای اسلامی، در اینباره گفته «قطعاً مهم‌ترین دلیل این افزایش قیمت وحشتناک و سرسام‌آور کالاها همان سیاست حذف ارز ترجیحی دولت در دی‌ماه ۱۴۰۴ است. جای تأسف است که برخی از اعضای هیات رئیسه و نمایندگان مجلس هم در پیشبرد این طرح با دولت همکاری کرده‌اند و امروز این عزیزان هم باید پاسخگوی این موج گرانی‌ها باشند.»

مبلغ کالابریگ است. بانک مرکزی افزایش مبلغ کالابریگ را تورمزا می‌داند. رسانه‌های متعلق به بانک مرکزی هم در روزهای اخیر در همین راستا گزارش‌هایی درباره تورمزا بودن افزایش مبلغ کالابریگ منتشر کرده و حتی خواستار توقف پرداخت کالابریگ به همه مردم و کاهش جامعه دریافت‌کننده کالابریگ شدند.»

حسینعلی حاجی دلیگانی، نماینده مجلس شورای اسلامی، معتقد است دولت هنگام اجرای طرح تک نرخی کردن ارز پیامدهای آن را پیش‌بینی نکرده بود: «جراحی اقتصادی صورت گرفته در دولت آقای پزشکیان حتی همان آمادگی اولیه را هم نداشت و به یک‌باره شکم اقتصاد بیمار ایران را شکافتند. وقتی ارز نهاده‌های دامی از ۲۸۵۰۰ تومان به یک‌باره به ۱۳۳۰۰۰ و اخیراً به ۱۴۸۰۰۰ تومان برسد خوب معلوم است چه رخ خواهد داد. دولت پزشکیان عواقب خطرناک این آزادسازی ارزی بر اقتصاد ایران را پیش‌بینی نکرده بود. در حالی که معلوم بود که مرغ، تخم‌مرغ، گوشت، شیر، لبنیات و صدها محصول دیگر از این آزادسازی نرخ ارز تأثیر پذیرفته و گران خواهند شد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «اگر نگاه دقیق‌تری به صحنه بیندازیم از روزی که دکتر همتی به بانک مرکزی بازگشت تا پیش از آغاز جنگ ۴۰ روزه، قیمت ارز ۳۰ درصد افزایش یافت اما پس از آغاز جنگ قیمت ارز همان طور که پیش‌تر گفتم کاهش شد و در نهایت پس از آتش‌بس هم شاهد افزایش قیمت ارز بودیم. البته مسئولان باید پاسخ بدهند که وقتی داریم نفت بیشتری می‌فروشیم؛ قیمت این نفت هم دو برابر دوران پیش از جنگ ۴۰ و حدود ۱۰۰ دلار برای هر بشکه است و ارز آن هم به‌موقع به دست ما می‌رسد چرا بازار ارز دچار این وضعیت است؛ بنابراین من شرایط بازار ارز را طبیعی و منطقی نمی‌دانم.» با اینهمه مقامات دولت پزشکیان حاضر به پذیرش مسئولیت اقدامات خود نیستند و همچنان با تکیه بر دو واژه «جنگ» و «تحریم» در تحلیل‌ها و توضیحات‌شان به فرافکنی مشغول هستند.

همزمان با اجرای سیاست تک نرخی کردن ارز توسط عبدالناصر همتی، اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ نیز رقم خورد. دولت مدعی شد برای کاهش فشار افزایش قیمت‌ها که در نتیجه اجرای این طرح اتفاق می‌افتد، پارانه جدیدی را معادل یک میلیون تومان برای هر نفر در قالب کالابریگ -یا همان کوپن- به حدود ۶۰ میلیون نفر از جمعیت کشور ارائه می‌کند. این طرح هم اما در کمتر از شش ماه با شکست روبرو شد. تورم فزاینده موادخوراکی در مدت کوتاه سبب کاهش ارزش پارانه توزیعی شد و شهروندان در سومین ماه توزیع کالابریگ سبد مواد غذایی بسیار کوچکتری را نسبت به ماه نخست دریافت می‌کردند.

بر اساس داده‌های مرکز آمار، مقایسه قیمت ۵۲ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوارها در اردیبهشت امسال با قیمت‌های قبل از حذف ارز ترجیحی (قیمت‌های آذرماه ۱۴۰۴) از افزایش به طور میانگین ۵۷ درصدی قیمت این مواد غذایی حکایت دارد.

مجموع هزینه‌ای که برای خرید این ۵۲ قلم مواد غذایی پرمصرف تا قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی باید صرف می‌شد ۱۲۰۴ میلیون تومان بود. اما برای خرید همان ۵۲ قلم مواد غذایی در اردیبهشت امسال باید ۱۹۰۴ میلیون تومان پول پرداخت می‌شد. به عبارت دیگر هزینه خرید این ۵۲ قلم مواد غذایی پرمصرف نسبت به دوره قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی حدود ۷ میلیون تومان بیشتر شده است. این در حالی است که مبلغ کالابریگی که دولت به هر نفر داده همچنان یک میلیون تومان ثابت مانده است.

البته تیم اقتصادی دولت پزشکیان در آغاز طرح ارائه کالابریگ در دی ۴۰۴ وعده داده بودند رقم کالابریگ همزمان و همگام با افزایش تورم افزایش یابد اما همچنان شش ماه پس از اجرای این طرح، رقم کالابریگ افزایش نیافته است. پیش از این سخنگوی دولت و وزیر کار گفته بودند دولت برای افزایش رقم کالابریگ منابع کافی مالی در دست ندارد! روزنامه «چارسوق» گزارش داده «در بین دولتی‌ها، بانک مرکزی به ریاست عبدالناصر همتی، مخالف اصلی افزایش

رکورد تکاندهنده تورم در خردادماه؛ تورم نقطه‌ای به مرز ۹۰ درصد رسید



داده‌های استانی نشان‌دهنده ناهمگنی قابل توجه در نرخ تورم است. استان‌هایی مانند ایلام، هرمزگان و آذربایجان غربی تورم نقطه‌به‌نقطه بالاتر از ۱۰۰ درصد را تجربه کرده‌اند، در حالی که تهران در سطح حدود ۷۳ درصد قرار دارد.

این شکاف نشان می‌دهد اقتصاد ایران از منظر تورم یکپارچه نیست و در واقع مجموعه‌ای از اقتصادهای منطقه‌ای با شدت‌های متفاوت تورمی است. تفاوت در دسترسی به کالا، ساختار هزینه و شدت انتقال شوک‌های قیمتی از عوامل اصلی این ناهمگنی هستند.

روزنامه «جهان صنعت» با هشدار درباره چشم‌انداز تورم در اقتصاد ایران نوشته داده‌ها نشان می‌دهد اقتصاد از دوره نوسان‌های شدید ماه‌های قبل خارج شده و وارد فاز تثبیت شده است. اما این تثبیت به معنای کنترل تورم نیست، بلکه به معنای تثبیت نرخ‌های بالا است.

در ادامه مطلب «جهان صنعت» آمده ترکیب تورم ماهانه در محدوده ۵ تا ۶ درصد با تورم سالانه بالای ۶۰ درصد نشان می‌دهد اقتصاد وارد وضعیت تورم مزمن شده است؛ وضعیتی که در آن انتظارات تورمی نیز در سطح بالا تثبیت می‌شوند و بازگشت سریع به سطوح پایین بعید است.

روزنامه «جهان صنعت» تأکید کرده به طور کلی داده‌های خرداد ۱۴۰۵ نشان می‌دهد اقتصاد ایران در وضعیت تورم ساختاری پایدار با شوک‌های دوره‌ای سمت عرضه قرار دارد. در این وضعیت، عامل اصلی تورم نه صرفاً رشد نقدینگی، بلکه اختلال در زنجیره تأمین کالاهای اساسی و انتقال هزینه‌های واردات و تولید به مصرف‌کننده نهایی است.

این گزارش افزوده کاهش نرخ تورم ماهانه نشانه توقف شتاب نیست، بلکه نشان‌دهنده ورود به فاز تثبیت در سطح بالاست. در مقابل، افزایش تورم سالانه و نقطه‌ای نشان می‌دهد سطح قیمت‌ها همچنان در حال بازتنظیم به سمت بالا است. در چنین شرایطی، بدون اصلاح سمت عرضه کالاهای اساسی و کاهش گلوگاه‌های تولید و واردات، تورم در محدوده بالای ۶۰ تا ۹۰ درصدی قابلیت تثبیت دارد، حتی در صورت سیاست‌های انقباضی پولی.

تورمی به‌طور سیستماتیک بر دهک‌های پایین سنگین‌تر است، زیرا سهم خوراکی‌ها در سبد هزینه‌ای آنها بسیار بالاتر است و دقیقاً همین گروه با بیشترین تورم مواجه است. گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها با تورم سالانه ۹۰/۷ درصد، اصلی‌ترین پیشران افزایش قیمت‌ها بوده‌اند؛ در حالی که گروه غیرخوراکی‌ها و خدمات با ۴۷/۵ درصد در سطح پایین‌تری قرار دارند. این شکاف نشان می‌دهد تورم ایران در این مقطع بیش از آنکه ماهیت پولی یا تقاضامحور داشته باشد، ماهیت آشکار سمت عرضه دارد؛ یعنی ناشی از اختلال در تولید، واردات و زنجیره تأمین کالاهای اساسی. درون گروه خوراکی‌ها، شدت شوک‌ها کاملاً قابل توجه است. روغن‌ها و چربی‌ها با تورم ۲۷۸ درصدی، گوشت قرمز و سفید با ۱۷۱ درصد و لبنیات با ۱۵۲ درصد در صدر فشار قیمتی قرار دارند. این ارقام نشان می‌دهد با یک روند تدریجی مواجه نیستیم، بلکه با جهش‌های مقطعی در اقسام کلیدی مواجهیم که به‌صورت مستقیم شاخص کل را جابه‌جا می‌کنند. در مقابل، برخی اقسام مانند سبزیجات نقش تعدیل‌کننده داشته‌اند، اما وزن پایین آنها در سبد مصرفی مانع اثرگذاری معنادار شده است.

در بخش غیرخوراکی‌ها نیز الگوی متفاوتی دیده می‌شود. تورم پایین‌تر مسکن در سطح حدود ۳۵ درصد به معنای ثبات نیست، بلکه بیشتر نشانه عقب‌ماندگی نسبی این بخش در مقایسه با جهش‌های قبلی و انتقال فشار تورمی به کالاهای مصرفی روزمره است. در واقع، تورم از دارایی‌های سنگین به سمت هزینه‌های جاری خوار در حال حرکت است.

همچنین از مجموع ۵/۹۴ واحد درصد تورم ماهانه در خردادماه، حدود ۲/۸۷ واحد از خوراکی‌ها و ۳/۰۷ واحد از غیرخوراکی‌ها و خدمات ناشی شده است. این ترکیب نشان می‌دهد تورم خرداد ۱۴۰۵ صرفاً خوراکی‌محور نیست.

در واقع، خدمات و کالاهای غیرخوراکی نیز سهم تقریباً هم‌وزنی در تورم ماهانه داشته‌اند. در این میان، اقلامی مانند میوه، گوشت، روغن و همچنین برخی خدمات حمل‌ونقل و رستوران نقش مهمی در افزایش شاخص ایفا کرده‌اند.

- به گزارش مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه در خردادماه ۱۴۰۵ به ۸۸/۶ درصد رسیده است. این رقم به این معناست که خانوارهای کشور به طور میانگین ۸۸/۶ درصد بیشتر از خردادماه ۱۴۰۴ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.
- در خردادماه ۱۴۰۵ تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۵/۹ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۶/۸ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۵/۳ درصد بوده است.
- گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور را ۶۲ درصد اعلام کرده است که نسبت به ماه قبل، ۴/۳ واحد درصد افزایش یافته است.
- دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۶۰/۱ درصد برای دهک دهم، تا ۶۸/۵ درصد برای دهک دوم است. بر این اساس فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۸/۴ واحد درصد رسید که نسبت به ماه قبل (۷/۳ واحد درصد) ۱/۱ واحد درصد افزایش داشته است.
- استان‌هایی مانند ایلام، هرمزگان و آذربایجان غربی تورم نقطه‌ای بالاتر از ۱۰۰ درصد را تجربه کرده‌اند، در حالی که تهران در سطح حدود ۷۳ درصد قرار دارد. این شکاف نشان می‌دهد اقتصاد ایران از منظر تورم یکپارچه نیست و در واقع مجموعه‌ای از اقتصادهای منطقه‌ای با شدت‌های متفاوت تورمی است.

مرکز آمار ایران با ارائه گزارشی نرخ تورم خردادماه را اعلام کرد که بیانگر ثبت رکوردهایی جدید تورمی در تاریخ اقتصاد ایران و تشدید بحران معیشتی در میان خانوارها است.

به گزارش مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه، که بیانگر درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل است، در خردادماه ۱۴۰۵ به ۸۸/۶ درصد رسیده است. این رقم به این معناست که خانوارهای کشور به طور میانگین ۸۸/۶ درصد بیشتر از خردادماه ۱۴۰۴ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. تورم نقطه به نقطه خرداد ماه ۱۴۰۵ در مقایسه با ماه قبل، ۴/۳ واحد درصد افزایش داشته است.

همچنین در خردادماه ۱۴۰۵ تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۵/۹ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۶/۸ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۵/۳ درصد بوده است.

گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور را ۶۲ درصد اعلام کرده است که نسبت به ماه قبل، ۴/۳ واحد درصد افزایش یافته است. منظور از نرخ تورم سالانه، درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن است.

دامنه تغییرات نرخ تورم سالانه برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۶۰/۱ درصد برای دهک دهم، تا ۶۸/۵ درصد برای دهک دوم است. بر این اساس فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۸/۴ واحد درصد رسید که نسبت به ماه قبل (۷/۳ واحد درصد) ۱/۱ واحد درصد افزایش داشته است.

به عقیده کارشناسان این اختلاف نشان می‌دهد فشار

تابوت به جای وصیت‌نامه؛ جمهوری اسلامی در جستجوی مشروعیت پس از خامنه‌ای



اجرای مراسم است و وزارت خارجه برای حضور مقام‌های خارجی فعال می‌شود، این حضور می‌تواند نقش پوشش دیپلماتیک و بازدارندگی تصویری برای نظام ایفا کند. در فضایی که تهدیدهای امنیتی جدی گرفته می‌شود، حضور هیئت‌های خارجی می‌تواند هزینه هرگونه حادثه احتمالی را برای طرف‌های درگیر بالا ببرد و در عین حال به مقام‌های جمهوری اسلامی امکان دهد صحنه را بین‌المللی‌تر و کنترل‌شده‌تر نشان دهند. جمهوری اسلامی می‌خواهد نشان دهد تنها نیست؛ اما هرچه بیشتر برای غم‌ناک مشروعیت تلاش می‌کند، این پرسش پررنگ‌تر می‌شود: اگر مشروعیت وجود دارد، چرا باید با تابوت، تعطیلی، خیابان، سپاه و مهمان خارجی بازسازی شود؟ در کشوری که مردم زیر فشار جنگ، تورم، فقر، ناامنی و خستگی روانی زندگی می‌کنند، تعطیلی‌های چندروزه، بستن مسیرها و بسیج سازمان‌یافته جمعیت، بیش از آنکه نشانه اقتدار باشد، می‌تواند نشانه بی‌اعتنایی به زندگی روزمره مردم باشد. مردم نان، امنیت، دارو و آینده می‌خواهند؛ نه غم‌ناک‌های پرهزینه‌ای که برای پوشاندن بحران مشروعیت طراحی می‌شود.

تشییع فقط تشییع نیست. تابوت به جای وصیت‌نامه سخن می‌گوید. مسیر تشییع به جای مجلس خیرگان می‌نشیند. سپاه به جای متن، پیام می‌دهد. جمعیت سازمان‌یافته به جای رای مردم نشان داده می‌شود. این همان جایی است که مراسم مرگ به عملیات سیاسی تبدیل می‌شود؛ و هیچ تشییعی، هر قدر بزرگ، نمی‌تواند جای پاسخ را بگیرد.

نظامی که از وصیت‌نامه خمینی کتاب درسی ساخت، اگر امروز وصیت‌نامه خامنه‌ای را پنهان کند، خود به مردم می‌گوید در درون قدرت چیزی هست که نباید دیده شود. و اگر وصیت‌نامه‌ای در کار نیست، پرسش سنگین‌تر می‌شود: رهبری که برای مرگ دیگران بی‌محابا تصمیم گرفت، برای روز مرگ خود و آینده ایران چه باقی گذاشت جز خرابی و کشتار و فقر و فلاکت و ... ؟

شاید پاسخ را باید در همین سکوت جست؛ سکوتی که از هر وصیت‌نامه‌ای گویاتر است.

معرفی کند. در همین نقطه، نقش مجلس خیرگان باید روشن می‌شد. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، خیرگان نهادی است که باید در لحظه خلأ رهبری، تکلیف جانشینی را تعیین کند. اما آنچه دیده می‌شود، نه آرامش قانونی، بلکه چندصدایی و آشفتگی سیاسی است.

بیانیه ۶۶ عضو مجلس خیرگان و سپس واکنش دبیرخانه این مجلس، این بحران را آشکارتر کرد. ۶۶ عضو خیرگان با مخالفت با بازگشایی تنگه هرمز، خروج پرونده هسته‌ای از مذاکرات و «مهدورالدم» خواندن ترامپ و نتانیاهو، عملاً به جای توضیح درباره جانشینی و آینده قدرت، وارد میدان تهدید و بحران‌سازی شدند. یک روز بعد، دبیرخانه مجلس خیرگان این بیانیه را خارج از روال معمول و خلاف حفظ وحدت دانست؛ اما اصل محتوای آن را نیز صریحاً رد نکرد. این یعنی نهادی که باید در لحظه انتقال قدرت، صدای قانون باشد، خود گرفتار ابهام و شکاف شده است.

در چنین وضعی، غیبت وصیت‌نامه خامنه‌ای معنای بیشتری پیدا می‌کند. نه متن روشنی از رهبر پیشین منتشر شده، نه خیرگان صدای واحدی دارد، نه صحنه سیاسی از حضور سپاه خالی است. و حالا پرسش بزرگ‌تر:

مجتبی خامنه‌ای کجاست؟!

در هر نظام عادی، حضور پسر در مراسم مرگ پدر امری طبیعی است؛ اما در اینجا مسئله فقط خانوادگی نیست. مجتبی سال‌ها به‌عنوان چهره‌ی پشت پرده قدرت و یکی از نام‌های اصلی جانشینی مطرح بوده است. اگر در مراسم ظاهر نشود، غیبتش خود پیام سیاسی است که او هم مثل پدر و خانواده‌اش در محل کشته شده و ابهام باقی می‌ماند. اگر ظاهر شود، حضورش می‌تواند تلاشی برای تثبیت روایت رسمی باشد. حتی اگر پیام تصویری یا صوتی منتشر شود، باز پرسش اصلی باقی است: آیا این حضور واقعی قدرت است یا فقط مدیریت تصویر؟ و در هر صورت ضعف و درماندگی نظام با همه سر و صدای خود آشکار خواهد گشت.

از سوی دیگر، دعوت از مقام‌ها و هیئت‌های خارجی نیز فقط تشریفات دیپلماتیک نیست. وقتی سپاه مسئول

س. روزبه - سه پرسش ساده اما سنگین، این روزها پیش روی جمهوری اسلامی قرار دارد:

اگر علی خامنه‌ای وصیت‌نامه‌ای داشت، چرا در حساس‌ترین لحظه انتقال قدرت منتشر نمی‌شود؟ اگر مجلس خیرگان طبق قانون اساسی مسوول تعیین رهبر است، چرا در صحنه عمومی بیش از خیرگان، سپاه و ستادهای امنیتی دیده می‌شود؟ و اگر مجتبی خامنه‌ای در مرکز معادله قدرت قرار دارد، چرا حضور یا غیبت او خود به یک معمای سیاسی و ابهام تبدیل شده است؟

این پرسش‌ها از سر کنجکاوی نیست. نظامی که پس از مرگ خمینی، وصیت‌نامه او را به متن درسی، سند تبلیغاتی و ابزار مشروعیت تبدیل کرد، اکنون درباره وصیت‌نامه رهبر دوم خود سکوتی معنادار دارد. تا این لحظه، متن مکتوب و رسمی‌ای از وصیت‌نامه سیاسی خامنه‌ای منتشر نشده است. همین غیبت، در ساختاری که همیشه از متن، تصویر و مراسم برای تولید مشروعیت استفاده کرده، خود پرسش‌برانگیز است. خامنه‌ای مردی نبود که مرگ را نمی‌شناخت. او ۸۶ ساله بود و سال‌ها در رأس نظام دیکتاتوری نشست که برای زندگی و مرگ میلیون‌ها ایرانی تصمیم گرفت. (از جمله ممنوعیت ورود واکسن‌های آمریکایی و انگلیسی و کشتار معترضان در اعتراضات که با دستور او صورت گرفت) آیا می‌توان پذیرفت چنین فردی برای روز پس از خود هیچ متن یا وصیتی آماده نکرده باشد؟

اگر وصیت‌نامه‌ای وجود دارد، چرا خوانده نمی‌شود؟ شاید در آن درباره جانشینی، سپاه، مذاکره با غرب، جنگ یا آینده جمهوری اسلامی نکته‌های آمده که با آرایش تازه قدرت نمی‌خواند. شاید هم متن چنان کلی و بی‌اثر است که نمی‌تواند به کار مشروعیت‌سازی بیاید. در هر دو حالت، سکوت برای نظام کم‌هزینه‌تر از انتشار است.

اما احتمال سوم شاید مهم‌تر باشد: خامنه‌ای عمداً ابهام باقی گذاشته است. در ساختارهای امنیتی، گاهی ابهام از سند مفیدتر است. سند، دست جناح‌ها را می‌بندد؛ اما ابهام اجازه می‌دهد هر گروه خود را ادامه‌دهنده «راه رهبر»

تورم مواد غذایی در دولت پزشکیان ۵/۵ برابر شد؛ تیم اقتصادی دولت نتایج عملکرد خود را گردن نمی‌گیرد!



● از زمان شروع به کار دولت پزشکیان، نرخ تورم نقطه به نقطه مواد غذایی ۱۰۹/۵ واحد درصد بیشتر شده و از ۲۴/۴ درصد در مرداد ۱۴۰۳ به ۱۳۳/۹ درصد در خرداد امسال رسیده است. به عبارت دیگر تورم غذا از ابتدای تشکیل دولت مسعود پزشکیان تا کنون ۵/۵ برابر شده است.

● مقایسه قیمت ۵۲ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوارها در اردیبهشت امسال با قیمت‌های قبل از حذف ارز ترجیحی (قیمت‌های آذرماه ۱۴۰۴) از افزایش به طور میانگین ۵۷ درصدی قیمت این مواد غذایی حکایت دارد.

بر اساس گزارش مرکز آمار، از زمان شروع به کار دولت پزشکیان، نرخ تورم نقطه به نقطه کل کالاهای مصرفی با ۵۷ واحد درصد افزایش از ۳۱/۴ درصد در مرداد ۱۴۰۳ به ۸۸/۶ درصد در خرداد ۱۴۰۵ افزایش پیدا کرده است. همچنین نرخ تورم نقطه به نقطه مواد غذایی نیز در این مدت ۱۰۹/۵ واحد درصد بیشتر شده و از ۲۴/۴ درصد در مرداد ۱۴۰۳ به ۱۳۳/۹ درصد در خرداد امسال رسیده است. به عبارت دیگر تورم غذا از ابتدای تشکیل دولت مسعود پزشکیان تا کنون ۵/۵ برابر شده است.

در خرداد ۱۴۰۳ که تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری شروع شد، مسعود پزشکیان به شدت از نرخ تورم در دولت ابراهیم رئیسی انتقاد می‌کرد. عبدالناصر همتی رئیس‌کل بانک مرکزی دولت پزشکیان نیز در اردیبهشت ۱۴۰۳ خواستار عذرخواهی ابراهیم رئیسی از مردم بابت بالا بودن نرخ تورم شده بود.

اکنون برخلاف ادعاهای مقامات دولت پزشکیان در روزهای انتخابات و نخستین هفته‌های تشکیل دولت، نه تنها تورم با سرعت بیشتری افزایش یافته بلکه تورم کالاهایی که به‌طور مستقیم معیشت اقشار کم‌درآمدتر را هدف قرار می‌دهد، مانند مواد غذایی و دارو و آموزش، در صدر فهرست تورم گروه‌های مختلف کالایی قرار گرفته است.

از سوی دیگر یکی از مهمترین دلایل افزایش قیمت‌ها در شش ماه گذشته اجرای سیاست‌های ارزی تیم اقتصادی دولت پزشکیان است؛ تیمی که عبدالناصر همتی رئیس‌کل کنونی بانک مرکزی و وزیر اقتصاد پیشین دولت هدایت آن را به‌عهده دارد.

دولت از اواخر پاییز و با ادعای اجرای طرح تک نرخی کردن ارز در ایران ارز ترجیحی -ارز با نرخ دولتی برای واردات کالاهای اساسی- را حذف کرد و از سوی دیگر قیمت‌ها در بازار ارز تجاری -بازاری که واردکنندگان کالا ارز مورد نیاز خود را از آن بازار تأمین می‌کردند- به قیمت ارز در بازار آزاد نزدیک کرد. این دو اقدام به سرعت هزینه واردات مواد اولیه و کالاها را افزایش داد و قیمت تمام شده کالاها در بازار داخلی را تا چند برابر افزایش داد.

مرتضی محمودی، عضو کمیسیون ویژه جهش و رونق تولید مجلس شورای اسلامی، در اینباره گفته «قطعاً مهم‌ترین دلیل این افزایش قیمت وحشتناک و سرسام‌آور کالاها همان سیاست حذف ارز ترجیحی دولت در دی‌ماه ۱۴۰۴ است. جای تأسف است که برخی از اعضای هیات رئیسه و نمایندگان مجلس هم در پیشبرد این طرح با دولت همکاری کرده‌اند و امروز این عزیزان هم باید پاسخگوی این موج گرانی‌ها باشند.»

مبلغ کالابرگ است. بانک مرکزی افزایش مبلغ کالابرگ را تورم‌زا می‌داند. رسانه‌های متعلق به بانک مرکزی هم در روزهای اخیر در همین راستا گزارش‌هایی درباره تورم‌زا بودن افزایش مبلغ کالابرگ منتشر کرده و حتی خواستار توقف پرداخت کالابرگ به همه مردم و کاهش جامعه دریافت‌کننده کالابرگ شدند.»

حسینعلی حاجی دلیگانی، نماینده مجلس شورای اسلامی، معتقد است دولت هنگام اجرای طرح تک نرخی کردن ارز پیامدهای آن را پیش‌بینی نکرده بود: «جراحی اقتصادی صورت گرفته در دولت آقای پزشکیان حتی همان آمادگی اولیه را هم نداشت و به یک‌باره شکم اقتصاد بیمار ایران را شکافتند. وقتی ارز نهاده‌های دامی از ۲۸۵۰۰ تومان به یک‌باره به ۱۳۳۰۰۰ و اخیراً به ۱۴۸۰۰۰ تومان برسد خوب معلوم است چه رخ خواهد داد. دولت پزشکیان عواقب خطرناک این آزادسازی ارزی بر اقتصاد ایران را پیش‌بینی نکرده بود. در حالی که معلوم بود که مرغ، تخم‌مرغ، گوشت، شیر، لبنیات و صدها محصول دیگر از این آزادسازی نرخ ارز تأثیر پذیرفته و گران خواهند شد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «اگر نگاه دقیق‌تری به صحنه بیندازیم از روزی که دکتر همتی به بانک مرکزی بازگشت تا پیش از آغاز جنگ ۴۰ روزه، قیمت ارز ۳۰ درصد افزایش یافت اما پس از آغاز جنگ قیمت ارز همان طور که پیش‌تر گفتم کاهش شد و در نهایت پس از آتش‌بس هم شاهد افزایش قیمت ارز بودیم. البته مسئولان باید پاسخ دهند که وقتی داریم نفت بیشتری می‌فروشیم؛ قیمت این نفت هم دو برابر دوران پیش از جنگ ۴۰ و حدود ۱۰۰ دلار برای هر بشکه است و ارز آن هم به‌موقع به دست ما می‌رسد چرا بازار ارز دچار این وضعیت است؛ بنابراین من شرایط بازار ارز را طبیعی و منطقی نمی‌دانم.» با اینهمه مقامات دولت پزشکیان حاضر به پذیرش مسئولیت اقدامات خود نیستند و همچنان با تکیه بر دو واژه «جنگ» و «تحریم» در تحلیل‌ها و توضیحات‌شان به فرافکنی مشغول هستند.

همزمان با اجرای سیاست تک نرخی کردن ارز توسط عبدالناصر همتی، اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ نیز رقم خورد. دولت مدعی شد برای کاهش فشار افزایش قیمت‌ها که در نتیجه اجرای این طرح اتفاق می‌افتد، پارانه جدیدی را معادل یک میلیون تومان برای هر نفر در قالب کالابرگ -یا همان کوپن- به حدود ۶۰ میلیون نفر از جمعیت کشور ارائه می‌کند. این طرح هم اما در کمتر از شش ماه با شکست روبرو شد. تورم فزاینده موادخوراکی در مدت کوتاه سبب کاهش ارزش پارانه توزیعی شد و شهروندان در سومین ماه توزیع کالابرگ سبد مواد غذایی بسیار کوچکتری را نسبت به ماه نخست دریافت می‌کردند.

بر اساس داده‌های مرکز آمار، مقایسه قیمت ۵۲ قلم مواد غذایی پرمصرف خانوارها در اردیبهشت امسال با قیمت‌های قبل از حذف ارز ترجیحی (قیمت‌های آذرماه ۱۴۰۴) از افزایش به طور میانگین ۵۷ درصدی قیمت این مواد غذایی حکایت دارد.

مجموع هزینه‌ای که برای خرید این ۵۲ قلم مواد غذایی پرمصرف تا قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی باید صرف می‌شد ۱۲۰۴ میلیون تومان بود. اما برای خرید همان ۵۲ قلم مواد غذایی در اردیبهشت امسال باید ۱۹۰۴ میلیون تومان پول پرداخت می‌شد. به عبارت دیگر هزینه خرید این ۵۲ قلم مواد غذایی پرمصرف نسبت به دوره قبل از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی حدود ۷ میلیون تومان بیشتر شده است. این در حالی است که مبلغ کالابرگی که دولت به هر نفر داده همچنان یک میلیون تومان ثابت مانده است.

البته تیم اقتصادی دولت پزشکیان در آغاز طرح ارائه کالابرگ در دی ۴۰۴ وعده داده بودند رقم کالابرگ همزمان و همگام با افزایش تورم افزایش یابد اما همچنان شش ماه پس از اجرای این طرح، رقم کالابرگ افزایش نیافته است. پیش از این سخنگوی دولت و وزیر کار گفته بودند دولت برای افزایش رقم کالابرگ منابع کافی مالی در دست ندارد! روزنامه «چارسوق» گزارش داده «در بین دولتی‌ها، بانک مرکزی به ریاست عبدالناصر همتی، مخالف اصلی افزایش



جاماندن ۸۴ درصد مردم ایران از بازار مسکن؛ کارگران ناتوان از پرداخت اقساط ۱۲ تا ۱۴ میلیون تومانی

● بر اساس آخرین نتایج افکارسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۸۴ درصد پاسخگویان در آبان‌ماه ۱۴۰۴ اعلام کرده‌اند که «اصلاً احتمال ندارد» طی یک سال آینده مسکن جدیدی خریداری کنند.

● این افکارسنجی همچنین نشان می‌دهد ۷۹/۷ درصد از مالکان مسکن نیز اعلام کرده‌اند که در یک سال آینده قصد تعویض واحد مسکونی خود را ندارند؛ آماری که از رکود عمیق معاملات و کاهش تحرک در بازار حکایت دارد.

● افزایش انتظار خرید خانه برای ایرانیان شاغل به بیش از ۱۰۰ سال سبب شده بسیاری از خانوارها خانه‌دار شدن را به فراموشی بسپارند و از سوی دیگر میلیون‌ها خانوار مستأجر حتی از پرداخت اجاره‌بهای مسکن نیز ناتوان هستند.

● دولت در سال جاری سقف تسهیلات ودیعه مسکن را برای مستأجران تهرانی به ۳۶۵ میلیون تومان افزایش داده است؛ اما نرخ سود ۲۳ درصدی این تسهیلات موجب شده بسیاری از متقاضیان توان استفاده از آن را نداشته باشند.

افکارسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد چشم‌انداز خانه‌دار شدن برای بخش قابل توجهی از جامعه بیش از هر زمان دیگری دور از دسترس شده و بسیاری از خانوارها حتی به خرید یا تعویض مسکن در آینده نزدیک نیز امید ندارند.

بر اساس آخرین نتایج افکارسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۸۴ درصد پاسخگویان در آبان‌ماه ۱۴۰۴ اعلام کرده‌اند که «اصلاً احتمال ندارد» طی یک سال آینده مسکن جدیدی خریداری کنند. همچنین مقایسه پیمایش‌های انجام‌شده از آبان ۱۴۰۰ تا آبان ۱۴۰۴ نشان می‌دهد سهم افرادی که خرید مسکن را در کوتاه‌مدت غیرممکن می‌دانند، در اغلب دوره‌ها تقریباً ثابت و در سطحی نگران‌کننده باقی مانده است.

این افکارسنجی همچنین نشان می‌دهد ۷۹/۷ درصد از مالکان مسکن نیز اعلام کرده‌اند که در یک سال آینده قصد تعویض واحد مسکونی خود را ندارند؛ آماری که از رکود عمیق معاملات و کاهش تحرک در بازار حکایت دارد.

خبرگزاری «مهر» در گزارشی با اشاره به آمارهای ارائه شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشته بازار مسکن همچنان با چالش‌های ساختاری متعددی مواجه است؛ چالش‌هایی که از یک سو به کمبود عرضه و ضعف سیاست‌های حمایتی بازمی‌گردد و از سوی دیگر تحت تأثیر رشد انتظارات تورمی و فعالیت‌های سوداگرانه قرار دارد. در چنین شرایطی بسیاری از کارشناسان معتقدند سیاست‌گذاری در حوزه مسکن نیازمند بازنگری جدی و حرکت به سمت راهکارهای پایدار برای حمایت از مستأجران و افزایش عرضه مسکن است.

مشخص شود که هزاران کارگر سال‌ها پیش در آن ثبت‌نام کرده و همچنان چشم‌انتظار تحویل واحدهای مسکونی خود هستند؛ پروژه‌هایی که قرار بود در مدت کوتاهی به سرانجام برسند اما با گذشت سال‌ها، هنوز بسیاری از آنها تکمیل نشده‌اند.

محمدرضا همایونی، فعال کارگری، گفته من خودم به عنوان یک کارگر در سال ۱۳۹۸ در طرح مسکن ملی ثبت‌نام کردم. دو مرحله واریزی را در سال ۱۳۹۹ انجام دادم و حدود ۸۰ میلیون تومان پرداخت کردم. پس از آن نیز چند مرحله دیگر واریزی داشتم، اما تا امروز پس از حدود هفت سال، پروژه‌ای که در آن ثبت‌نام کرده‌ام تنها حدود ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. این فعال کارگری با اشاره به وعده‌های اولیه اجرای این طرح گفت: در ابتدا شنیده بودیم که واحدهای مسکن ملی ظرف حدود دو سال تحویل داده می‌شوند. در آن زمان قرار بود با آورده حدود ۳۵۰ میلیون تومانی متقاضی و پرداخت تسهیلات دولتی ۲۰۰ میلیون، پروژه‌ها به پایان برسند؛ اما به مرور زمان، به دلیل تورم و تأخیر در ساخت، هزینه‌ها افزایش پیدا کرد.

محمدرضا همایونی گفته ابتدا تسهیلات افزایش یافت و در مقابل آورده متقاضی نیز بیشتر شد؛ به طوری که آورده‌ای که قرار بود حدود ۳۵۰ میلیون تومان باشد، به حدود ۵۰۰ میلیون تومان رسید و سپس تا حدود ۶۵۰ میلیون تومان افزایش یافت و امروز در برخی موارد به حدود ۹۰۰ میلیون تومان رسیده است. همزمان میزان تسهیلات نیز از حدود ۳۵۰ میلیون تومان به ۵۵۰ و سپس ۶۵۰ میلیون تومان افزایش پیدا کرد.

این فعال کارگری با انتقاد از سنگینی اقساط این تسهیلات گفته «امروز کارگری که باید ماهانه حدود ۱۲ تا ۱۴ میلیون تومان قسط وام پرداخت کند، چگونه می‌تواند از پس این هزینه‌ها بر بیاید؟ مگر حقوق یک کارگر چقدر است که بتواند چنین تعهدی را بپذیرد؟»

این فعال کارگری افزود «من در سال ۱۳۹۹ مبالغی را پرداخت کردم اما امروز معتقدم اگر همان زمان، آن پول صرف خرید دارایی دیگری مانند طلا شده بود، ارزش آن تا امروز حفظ می‌شد. اکنون سؤال این است که چه کسی باید پاسخگوی کاهش ارزش پول مردم و تأخیر چندین ساله در تحویل واحدها باشد؟»

همانطور که خبرگزاری «مهر» اشاره کرده سیاست‌های حمایتی دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته نتوانسته بحران بازار مسکن را حل کند و یا حتی کاهش دهد. افزایش انتظار خرید خانه برای ایرانیان شاغل به بیش از ۱۰۰ سال سبب شده بسیاری از خانوارها خانه‌دار شدن را به فراموشی بسپارند و از سوی دیگر میلیون‌ها خانوار مستأجر حتی از پرداخت اجاره‌بهای مسکن نیز ناتوان هستند.

دولت در سال جاری سقف تسهیلات ودیعه مسکن را برای مستأجران تهرانی به ۳۶۵ میلیون تومان افزایش داده است؛ اما نرخ سود ۲۳ درصدی این تسهیلات موجب شده بسیاری از متقاضیان توان استفاده از آن را نداشته باشند.

بر این اساس، دریافت‌کنندگان وام ودیعه ۳۶۵ میلیون تومانی باید ماهانه بیش از ۱۰ میلیون تومان قسط پرداخت کنند؛ رقمی که در کنار هزینه اجاره‌بها و سایر مخارج زندگی، فشار مضاعفی بر خانوارهای مستأجر وارد می‌کند.

به باور کارشناسان، اگرچه وام ودیعه مسکن می‌تواند بخشی از نیاز مالی مستأجران را جبران کند، اما شرایط فعلی بازپرداخت و نرخ سود آن با توان اقتصادی بخش قابل توجهی از جامعه همخوانی ندارد و همین مسئله اثر بخشی این سیاست حمایتی را با چالش مواجه کرده است. خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی با نقد طرح‌های حمایتی دولت از جمله طرح «مسکن ملی» که قرار بود اقشار کم‌درآمد را خانه‌دار کند، از شکست این طرح‌ها خبر داده است.

در این گزارش آمده طی سال‌های گذشته دولت‌ها با اجرای طرح‌هایی مانند مسکن ملی و مطرح کردن برنامه‌های مسکن کارگری، بارها وعده‌های رنگارنگ برای حمایت از اقشار کم‌درآمد را مطرح کرده‌اند؛ اما تجربه اجرای این طرح‌ها نشان می‌دهد که این حمایت‌ها به دلیل افزایش مداوم هزینه‌های ساخت، طولانی شدن زمان اجرای پروژه‌ها، بالا رفتن آورده متقاضیان و اقساط سنگین بانکی، نتوانسته پاسخگوی نیاز بخش بزرگی از کارگران و اقشار ضعیف باشد.

این گزارش افزوده در حالی که بارها از آغاز طرح‌های جدید مسکن کارگری و امضای تفاهم‌نامه‌های تازه سخن گفته شده، بسیاری از فعالان کارگری معتقدند قبل از ارائه برنامه‌های جدید، باید سرنوشت پروژه‌های نیمه‌تمامی



کاهش تکانه‌دهنده نرخ مشارکت اقتصادی در ایران؛ زنان قربانیان آشفتگی در بازار کار

● نرخ مشارکت اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۴ به ۴۰/۶ درصد رسید که کمترین میزان در یک دهه اخیر است. نزدیک به ۷۳ درصد جمعیت غیرفعال کشور را زنان تشکیل می‌دهند.

● در حالی که نرخ مشارکت مردان به ۶۷/۲ درصد می‌رسد، مشارکت زنان تنها ۱۲/۲ درصد است. سال گذشته ۲۰۰ هزار زن نه تنها شغل خود را از دست داده‌اند، بلکه به‌طور کامل از چرخه جست‌وجوی کار خارج شده‌اند.

● کارشناسان علت پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران را مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، اقتصادی و ساختاری می‌دانند؛ از جمله شکاف میان آموزش و اشتغال، مسئولیت‌های خانوادگی، کمبود خدمات مراقبتی، شرایط نامساعد بازار کار و محدود بودن فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان تحصیل‌کرده.

آمارها نشان می‌دهند نرخ مشارکت اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۴ به ۴۰/۶ درصد رسید که کمترین میزان در یک دهه اخیر است. همچنین ۲۰۰ هزار زن در این سال نه تنها شغل خود را از دست داده‌اند، بلکه به‌طور کامل از چرخه جست‌وجوی کار خارج شده‌اند.

آمارها نشان می‌دهد بیش از ۴۰ میلیون نفر از جمعیت در سن اشتغال ایران، خارج از بازار کار قرار دارند. بر اساس آمارهای رسمی نرخ مشارکت اقتصادی در ایران طی زمستان ۱۴۰۴ تنها ۳۹/۷ درصد بوده، در حالی که میانگین جهانی آن حدود ۶۱/۱ درصد برآورد می‌شود.

در ایران از میان بیش از ۶۶ میلیون نفر جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر، تنها حدود ۲۶ میلیون نفر در بازار کار حضور دارند و نزدیک به دو میلیون نفر از آنها بیکار هستند. این بدان معناست که بیش از ۴۰ میلیون نفر از جمعیت در سن اشتغال، خارج از بازار کار قرار دارند. اقتصاددانان نرخ مشارکت بالای ۶۰ درصد را مطلوب می‌دانند و کاهش آن به زیر ۵۰ درصد را نشانه‌ای نگران‌کننده برای اقتصاد تلقی می‌کنند.

همچنین بر اساس این آمار نزدیک به ۷۳ درصد جمعیت غیرفعال کشور را زنان تشکیل می‌دهند. از میان حدود ۳۳ میلیون زن ۱۵ ساله و بالاتر، تنها چهار میلیون نفر در بازار کار مشارکت دارند و بیش از ۲۹ میلیون نفر خارج از بازار کار هستند. همچنین نرخ بیکاری زنان فعال حدود ۱۵ درصد برآورد می‌شود.

نرخ مشارکت زنان در ایران در مقایسه با کشورهای منطقه نیز پایین است. همچنین در حالی که نرخ مشارکت مردان به ۶۷/۲ درصد می‌رسد، مشارکت زنان تنها ۱۲/۲ درصد است. کارشناسان علت این وضعیت را مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، اقتصادی و ساختاری می‌دانند؛ از جمله شکاف میان آموزش و اشتغال، مسئولیت‌های خانوادگی،

سوی جمهوری اسلامی نیز نشان می‌دهد، زنان قربانیان اصلی آشفتگی در بازار کار ایران هستند. این موضوع از سوی زهرا کریمی استاد اقتصاد دانشگاه مازندران که با خبرگزاری «اپلنا» گفتگو کرده نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

این استاد دانشگاه با اشاره به موج اخراج نیروی کار با بروز تنش‌های اقتصادی در سالهای اخیر رخ داده گفته «در بازار کار، اولین قربانی تعدیل، زنان شاغل هستند. در سال ۱۴۰۳ تعدیل نیروی کار به شکل گسترده در اولین موج خود شروع شد. بسیاری از بیمه‌شدگان اصلی از ۱۴۰۳ تا امروز بیکار شده‌اند که جمعیت خالص آن حداقل ۱۵۰ هزار نفر است. زنان بیکار شده در این سه موج که در این سه سال پیاپی دیدیم، عمدتاً به زنان خانه‌دار بدل شدند. زن‌ها به صورت سنتی وقتی بیکار می‌شوند، در سیستم آماری کشور ذیل زن خانه‌دار یا دانشجو دسته‌بندی شده و از ذیل محاسبه نرخ بیکاری خارج می‌شوند و جمعیت انبوه غیرفعال اقتصادی که فاقد مشارکت اقتصادی هستند را افزایش می‌دهند؛ در مقابل اما مردان در زمان بیکاری حتی ناچار به دست‌فروشی، رانندگی یا هر کار دیگری برای گذران زندگی خانواده هستند و نمی‌توانند باوجود بیکاری «غیر فعال» محسوب شوند.»

زهرا کریمی همچنین توضیح داده که «بازار کار در بسیاری از حوزه‌های کشور به ویژه در استان‌های سنتی‌تر، به شدت مردانه است. بسیاری از بیکاران به دلیل جستجوی طولانی مدت شغل مناسب، عملاً به مرور ذیل جمعیت فاقد مشارکت اقتصادی دسته‌بندی شده و از آستانه بازار کار به عنوان بیکار خارج می‌شوند. وقتی نرخ مشارکت اقتصادی کاهش می‌یابد، یک روند ثابت رخ می‌دهد و آن این است که زنان و جوانان تحت عنوان جمعیت غیرفعال به‌عنوان دانشجو و خانه‌دار یا پشت کنکوری یا فرد در آستانه ازدواج، از جمعیت بیکار به جمعیت فاقد مشارکت اقتصادی (غیرفعال) تبدیل می‌شوند.»

برخی تحلیلگران نیز معتقدند تورم شدید و افزایش هزینه‌های رفت‌وآمد و هزینه نگهداری کودک در مهدکودک سبب بی‌اثر شدن دستمزدهای پایین شده است. این وضعیت باعث شده ماندن در بازار کار برای بسیاری از زنان صرف اقتصادی نداشته باشد و ناامیدی عمیق از نبود امنیت شغلی، آن‌ها را به ترک دائمی محیط کار هدایت کرده است.

کمبود خدمات مراقبتی، شرایط نامساعد بازار کار و محدود بودن فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان تحصیل‌کرده.

از سوی دیگر یافته‌های نظرسنجی در پلتفرم «جاب‌ویژن» که یکی از بزرگترین پلتفرم‌های کاریابی در ایران است نشان می‌دهد ۷۴ درصد کارجویان این مجموعه برای مدیریت حقوق دریافتی خود در قیاس با تورم، هزینه‌های زندگی خود را کاهش داده‌اند. نتایج نظرسنجی جدید «جاب‌ویژن» نشان می‌دهد فرصت‌های شغلی بیشتر و ثبات اقتصادی، مهم‌ترین نیازهای کارجویان برای عبور از شرایط اخیر است. در همین حال، بخش قابل توجهی از کارجویان برای مدیریت این شرایط، به کاهش هزینه‌های زندگی، جست‌وجوی فرصت‌های شغلی جدید و یادگیری مهارت‌های کاربردی روی آورده‌اند.

براساس این نظرسنجی، ۶۶ درصد کارجویان، با انتقاد از کمبود مشاغل خوب، فرصت‌های شغلی بیشتر را یکی از مهم‌ترین نیازهای خود دانسته‌اند. ثبات اقتصادی نیز با همین میزان، در کنار فرصت‌های شغلی بیشتر، پرتکرارترین نیاز کارجویان بوده است. پس از این دو گزینه، حمایت مالی یا وام با ۴۳ درصد در رتبه بعدی قرار دارد.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد اگرچه نیازهای اقتصادی همچنان در اولویت کارجویان قرار دارد، اما حمایت روانی و توجه به سلامت روان نیز برای بخشی از آن‌ها به یکی از نیازهای مهم در شرایط اخیر تبدیل شده است؛ ۳۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، حمایت روانی و سلامت روان را یکی از نیازهای خود اعلام کرده‌اند. آموزش مهارت‌های کاربردی با ۲۳ درصد و دسترسی به اطلاعات و تحلیل بازار با ۱۴ درصد، دیگر نیازهایی هستند که از سوی پاسخ‌دهندگان انتخاب شده‌اند.

همچنین ۲۷ درصد از کارجویان، یادگیری مهارت جدید را یکی از مهم‌ترین راه‌های سازگاری با شرایط اخیر دانسته‌اند. اقدام برای مهاجرت و انجام پروژه‌های فریلنسری نیز به‌ترتیب با ۱۲ و ۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند؛ این اطلاعات حاکی از آن است که اغلب کسانی که راغب به یافتن شغل هستند، میان توانایی‌ها و مهارت خود و واقعیت‌های اقتصادی بازار کار و فرصت‌های موجود، تناسبی نمی‌بینند!

در این میان همانطور که آمارهای رسمی ارائه شده از

تنش آبی در ۵۸ شهر و صدها روستای ایران



یافته است اما کارشناسان افزایش بارندگی یا افزایش میزان آب ذخیره پشت سدها را به معنای عبور از بحران کم‌آبی ارزیابی نمی‌کنند. در همین رابطه علی سیف‌الدینی گفته نرمل بودن بارندگی در مقیاس کشور، لزوماً به معنای بهبود وضعیت منابع آب استان البرز نیست. بارش تنها یکی از مؤلفه‌های ارزیابی وضعیت آب است و برای قضاوت درباره پایداری منابع آب باید شاخص‌هایی مانند وضعیت آبخوان‌ها، روند افت سطح آب زیرزمینی، کسری مخزن، ذخایر سدها و میزان برداشت از منابع نیز بررسی شوند.

این پژوهشگر تأکید کرده بارشی که امسال از دست رفته، دیگر قابل جبران نیست و تداوم کم‌بارشی در سال‌های آینده می‌تواند فشار بیشتری بر منابع آب وارد کند. سد پر و بارش کم، آرامش کاذب است، نه آمار خوب.

علی سیف‌الدینی توضیح داده ریشه این مشکل عمیق‌تر از کسری بارش است. اگرچه مدیریت حوضه آبریز در اسناد و قوانین کشور مورد تأکید قرار گرفته، اما در بسیاری از تصمیم‌های اجرایی، ملاحظات استانی و بخشی بر مدیریت یکپارچه حوضه‌های آبریز غلبه دارد. مرز استان سیاسی است و مرز حوضه آبریز طبیعی؛ و وقتی این دو با هم همخوانی ندارند، میانگین ملی دیگر هیچ معنایی ندارد. بارش در جای درست نمی‌بارد و این را طبیعت تعیین می‌کند. اما اینکه منابع کجا برود، کی برسد، و چه کسی اول تشنه ماند، این را سیاست تعیین می‌کند.

او در ادامه گفته وقتی انتقال آب بین حوضه‌ها، توسعه صنایع آب‌بر بدون آمایش سرزمین و رشد نامتوازن شهرها بدون برنامه‌های اشتراک می‌افتد، دیگر حتی حوضه‌های پرآب هم امن نیستند. الگوی بارش در ایران نامنظم است؛ حوضه پرآب امروز، خشک فرداست.

به گفته این کارشناس، ایران در بسیاری از حوضه‌های آبریز با نشانه‌های آشکار ورشکستگی آبی و ناترازی مزمن منابع و مصارف آب مواجه است. بنابراین میانگین بارش ملی و آمار پرشدگی چند صد می‌تواند این واقعیت را پنهان کند و نباید با چند عدد دل خوش بود و خبرهای امیدوارکننده اشتباه به مردم داد.

تیرماه ۱۴۰۵) به منظور تأمین آب شرب، کشاورزی، صنعت، تولید انرژی برق آبی و مباحث زیست‌محیطی، ۲۹ میلیارد و ۴۱۰ میلیون مترمکعب آب از سدهای کشور رهاسازی شده است که نسبت به خروجی ۲۴ میلیارد و ۳۸۰ میلیون مترمکعبی آب در مدت مشابه سال آبی قبل از سدها، رشدی ۲۱ درصدی را نشان می‌دهد.

در زمان حاضر با وجود ۳۳ میلیارد و ۹۱۰ میلیون مترمکعب آب ذخیره‌شده در سدهای کشور، ۶۵ درصد ظرفیت مخازن سدها پر و ۳۵ درصد این ظرفیت خالی است. کمبود آب تأمین آب آشامیدنی برای شهرها و روستاهای مناطقی از کشور را با مشکل روبرو کرده است و صدها روستا و محله‌هایی از شهرهای مختلف با تانکر آبرسانی می‌شوند. روزنامه «ایران» گزارش داده در شرایطی که بحران آب و تداوم خشکسالی‌های گسترده، تأمین آب شرب پایدار در مناطق روستایی کشور را به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های توسعه‌ای تبدیل کرده است.

بر اساس این گزارش تنها در استان سیستان و بلوچستان دو هزار و هشت روستا با جمعیتی بالغ بر یک میلیون و ۱۸ هزار نفر در سطح استان لوله‌کشی آب ندارند و در حال حاضر ۳۰۵ روستا با تانکر آبرسانی می‌شوند. در دیگر روستاها مردم از طریق هوتک‌ها و قنات‌ها آب مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند.

در روستاهای دیگر استان‌ها از جمله خوزستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام و همدان نیز مردم با قطع و کمبود آب روبرو هستند و آبرسانی در این روستاها با تانکر انجام می‌شود.

در همین حال علی سیف‌الدینی پژوهشگر حوزه منابع آب و هیدرولوژی در گفتگو با خبرنگاری «ایسنا» با اشاره به انباشت سال‌ها خشکسالی، برداشت بیش از ظرفیت تجدیدپذیر و ناترازی میان منابع و مصارف آب است، گفت: نرمل بودن بارندگی در مقیاس کشور، لزوماً به معنای بهبود وضعیت منابع آب استان البرز نیست. بارش تنها یکی از مؤلفه‌های ارزیابی وضعیت آب است.

در حالیکه در هفته‌های گذشته میزان بارندگی در مناطق مختلف ایران از جمله استان‌های البرز و تهران افزایش

● هاشم امینی، رئیس هیئت مدیره شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور، اعلام کرده ۵۸ شهر در ۲۳ استان با تنش منابع آبی روبرو هستند. او با اشاره به اینکه ایران شش سال است با خشکسالی پیاپی روبرو بوده است گفته «با وجود بهبود بارندگی در برخی مناطق، استان‌های تهران، مرکزی، همدان و همچنین شهر مشهد همچنان با تنش آبی روبرو هستند.»

● کمبود آب تأمین آب آشامیدنی برای شهرها و روستاهای مناطقی از کشور را با مشکل روبرو کرده است و صدها روستا و محله‌هایی از شهرهای مختلف با تانکر آبرسانی می‌شوند.

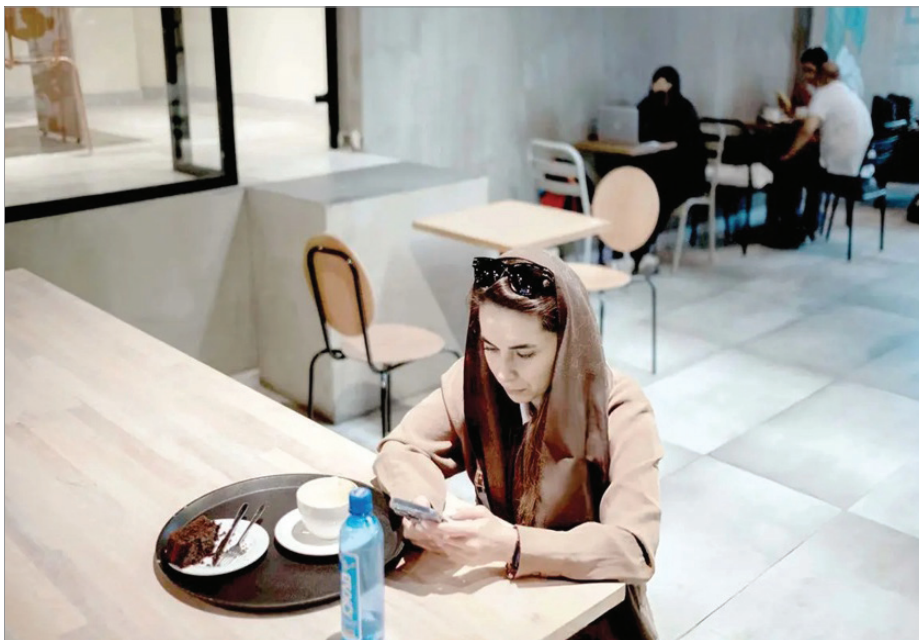
● علی سیف‌الدینی پژوهشگر حوزه منابع آب و هیدرولوژی گفته ایران در بسیاری از حوضه‌های آبریز با نشانه‌های آشکار ورشکستگی آبی و ناترازی مزمن منابع و مصارف آب مواجه است. بنابراین میانگین بارش ملی و آمار پرشدگی چند صد می‌تواند این واقعیت را پنهان کند و نباید با چند عدد دلخوش بود و خبرهای امیدوارکننده اشتباه به مردم داد.

بررسی آمار ذخایر فعلی سدهای کشور نشان‌دهنده خالی بودن ۳۵ درصد ظرفیت مخازن سدهای ایران است. همزمان گزارش‌ها از بحران در تأمین آب در صدها شهر و روستای کشور و آبرسانی با تانکر به مناطق مختلف حکایت دارد.

هاشم امینی، رئیس هیئت مدیره شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور، اعلام کرده ۵۸ شهر در ۲۳ استان با تنش منابع آبی روبرو هستند. او با اشاره به اینکه ایران شش سال است با خشکسالی پیاپی روبرو بوده است گفته «با وجود بهبود بارندگی در برخی مناطق، استان‌های تهران، مرکزی، همدان و همچنین شهر مشهد همچنان با تنش آبی روبرو هستند.»

اگر چه آمارها نشان می‌دهد در بهار امسال میزان بارندگی نسبت به بهار سال گذشته افزایش یافته اما میزان برداشت آب نیز با افزایش روبرو شده است. در ۲۷۸ روز ابتدایی سال آبی جاری (از ابتدای مهرماه ۱۴۰۴ تا ششم

اختلال مهندسی شده اینترنت در ایران ادامه دارد



اعتراضات دی ۴۰۴ نیز دارد یا خیر؟!

در همین حال، گزارش نشان می‌دهد محتوای اینستاگرام پس از اتصال نسبی اینترنت تغییر کرده و هشتک‌های اقتصادی و مرتبط با فروشگاه‌های آنلاین جای بخش بزرگی از محتوای روزمره، سرگرمی و شخصی را گرفته‌اند؛ نشانه‌ای از تلاش کسب‌وکارهای خرد برای جبران زیان ناشی از قطع طولانی اینترنت.

وبسایت «زومیت» نیز گزارش داده پیش از این برخی تصور می‌کردند بازگشت ۶۸ درصد از کاربران به اینستاگرام در یک هفته پس از بازگشایی نسبی اینترنت به این دلیل است که نیازهایشان در پلتفرم‌های بومی برطرف می‌شود. داده‌های مربوط به کاهش حضور و فعالیت کاربران در این پیام‌رسان‌های داخلی نشان می‌دهد این بسته‌ها چندان هم پاسخگو نبوده‌اند و دلیل بازگشت درصد زیادی از کاربران به اینستاگرام پس از دوران بازگشایی نسبی، احتمالاً به اختلالات در دسترسی و دشوار بودن اتصال به VPNها مربوط است.

گزارش «زومیت» افزوده برخلاف ادعای مدافعان پیام‌رسان‌های بومی و مخالفان پلتفرم‌های جهانی، کانال‌های بومی جایی برای کسب‌وکارهای اقتصادی نداشته‌اند؛ در بازه قطعی اینترنت، در میان هشتک‌های پرتکرار، هیچ موردی از هشتک‌های اقتصادی یا مرتبط با کسب‌وکار در پلتفرم‌های بومی دیده نشد.

بر اساس داده‌های «زومیت» در مجموع کل محتوای گروه‌ها در چهار پیام‌رسان بومی «بله»، «ایتا»، «رویکا» و «سروش‌پلاس» نشان‌دهنده ریزش کلی ۱۰/۵ درصدی از اردیبهشت نسبت به هفته اول خرداد بعد از اتصال نسبی اینترنت است.

گزارش «زومیت» تأکید کرده با اتصال اینترنت مهاجرت مردم از گروه‌های اپلیکیشن «بله» شدت گرفته است؛ ۲۷ درصد گروه‌های خود را تعطیل کردند و فعالیت ۸۱ درصد هم کاهش یافته است. فعالیت در ۳۲ درصد از گروه‌های آی‌گپ هم کاهش یافته بوده اما فعالیت در گروه‌های ایتا و روبیکا اما همچنان افزایشی بوده است.

این گزارش همچنین نوشته اقتصاد دیجیتال ایران قربانی قطع شدن کابل‌ها نشده، بلکه قربانی فیلترینگ چندلایه، پردازش و دخالت در بسته‌های ترافیکی شده است که رمق شبکه را گرفته و کیفیت را فدای کنترل کرده است. از سوی دیگر گزارش داده‌محور آکادمی لایف‌وب، نشان می‌دهد اتصال نسبی اینترنت پس از ۸۸ روز قطعی، به بازگشت عادی کاربران ایرانی به اینستاگرام منجر نشده است.

بر اساس این گزارش، شمار کاربران فعال اینستاگرام که از ایران متصل می‌شدند از حدود ۱/۳ میلیون نفر در هفته اول دی ۱۴۰۴ به ۴۲۷ هزار و ۸۷۷ نفر در هفته اول پس از اتصال نسبی اینترنت، یعنی ۵ تا ۱۲ خرداد ۱۴۰۵، کاهش یافته است؛ رقمی که به معنای افت بیش از ۶۸ درصدی کاربران فعال است. زومیت تأکید کرده این آمار شامل کاربرانی است که ابزارهای رصد و تحلیل داده امکان شناسایی آن‌ها را داشته‌اند.

این گزارش همچنین می‌گوید کاهش حضور کاربران فقط به تعداد حساب‌های فعال محدود نبوده است. شمار پست‌های منتشرشده در اینستاگرام فارسی از ۳/۳ میلیون پست در هفته اول دی‌ماه به حدود یک میلیون و ۳۲۸ هزار پست رسیده؛ یعنی افتی در حدود ۶۲ درصد. حجم لایک‌ها نیز بیش از ۷۷ درصد و تعداد کامنت‌ها بیش از ۷۳ درصد کاهش یافته است.

این گزارش افزوده ادعای «عادی شدن اینترنت» با واقعیت فعالیت کاربران در شبکه‌های اجتماعی همخوان نیست. به نوشته این رسانه، کندی اینترنت، اختلال گسترده در فیلترشکن‌ها و کاهش کیفیت دسترسی باعث شده بخش بزرگی از کاربران هنوز به اینستاگرام بازنگردند یا تنها به صورت منفعل و محدود از آن استفاده کنند.

این آمارها در حالی منتشر شده که قطع اینترنت به بهانه آغاز جنگ تنها چند هفته پس از اعتراضات دی ۴۰۴ صورت گرفته است. مشخص نیست بازگشت شمارگی از کاربران اینستاگرام که از ایران متصل می‌شدند به این شبکه اجتماعی ارتباطی با ده‌ها هزار جان‌باخته و بازداشت‌شده

● روزنامه «شرق» گزارش داده با وجود اعلام رسمی مبنی بر رفع محدودیت‌ها و بازگشت اینترنت به شرایط پیش از بحران به دستور مسعود پزشکیان، ساختار شبکه همچنان درگیر اختلالات سیستماتیک و رفتارهای متناقض نظارتی است.

● گزارش روزنامه «شرق» تأکید کرده اختلال گسترده اینترنت در ایران مفهوم اینترنت را از یک شبکه یکپارچه جهانی به مجمع‌الجزایری از ارتباطات ناپایدار، مبهم و فیلترشده تقلیل داده است.

● شمار کاربران فعال اینستاگرام که از ایران متصل می‌شدند از حدود ۱/۳ میلیون نفر در هفته اول دی ۱۴۰۴ به ۴۲۷ هزار و ۸۷۷ نفر در هفته اول پس از اتصال نسبی اینترنت، یعنی ۵ تا ۱۲ خرداد ۱۴۰۵، کاهش یافته است؛ رقمی که به معنای افت بیش از ۶۸ درصدی کاربران فعال است.

● همچنین شمار پست‌های منتشرشده در اینستاگرام فارسی از ۳/۳ میلیون پست در هفته اول دی‌ماه به حدود یک میلیون و ۳۲۸ هزار پست رسیده؛ یعنی افتی در حدود ۶۲ درصد. حجم لایک‌ها نیز بیش از ۷۷ درصد و تعداد کامنت‌ها بیش از ۷۳ درصد کاهش یافته است.

● قطع اینترنت به بهانه آغاز جنگ تنها چند هفته پس از اعتراضات دی ۴۰۴ صورت گرفته است. مشخص نیست بازگشت شمارگی از کاربران اینستاگرام که از ایران متصل می‌شدند به این شبکه اجتماعی ارتباطی با ده‌ها هزار جان‌باخته و بازداشت‌شده اعتراضات دی ۴۰۴ نیز دارد یا خیر؟!

با گذشت یک ماه از اتصال دوباره اینترنت در ایران همچنان اختلال اینترنت ادامه دارد و کارشناسان معتقدند آنچه رخ داده «بازگشایی ناقص» است. شهروندان زیادی از دسترسی به اینترنت جهانی و شبکه‌های اجتماعی محروم هستند و گزارش‌ها نشان می‌دهد ۶۸ درصد از کاربران اینستاگرام که در ایران بوده‌اند پس از بازگشایی دوباره اینترنت به این شبکه اجتماعی بازنگشته‌اند.

روزنامه «شرق» در گزارشی با اشاره به تداوم اختلال اینترنت نوشته بررسی‌های تخصصی، داده‌های ترافیکی و مشاهدات میدانی «شرق» نشان می‌دهد که با وجود اعلام رسمی مبنی بر رفع محدودیت‌ها و بازگشت اینترنت به شرایط پیش از بحران به دستور مسعود پزشکیان، ساختار شبکه همچنان درگیر اختلالات سیستماتیک و رفتارهای متناقض نظارتی است.

این گزارش افزوده اختلال گسترده اینترنت در ایران مفهوم اینترنت را از یک شبکه یکپارچه جهانی به مجمع‌الجزایری از ارتباطات ناپایدار، مبهم و فیلترشده تقلیل داده است.

روزنامه «شرق» تأکید کرده در حالی که مراجع رسمی داخلی ممکن است وضعیت شبکه را عادی جلوه دهند و قطعی‌ها را به مشکلات موضعی یا فرسودگی تجهیزات ربط دهند، مانیتورهای جهانی رصد اینترنت روایت کاملاً متفاوتی از کالبدشکافی اینترنت ایران ارائه می‌دهند. بررسی داده‌های دو مرجع معتبر یعنی رادار کلادفلر (Cloudflare) و رادار (Radar) و پروژه IODA نشان می‌دهد که ما با یک قطعی ساده روبه‌رو نیستیم، بلکه با یک «اختلال مهندسی‌شده» مواجه هستیم.

گسترش تجمعات صنفی در ایران؛ از کارگران و بازنشستگان تا کشاورزان



تجمع پرستاران در تهران، دوشنبه هشتم تیرماه ۱۴۰۵

حقوق، عدم ادغام صندوق بازنشستگی صنایع فولاد در صندوق بازنشستگی کشوری و حل مشکلات مربوط به خدمات درمانی، از جمله مطالبات بازنشستگان معترض به شمار می‌آید.

گروهی از بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش، کرخه و هفت‌تپه در شهرستان شوش و شماری دیگر از بازنشستگان مذکور در شهرهای اهواز، کرمانشاه، دزفول، اصفهان، رشت و تهران دست به راهپیمایی و تجمع اعتراضی زدند. منابع صنفی گزارش دادند بازنشستگان معترض در این تجمعات که در مقابل ساختمان‌های ادارات تأمین اجتماعی برگزار شدند، خواستار اجرای کامل ماده ۵۴ قانون تأمین اجتماعی، حذف بیمه تکمیلی و اجرای ماده ۸۹، رسیدگی به مشکلات درمانی و معیشتی خود شدند.

بازنشستگان حاضر در این تجمع‌ها در شهرهای مختلف، بر لزوم پرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی تأکید کردند و گفتند کمبود منابع مالی نباید بهانه‌ای برای اجرا نشدن قوانین و پرداخت نشدن مطالبات بازنشستگان باشد. به گفته بازنشستگان، مابه‌التفاوت افزایش حقوق ماه‌های فروردین و اردیبهشت بازنشستگان صندوق تأمین اجتماعی هنوز به حساب آن‌ها واریز نشده است؛ این در حالی است که حقوق بازنشستگان سایر صندوق‌ها از ابتدای سال بر اساس مصوبات جدید افزایش یافته و پرداخت شده است.

اصلاح احکام سالانه، اجرای صحیح مواد ۹۶ و ۵۴ قانون تأمین اجتماعی، متناسب‌سازی واقعی حقوق، حذف

● برخی تحلیلگران گسترش ناراضی‌ها و اعتراضات صنفی را به‌عنوان محرکی برای آغاز اعتراضات سراسری در کشور ارزیابی می‌کنند.

آغاز تابستان در ایران با گسترش شمار تجمعات صنفی در شهرهای مختلف کشور همراه بوده است. در روزهای گذشته کارگران زیادی در تجمعاتی جداگانه به پرداخت نشدن حقوق، بیکاری اجباری و عدم تمدید قرارداد کار اعتراض کردند. بازنشستگانی که امسال نیز از اجرای قانون همسان‌سازی حقوق محروم مانده‌اند در تجمعاتی حق و حقوق خود را مطالبه کردند. یکی از مهمترین تجمعات روزهای گذشته، تجمع مردم در گرمسار در اعتراض به بحران کمبود آب بوده است.

گروهی از بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان روز یکشنبه هشتم تیرماه ۱۴۰۵ در مقابل ساختمان استانداری این شهر، دست به تجمع اعتراضی زدند.

یکی از بازنشستگان حاضر در این تجمع به خبرنگاری «ایلنا» گفته «در سه ماه گذشته قرارداد بیمه تکمیلی بازنشستگان فولاد با شرکت آتیه‌سازان حافظ با مشکلات جدی مواجه بوده و این بیمه به‌طور مکرر قطع و وصل شده است. به گفته او، این وضعیت باعث شده بسیاری از بازنشستگان در مراجعه به مراکز درمانی با مشکل دریافت خدمات مواجه شوند و عملاً امکان استفاده از خدمات درمانی برای آن‌ها با اختلال روبرو شود.»

بر اساس این گزارش اجرای همسان‌سازی، حذف سقف

● گروهی از بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان روز یکشنبه هشتم تیرماه ۱۴۰۵ در مقابل ساختمان استانداری این شهر، دست به تجمع اعتراضی زدند.

● صدها نفر از بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش، کرخه و هفت‌تپه در شهرستان شوش و شماری دیگر از بازنشستگان مذکور در شهرهای اهواز، کرمانشاه، دزفول، اصفهان، رشت و تهران دست به راهپیمایی و تجمع اعتراضی زدند.

● در استان کهگیلویه و بویراحمد نیز روز یکشنبه هشتم تیرماه جمعی از اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های این استان در میدان استاد دانشگاه یاسوج دست به تجمع اعتراضی زدند.

● جمعی از پرستاران نیز روز دوشنبه هشتم تیرماه ۱۴۰۵ در اعتراض به بی‌توجهی مداوم مسئولان به مطالبات معیشتی و رفاهی خود، در مقابل ساختمان سازمان اداری و استخدامی کشور در تهران دست به تجمع زدند.

● صدها نفر از شهروندان گرمسار شامل کشاورزان، کارگران و دیگر اقشار نیز روز دوشنبه ۸ تیرماه ۱۴۰۵ در اعتراض به بحران کمبود آب تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● تشدید فشارهای معیشتی، عدم وجود منابع مالی در واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی برای پرداخت به‌موقع حقوق کارکنان، تشدید رکود تورمی و اخراج کارکنان، و کسری بودجه دولت که سبب عدم اجرای قوانین مصوب بودجه شده از جمله دلایل ناراضی‌انگیزی اصناف مختلف و گسترده‌تر شدن اعتراضات صنفی است.

برگزاری تجمع اعتراضی مقابل دفتر مرکزی این دانشگاه در تهران نسبت به تصمیم این دانشگاه برای حضوری برگزار شدن امتحانات اعتراض کردند.

در اعتراض صنفی دیگری جمعی از کارکنان و کارگران رسمی، قراردادی و دائم روزمزد شرکت تراورس، شاغل در بخش نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن ایران، در نامه‌ای خواستار رسیدگی فوری و موثر مسئولان به مشکلات انباشته معیشتی، شغلی و اداری خود شدند.

نویسندگان نامه همچنین «کنار گذاشته شدن شرکت‌های پیمانکاری» و بازگشت نیروهای شاغل در شرکت‌های پیمانکاری به بدنه اصلی راه‌آهن را به‌عنوان یکی دیگر از خواسته‌های خود مطرح کردند.

کارکنان و کارگران رسمی راه‌آهن ایران همچنین «پرداخت منظم و به‌موقع حقوق و مزایا»، «بازنگری در نظام پرداخت»، «جبران فاصله فزاینده میان سطح دستمزدها و هزینه‌های واقعی زندگی»، و «اجرای کامل و عادلانه طرح طبقه‌بندی مشاغل» را از جمله دیگر مطالبات خود مطرح کردند.

تشدید فشارهای معیشتی، عدم وجود منابع مالی در واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی برای پرداخت به‌موقع حقوق کارکنان، تشدید رکود تورمی و اخراج کارکنان، و کسری بودجه دولت که سبب عدم اجرای قوانین مصوب بودجه شده از جمله دلایل نارضایتی اصناف مختلف و گسترده‌تر شدن اعتراضات صنفی است.

برخی تحلیلگران گسترش نارضایتی‌ها و اعتراضات صنفی را به‌عنوان محرکی برای آغاز اعتراضات سراسری در کشور ارزیابی می‌کنند.

مخابرات شهرهای محل سکونت خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

بازگشت پوشش بیمه‌ای از بیمه تکمیلی به بیمه تامین اجتماعی، بهبود خدمات درمانی، اجرای کامل آیین‌نامه‌ی ۸۹/۲۴ در خصوص پرداخت مطالبات و مزایای بازنشستگان و همچنین بازنگری در طرح همسان‌سازی حقوق‌ها، از جمله مطالبات بازنشستگان معترض محسوب می‌شود.

جمعی از پرستاران نیز روز دوشنبه هشتم تیرماه ۱۴۰۵ در اعتراض به بی‌توجهی مداوم مسئولان به مطالبات معیشتی و رفاهی خود، در مقابل ساختمان سازمان اداری و استخدامی کشور در تهران دست به تجمع زدند.

معتزمان با انتقاد شدید از فرسودگی شغلی، شیفت‌های اجباری سنگین و عدم تناسب دستمزدها با تورم، خواستار پاسخگویی صریح مقامات دولتی شدند.

منابع صنفی خواسته‌های اصلی تجمع‌کنندگان را به شرح زیر اعلام کردند:

اجرای دقیق، کامل و بدون تبعیض قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری و افزایش واقعی کارانه‌ها.

اصلاح فرمول محاسبه اضافه کار و جایگزینی مبالغ ناچیز فعلی با ارقام منصفانه و متناسب با سختی کار.

اجرای کامل قانون ارتقای بهره‌وری و برقراری فوق‌العاده خاص با ضریب بالاتر برای بهبود وضعیت معیشتی.

جذب نیروی انسانی جدید جهت کاهش فشار کار شدید، حذف شیفت‌های اجباری و پایان دادن به قراردادهای کوتاه‌مدت و شرکتی.

همچنین جمعی از دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه آزاد اسلامی روز شنبه ششم تیرماه ۱۴۰۵ با

بیمه تکمیلی، افزایش مزایا و برقراری مجدد حقوق و مزایای مزدی بازنمندان، از دیگر مطالباتی بود که بازنشستگان در این تجمع‌ها مطرح کردند.

در استان کهگیلویه و بویراحمد نیز روز یکشنبه هفتم تیرماه جمعی از اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های این استان در میدان استاد دانشگاه یاسوج دست به تجمع اعتراضی زدند.

این تجمع با دعوت رسمی مجمع شوراهای صنفی هیئت علمی دانشگاه یاسوج و دانشگاه علوم پزشکی شکل گرفت. محور اصلی اعتراض اعضای هیئت علمی در این تجمع، حول مسائل مالی و عدم اجرای دقیق قوانین بوده است. اساتید حاضر در میدان استاد، خواستار ترمیم حقوق اسفندماه ۱۴۰۴، تثبیت این ترمیم و پرداخت منظم و بی‌وقفه حقوق و مزایای قانونی خود شدند.

تجمع‌کنندگان پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن‌ها شعارهایی از جمله «خواست ما روشن است؛ اجرای قانون»، «اجرای قانون نشانه عدالت»، «مطالبه قانونی، پاسخ قانونی» و «قانون تصویب شده باید اجرا شود» نوشته شده بود.

شماری از کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان دست به تجمع زدند.

به گفته کارگران معترض، با گذشت نزدیک به سه سال از واگذاری این شرکت به بخش خصوصی، مشکلات ساختاری و مدیریتی کارخانه به دلیل سوءمدیریت و بی‌توجهی کارفرما همچنان پابرجاست. این موضوع موجب شد تا کارگران در اعتراض به ناامنی شغلی و معوقات مزدی دست به تجمع بزنند.

یک فعال کارگری نیز در این خصوص گفت: «در حال حاضر حدود ۱۰۰ کارگر این کارخانه، علاوه بر سه ماه حقوق و حق بیمه معوقه، حدود ۱۱ سال سنوات طلبکارند. پرداخت به موقع دستمزدها و تضمین امنیت شغلی، اصلی‌ترین خواسته کارگران است.»

خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده روز دوشنبه هشتم تیرماه ۱۴۰۵ جمعی از کارگران کارخانه «ایران برک» در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق، وضعیت نامشخص بیمه و بیکاری، در محوطه این واحد تولیدی دست به تجمع زدند.

این کارگران می‌گویند: با وجود سال‌ها کار در این واحد تولیدی، اکنون با مشکلات معیشتی روبه‌رو هستند. به گفته آن‌ها، در طول سال گذشته، چند ماه حقوق به حسابشان واریز نشده و وضعیت سوابق بیمه‌شان هم مشخص نیست؛ تا جایی که در کل سال قبل فقط یک ماه حق بیمه برایشان به تامین اجتماعی رد شده است.

صدها نفر از شهروندان گرمسار شامل کشاورزان، کارگران و دیگر اقشار نیز روز دوشنبه ۸ تیرماه ۱۴۰۵ در اعتراض به بحران کمبود آب تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع‌کنندگان دسترسی به آب آشامیدنی و کشاورزی را حق خود دانستند و خواستار رسیدگی هر چه سریع‌تر مسئولان به بحران کمبود آب که ناشی از سوءمدیریت مقامات حکومتی است شدند.

طی روزهای گذشته نیز این کشاورزان در گرمسار در اعتراض به خشک شدن رودخانه جبله‌رود و از بین رفتن محصولاتشان در این شهر دست به تجمع زده بودند. بر اساس گزارش‌ها بسته شدن آب بر روز باغ‌ها و مزارع خسارات فراوانی را به این کشاورزان وارد کرده است.

همزمان صدها تن از بازنشستگان مخابرات در شهرهای اصفهان، تهران، کرمانشاه و سمنان در مقابل ساختمان

نقد و نظری بر اندیشه‌های آرامش دوستدار با سخنرانی عباس فیض



ویدیو

حقوق بشر، و مترجم و منتقد ادبی و هنری بود که در روز پنجشنبه ۲۵ ژوئن ۲۰۲۶ برابر با چهارم تیرماه ۱۴۰۵ به بررسی مهمترین اثر آرامش دوستدار، «درخشش‌های تیره» در کافه بوهیمیا واقع در غرب لندن، پرداخت.

«نگرشی بر اندیشه‌های آرامش دوستدار، فیلسوف و روشنفکر ایرانی» عنوان برنامه این ماه نشست اندیشه، هنر، و ادب بود. سخنران این برنامه آقای عباس فیض، کارشناس بین‌المللی

ما به این راستی‌ها پایبندیم



نیرومندان زمین خواستار جایگاهی برابر و ویژه‌ی خویش، آنگونه که آیین هستی و آفریدگار جهان به آنان ارزانی داشته است، باشند، ارج نهادن شایسته به این باور مردمان، خواستار آشکار کردن انگیزه‌های این جدایی‌ناگزیر است. اینکه همه مردمان برابر آفریده شده و از سوی آفریدگارشان هوده‌هایی جدایی‌ناپذیر چون زندگی، آزادی و شادزیستی به آنان بخشیده شده‌اند، راستی‌های خودبه‌خود آشکارند. برای استوار کردن این هوده‌ها، آنگونه که شورداری میان‌شان بر پا می‌شود که گردانندگان‌اش نیرو و توان خود را از خرسندی مردمان کشور به دست آورند. هر گاه هر گونه شورداری این آماج را زیر پا بگذارند، مردمان سزاوار دگرگون کردن یا از میان برداشتن آن و جایگزین کردن‌اش با فرمانروایی بر بنیاد ارزش‌ها و سامانه‌ای هستند که از نگرش آنان بیش از هر چیز شادمانی و ایمنی‌شان را در پی داشته باشد.

فرانگری به درستی فرمان می‌دهد که فرمانروایی‌های دیرباز را نمی‌بایست با انگیزه‌های ناچیز و گذرا دگرگون کرد. به گواه همه‌ی آزمون‌ها، چنانچه تبهکاری‌های فرمانروایی دیرآشنا، تاب‌آوردنی باشند، برانداختن آن و جایگزینی‌اش با فرمانروایی نو و ناشناخته با رنج بیشتری همراه است ولی هنگامی که زنجیره‌ای دراز از دست‌اندازی و نادرستی، همواره پیگیر همان آماج باشند، نشان شالوده‌ای برای فروکاستن آنان زیر یک خودکامگی ناب است. برافکندن چنین فرمانروایی و برپایی نگهبانان نو برای ایمنی آینده، سزاوار و خویشکاری مردم است. سرزمین‌های دست‌نشانده که چنین رنجی را شکیبا بوده‌اند، اینک دگرگونی سامانه‌ی فرمانروایی خود را بایسته می‌بینند. تاریخ کنونی پادشاه بریتانیای بزرگ، تاریخ دستیازی به دارایی مردم و آسیب‌های پیگیرانه بوده است. تنها آماج همه‌ی اینها، برپایی ستمگری خودکامانه بر این سرزمین‌ها است. برای استوار کردن این گفته‌ها بگذارید راستی‌های بی‌چون‌وچرا را به جهان دادگر پیشکش کنیم.

او از پذیرش دادآیین که بیشترین بایسته‌ی سازگار با زندگی همگانی‌ست، سرپیچی کرده است.

از همه مهمتر، به ایالات متحده چشم دوخته است تا واقع‌بینانه و سنجیده با آن برخورد کرده و دریابد که ایران از موضع جهانی ایالات متحده پیروی می‌کند. امیر عباس هویدا، عبدالله ریاضی و بسیاری دیگر از ایرانیانی که رئیس مجلس آمریکا با آنها صحبت کرد، بر تمایل خود برای دیدن یک ایالات متحده‌ی قوی تأکید کردند و نگرانی خود را از آنچه که به‌عنوان کاهش قدرت و عزم بین‌المللی آمریکا تلقی می‌کردند، ابراز داشتند. امتناع یا ناتوانی ایالات متحده در حمایت کافی از متحدان‌اش در جنوب شرقی آسیا و آفریقا (آنگولا) به‌عنوان نشانه‌هایی از این روند تلقی می‌شود، همانطور که افزایش اختلاف نظر بین کنگره و رئیس‌جمهور آمریکا بر سر مسائل مربوط به چالش‌های ملی، از نظر ایرانیان به ضرر سیاست‌های ایالات متحده و جایگاه ایالات متحده به عنوان یک قدرت جهانی است.

در مورد مسائل خاص مربوط به اختلافات دوجانبه، رهبری ایران این موضع را اتخاذ کرده که افزایش شدید قیمت کالاها و خدمات خریداری شده در بازار بین‌المللی، ایران را مجبور به افزایش قیمت نفت کرده است و تا زمانی که جهان توسعه‌یافته تورم خود را کنترل نکند، ایران همچنان با افزایش متناسب قیمت نفت، به دنبال حفاظت از منابع رو به کاهش خود خواهد بود.»

امسال، در دویت‌وپنجاهمین سالگرد آزادسری استان‌های به‌هم‌پیوسته‌ی آمریکا بایسته است که آگاهی‌نامه‌ی آزادسری و پیام جهان‌مدارش را که ۲۳۱۵ سال پس از فرمان جاودانی نگاشته بر استوانه‌ی کوروش بزرگ، نوشته شده است، مردمان آزادی‌خواه جهان بخوانند و برای دستیابی به آزادی و پاسداری‌اش دلیر، کوشا و استوار باشند. برگردان این آگاهی‌نامه را که خواستی همگانی و دربرگیرنده است به پارسی‌زبانان، به ویژه ایرانیان آزادی‌خواه که هم‌اکنون درگیر کارزاری امیدبخش با خودکامگان ضحاک‌کیش جمهوری اسلامی‌اند، پیشکش می‌کنم.

هنگامی که در روند رویدادهای مردمی، کسانی ناگزیر به گسستن پیوندهای سیاسی خویش با دیگران شوند و در میان

پرویز ظفری - در تابستان ۱۷۷۶، از توماس جفرسون (۱۷۴۳-۱۸۲۶) نماینده‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا و ویرجینیا در دومین کنگره‌ی خُشکادی، خواسته شد تا پیش‌نویس آگاهی‌نامه‌ی آزادسری (اعلامیه‌ی استقلال) استان‌های به‌هم‌پیوسته‌ی آمریکا (ایالات متحده‌ی آمریکا) از بریتانیای بزرگ را آماده کند. او این کار ماندگار را در فیلادلفیا با همکاری چهار اندام (عضو) دیگر کارگروه: پنجاهمین فرانکلین از پنسیلوانیا، جان آدامز از ماساچوست، رابرت ر. لیوینگستون از نیویورک و راجر شرمن از کانکتیکت، به انجام رساند.

به یاد دارم که در دویت‌مین سالگرد آزادسری آمریکا در سال ۱۹۷۶ که سالنمای تازی‌بنیاد ۱۳۵۵ به ۲۵۳۵ ایرانی دگرگون شد و من مردم نپاوند را در بیست‌و‌چهارمین مجلس شورای ملی نمایندگی می‌کردم، سرکرده‌ی کنگره‌ی آمریکا، کارل آلپرت، همراه تنی چند از دولت‌مردان آمریکایی برای دیداری رسمی سه روز به ایران آمد. آنها نخست از کویت به شیراز رفتند و از تخت جمشید دیدن کردند. زنده‌یاد مهندس عبدالله ریاضی، سرکرده‌ی مجلس شورای ملی، آنان را به مهمانی شام در تالار پذیرایی مجلس شورای ملی فراخواند؛ من نیز یکی از نمایندگانی بودم که به آن مهمانی فراخوانده شده بودم. گزارش رسمی سفر کارل آلپرت در آوریل ۱۹۷۶ به عربستان سعودی، کویت، ایران و اسپانیا در صورتجلسه‌ی رسمی کنگره‌ی آمریکا منتشر شده است. کارل آلپرت اظهار امیدواری کرده بود که گزارش سفارش مورد توجه اعضای کنگره‌ی آمریکا قرار بگیرد، زیرا کشورهای میزبان از جمله حیاتی‌ترین مناطق جهان هستند و نمایندگان کنگره تنها با دانش و درک درست روابط آمریکا با این کشورها می‌توانند از این روابط بهره‌مند شوند. گزارش رسمی این سفر و مشاهدات آلپرت درباره‌ی ایران به شرح زیر است:

«اندازه و جایگاه جغرافیایی استراتژیک ایران - همسایگی با اتحاد جماهیر شوروی، جایگاهی در رأس خلیج فارس، و قرار گرفتن میان خاورمیانه‌ی عربی از یک سو و جنوب آسیا از سوی دیگر - به تنهایی برای اهمیت ایران برای قدرت‌های جهانی کافی‌ست. ایران با تولید و درآمد قابل توجه نفت، موقعیت مرکزی خود در اُپیک، تمایل زیادش برای تبدیل شدن به یک قدرت مهم سیاسی و نظامی، پشتیبانی از غرب و سابقه‌ی اشغال شدن از سوی شوروی، کشوری‌ست با اهمیت، به‌ویژه برای ایالات متحده آمریکا. این واقعیت، در عین حال اذعان به این نکته است که ایالات متحده - و به ویژه یک ایالات متحده‌ی قوی که علاقمند به رابطه‌ای قوی با ایران است - برای امنیت ایران اساسی است.

شاه در جریان بازدید رئیس مجلس آمریکا حضور نداشت. با این حال، نخست وزیر ایران، امیر عباس هویدا به وضوح اشاره کرد که یکی از کلیدهای تفکر ایرانی، نگرانی ایران برای امنیت خود در یک محیط بین‌المللی به طور فزاینده پیچیده است.

ایران از حضور شوروی در مرزهای خود و احتمال مداوم بی‌ثباتی بیشتر در منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس آگاه است. این کشور به دنبال رابطه‌ای عادی با مسکو است، اما احساس می‌کند که باید یک عامل بازدارنده‌ی نظامی معتبر برای خود فراهم کند.

این کشور به لزوم حمایت از روابط و دولت‌های پایدار در جهان عرب توجه دارد و گام‌های ملموسی در جهت بهبود گفتگو با عربستان سعودی به‌عنوان یک قدرت بزرگ در خاورمیانه و شریکی در اُپیک برداشته است. با این حال،

پیر و جوان و درهم کوفتن همه چیز، بی هر گونه دریاست است، وادار تا بر مردمانی که در مرزهای ما می‌زیند، بتازند. ما هر بار پس از این بیدادگری‌ها، با فروتنانه‌ترین واژگان خواهان تاوان زیان‌ها شده‌ایم ولی او درخواست‌های پیاپی ما را با آسیب‌های پیاپی پاسخ داده است. شاهزاده‌ای که هر کنش‌اش می‌تواند او را دارای منش ستمگران بشناساند، شایسته‌ی فرمانروایی بر مردمانی آزاد نیست.

ما همچنین از هشیواری، رویاروی برادران بریتانیایی خویش فروگزار نکرده‌ایم؛ درباری تلاش‌های دستگاه آیین‌گزاری‌شان در گسترانیدن بی‌پایه‌ی دادآیین‌های خویش بر ما، گهگاه به آنان هشدار داده‌ایم. ما آنان را درباری چگونگی کوچیدن و خانه‌گزیدن‌مان در اینجا یادآور شده‌ایم. ما به دادگری و بزرگواری سرشتی آنان روی آورده و آنان را با یادآوری پیوندهای خویشاوندی، به وانهادن این دستیاری‌ها که بی‌گمان ماهی گسستی پیوندها و نامه‌نگاری‌های ما می‌شوند، فراخوانده‌ایم. آنها نیز در برابر سخنان دادخواهانه و همخونی‌ها ناشنوا بوده‌اند.

از این رو باید پذیرای ناگزیر تن دادن به جدایی شویم و با آنان چنان باشیم که با دیگر مردمان جهان، دشمن در جنگ و دوست در آشتی.

بر این پایه ما نمایندگان استان‌های به‌هم‌پیوسته‌ی آمریکا، گرد آمده در همایش همگانی، والا داور دادگر جهان هستی را برای درستی نگرش‌ها مان فرامی‌خوانیم. به نام و توان برگرفته از نمایندگی نیک‌مردمان این سرزمین‌ها، با استواری به آگاهی همگان می‌رسانیم که سرزمین‌های به هم پیوسته آزاد و آزادسند و این هوده و سزاوار آنها ست. استان‌های آزاد و آزادس، رها از هر گونه پیوند با تخت و تاج بریتانیا، همه‌ی پیوستگی‌های سیاسی‌شان را با کشور بریتانیا بزرگ گسسته و همه‌ی پیوندهایشان باید یکسره گسسته شوند و اینکه در جایگاه کشورهای آزاد و آزادس دارای توانایی‌های رسا و دربرگیرنده برای انجام همه و هر آنچه دیگر کشورهای آزادس از آن برخوردارند چون جنگ، آشتی، پیمان بستن و بزرگانی می‌باشند. برای پشتیبانی از این آگاهی‌نامه، ما با پشتگرمی پایدار، در پناه خواست پروردگار، با یکدیگر، با جان، دارایی و نام و آبروی‌مان پیمان می‌بندیم.

جورجیا: باتن گوینت، لایمن هال، جورج والتون
کارولینای شمالی: ویلیام هوپر، جوزف هیوز، جان پن
کارولینای جنوبی: اِدوارد راتلج، توماس هیوارد جونیور، توماس لینچ جونیور، آرتور میدلتون

ماساچوست: جان هنکاک، ساموئل آدامز، جان آدامز، رابرت تری ت پین، ایلریج گری
میریلند: ساموئل چیس، ویلیام پاک، توماس ستون، چارلز کارول او کارولتون
ویرجینیا: جورج وایت، ریچارد هنری لی، توماس جفرسون، پنجامین هریسون، توماس نلسون جونیور، فرانسیس لایتفوت لی، کارتر بركستون

پنسیلوانیا: رابرت موریس، پنجامین راش، پنجامین فرانکلین، جان مورتنون، جورج کلایمر، جیمز سمیت، جورج تایلر، جیمز ویلسون، جورج راس
دلاور: سزار رادنی، جورج رید، توماس مک‌کین
نیویورک: ویلیام فلویید، فیلیپ لیوینگستون، فرانسیس لوئیس، لوئیس موریس

نیوجرسی: ریچارد ستاکتون، جان ویزرسپون، فرانسیس هاپکینسون، جان هارت، آبراهام کلارک
نیوهمپشایر: جوزیا بارتلت، ویلیام ویپل، متیو تورتون
رود آیلند: ستیون هاپکینز، ویلیام اِلری
کانتیکت: راجر شِرمَن، ساموئل هانتینگتون، ویلیام ویلیامز، اَلیور وُلکات

با دادآیین بنیادین‌مان نهاده است. او با دستینه کردن‌شان، آنها را به نام دادآیین جا زده است:
برای جای دادن یگان‌های بزرگی از سپاهیان رزمجو در میان ما؛



برای پدافند از آنان در برابر پادافره آدم‌کشی‌های‌شان از مردمان این سرزمین، به یاری دادگاه‌های نمایشی؛
برای بریدن پیوندهای بازرگانی ما با سراسر جهان؛
برای فشردن باز ناخرسندانه بر ما؛
برای بازداشتن ما از برخورداری‌های دادگری در بسیاری از دادخواست‌ها به شیوه‌ی گروهی داوران؛

برای بردن ما فراسوی دریاها و داوری شدن‌مان در تبهکاری‌های ساختگی؛
برای از میان برداشتن سامانه‌ی آزاد دادآیین‌های انگلیسی در استانی همسایه، برپا کردن یک فرمانروایی خودکامه در آنجا و گسترش بی‌درنگ مرزهای چنین خودکامگی، چون نمونه و ابزاری درخور دیگر استان‌های دست‌نشانده؛
برای کنار گذاشتن منشورهای ما و از میان برداشتن ارزشمندترین دادآیین ما و دگرگون کردن بنیادین پیکره‌ی کشورداری ما؛

برای نگوینسار کردن نهاد آیین‌گزاری ما و جای دادن پرتوان خویش در جایگاه آیین‌گزاری برای ما در همه‌ی زمین‌ها.
او از فرمانروایی در اینجا کناره گرفته و می‌گوید پاسدارنده‌ی ما نیست و در کار جنگ‌افروزی با ما ست.
او دریاهای‌مان را غارت، کرانه‌های‌مان را ویران کرده، شهرهای‌مان را سوزانده و زندگی مردمان‌مان را نابود کرده است.

او اینک در کار جابه‌جا کردن سپاهی بزرگ از مزدوران بیگانه برای به انجام رساندن تبهکاری‌های مرگبار، ویرانگری و ستمکاری ست. هم اکنون زمینه‌سازی کارهای ستمگرانه و نابه‌کارانه‌ی را آغازیده است که به گونه‌ای دهشتناک با بیشترین ددمنشی‌های روزگاران برابری می‌کند و سراسر نازیبنده‌ی درنشین مردمانی فرهیخته است.

او شهروندان ما را که در آب‌های آزاد به بندگی گرفته شده‌اند واداشته است تا جنگ‌افزار برگیرند، در دشمنی با میهن خویش، دژخیم دوستان و برادران خود شده و یا خود به دست آنان کشته شوند.
او میان ما شورش‌های درونی برانگیخته و کوشیده است سرخپوستان سنگدل را که شیوه‌ی جنگ‌شان کشتار زن و مرد،

او راه را بر فرمانداران‌اش در گذاردن دادآیین ارجمندی که برآورنده‌ی نیازهای ناگزیر شتابنده‌اند، بسته و انجام شدن‌شان را به پذیرش و دستینه کردن خود وا گذاشته است. در چنین زمانی، پادشاه رسیدگی به آنها را یکسره فرو گذاشته است.

او از گذاردن دادآیین‌های دیگر برای خانه‌گزینی مردم در سرزمین‌های پهناور سر باز زده، مگر آنکه آن مردم از فریود خویش برای نمایندگی در مهستان چشم‌پیوشند، فربودی که برای‌شان بسیار ارزشمند و تنها برای ستمگران ترسناک است. او نمایندگان مهستان را برای گردهم‌آیی به جاهای نایب‌سند و توان‌فرسا فرا خوانده است، جاهایی دور از بایگانی‌ها و بنچاک‌ها، تنها برای به ستوه آوردن آنان و تن دادن‌شان به خواست‌های‌اش.

او بارها در رویارویی با هوده‌های مردم، به سختی بر مهستان تاخته و آن را برچیده است.
او زمانی دراز پس از این برچیدن‌ها، از گزینش نمایندگان دیگری جلوگیری کرده است. از آنجا که نیروی آیین‌گزاری از میان‌برداشتنی نیست، به توده‌ی مردم واگذاشته شده؛ کشور در این زمان‌ها بیم‌زده‌ی هر گونه گزند از تاخت‌وتازهای بیرونی و آشوب‌های درونی بوده است.

او کوشیده است تا راه را بر افزایش مردم استان‌ها ببندد؛ برای انجام آن به راه‌بندان‌ها برای گذاردن دادآیین‌هایی برای پذیرش بیگانگان به شهروندی و خودداری از گذاردن دادآیین‌های امیدآفرین دیگری برای کوچیدن به کشور و افزایش برنهادها برای دریافت زمین‌های تازه، دست یازیده است.

او با دستینه نکردن دادآیینی که بایسته‌ی برپایی نیروی داوری‌اند، راه را بر دادگستری بسته است.
او جایگزینی داوران در پایگاه‌ها و اندازهی کارمزد‌های‌شان را تنها وابسته‌ی پیروی از خواست خود کرده است.
او چندین دفتر تازه برپا کرده و انبوهی کارمند را به آنجا گسیل داشته است تا به آزار مردم و غارت دارایی‌های‌شان بپردازند.

او بی‌پروانه‌ی نمایندگان مهستان ما، در روزگار آشتی، میان ما ارتشی همیشگی برپا کرده است.
او به خواست خود ارتش را از نیروی شهروندی جدا کرده و به آن جایگاهی برتر داده است.
او همراه دیگران، ما را زیر فرمان شیوه‌ی دادگری بیگانه

تشدید فشارهای انضباطی، امنیتی و قضایی بر دانشجویان

● «خبرنامه امیرکبیر» گزارش داده روند احضار و تشکیل پرونده‌های انضباطی علیه دانشجویان در دانشگاه خواجه‌نصیر در تهران با شدت بیشتری ادامه دارد بطوریکه برای برخی دانشجویان به طور هم‌زمان چند پرونده انضباطی تشکیل شده است.

● شمار پرونده‌های فعال علیه دانشجویان دانشگاه خواجه‌نصیر تهران از ۲۲ مورد فراتر رفته و همچنان در حال افزایش است.

● از سوی دیگر در پی ادامه فشارهای انضباطی بر دانشجویان دانشگاه «آریامهر» (شریف) جمعی از دانشجویان این دانشگاه با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به محمدرضا تجریشی، رئیس دانشگاه، از تداوم سیاست‌های امنیتی، عملکرد کمیته انضباطی و آنچه «عدم تغییر معنادار در مدیریت دانشگاه» خوانده‌اند، انتقاد کردند.

به گزارش منابع دانشجویی فشارهای انضباطی، امنیتی و قضایی بر دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف کشور که در اعتراضات دی ۴۰۴ صحنه اعتراضات دانشجویی بود ادامه دارد و در برخی دانشگاه‌ها این فشارها تشدید شده است.

«خبرنامه امیرکبیر» که اخبار جنبش دانشجویی ایران را بازتاب می‌دهد گزارش داده روند احضار و تشکیل پرونده‌های انضباطی علیه دانشجویان در دانشگاه خواجه‌نصیر در تهران با شدت بیشتری ادامه دارد بطوریکه برای برخی دانشجویان به طور هم‌زمان چند پرونده انضباطی تشکیل شده است.

کانال تلگرامی «دانشجویان متحد» نیز با گزارش از گستردن دامنه برخورد‌های انضباطی و افزایش فشار بر دانشجویان دانشگاه خواجه‌نصیر نوشته شمار پرونده‌های فعال علیه دانشجویان این دانشگاه از ۲۲ مورد فراتر رفته و همچنان در حال افزایش است.

این گزارش افزوده برخلاف مراحل پیشین، احضارها دیگر تنها به دانشجویان مرتبط با تجمعات دی‌ماه محدود نیست و اکنون دانشجویانی که در تجمعات اسفندماه نیز حضور داشته‌اند، با احضار، تفهیم اتهام و تشکیل پرونده مواجه شده‌اند.

«خبرنامه امیرکبیر» در گزارش دیگری تأکید کرده کمیته انضباطی دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی‌تکنیک تهران) برای امیرمحمد سورمه، دانشجوی ورودی ۱۴۰۴ مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت کسب‌وکار، حکم بدوی اخراج صادر کرده است.

طبق اطلاعات منتشرشده، اتهام انتسابی به این دانشجو «اهانت به پرچم جمهوری اسلامی» عنوان شده است. بر اساس همین گزارش‌ها، این حکم در مرحله بدوی صادر شده و برای قطعی شدن باید در شورای مرکزی انضباطی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورد بررسی و تأیید قرار گیرد.

پیش از این نیز برای دو دانشجوی دانشگاه تهران، امیرمحمد کریمی و مهیار افتخاری، با اتهام مشابه احکام بدوی اخراج صادر شده بود.

امیرمحمد سورمه دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کسب‌وکار دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی‌تکنیک تهران) بود که در آزمون سراسری با رتبه ۱۴۳ در این رشته پذیرفته شده بود.



برافراشتن پرچم شیروخورشید در جریان اعتراضات دانشجویان؛ اسفند ۱۴۰۴

به گفته نویسندگان، گروهی دیگر بدون محدودیت امکان تردد در محیط دانشگاه را داشته‌اند.

دانشجویان در ادامه خواستار توضیح و پاسخگویی رئیس دانشگاه در مواردی مانند گسترش محدودیت‌ها، امنیتی شدن فضای دانشگاه، افزایش نفوذ جریان‌های بیرونی شدند که باعث سقوط اعتماد دانشجویان شده است.

در پایان این نامه، نویسندگان با اشاره به جایگاه و اعتبار دانشگاه صنعتی شریف، نسبت به آنچه «فرسایش سرمایه انسانی» و «آسیب به اعتبار دانشگاه» خوانده‌اند، هشدار داده و تأکید کرده‌اند که در صورت ناتوانی مدیریت در ایجاد تغییر یا دفاع از دانشگاه، رئیس دانشگاه باید مسئولیت وضعیت موجود را بپذیرد یا از سمت خود کناره‌گیری کند.

هم‌زمان با انتشار این نامه، برگزارکنندگان کارزاری را نیز منتشر کرده‌اند که شمار امضاکنندگان آن از مرز یک‌هزار نفر گذشته است.

مرکز آموزش و مشاوره حقوقی «دادبان» نیز با انتشار مطلبی ضمن تأیید افزایش فشار بر دانشجویان در دانشگاه‌های کشور نوشته ادامه این روند، نگرانی‌ها درباره محدود شدن فضای فعالیت‌های دانشجویی و افزایش برخورد‌های انضباطی با دانشجویان را تشدید کرده است؛ به‌ویژه آنکه هم‌زمانی چند پرونده برای برخی افراد می‌تواند آثار قابل توجهی بر وضعیت تحصیلی و آموزشی آنان بر جای بگذارد.

«دادبان» تأکید کرده رسیدگی‌های انضباطی باید بر پایه اصول دادرسی عادلانه و با رعایت حقوق دفاعی دانشجویان انجام شود و نباید به ابزاری برای محدود کردن آزادی‌های دانشگاهی تبدیل شود. هم‌زمانی این موج گسترده پرونده‌سازی با نزدیک شدن به بازگشایی کامل دانشگاه‌ها و ادامه مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا، نشان می‌دهد هدف از این برخوردها، کنترل و سرکوب پیشگیرانه فضای دانشگاه و جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه اعتراض یا فعالیت دانشجویی در ماه‌های پیش رو باشد.

از سوی دیگر در پی ادامه فشارهای انضباطی بر دانشجویان دانشگاه «آریامهر» (شریف) جمعی از دانشجویان این دانشگاه با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به محمدرضا تجریشی، رئیس دانشگاه، از تداوم سیاست‌های امنیتی، عملکرد کمیته انضباطی و آنچه «عدم تغییر معنادار در مدیریت دانشگاه» خوانده‌اند، انتقاد کردند.

در این نامه، دانشجویان با اشاره به پایان دوره مدیریت دو رئیس پیشین دانشگاه، اعلام کرده‌اند که با انتخاب رئیس جدید از طریق رأی اعضای هیئت علمی، انتظار داشتند فضای دانشگاه به سمت آرامش و کاهش مداخلات امنیتی حرکت کند، اما به گفته آنان، پس از گذشت حدود یک سال از آغاز ریاست تجریشی، بخش قابل توجهی از بدنه دانشگاه معتقد است تغییری اساسی در شیوه اداره دانشگاه ایجاد نشده است.

نویسندگان نامه همچنین عملکرد معاونت دانشجویی و کمیته انضباطی را مورد انتقاد قرار داده و نوشته‌اند که این بخش‌ها با همان ترکیب و رویکرد گذشته به فعالیت خود ادامه داده‌اند. به گفته آنان، با وجود اختیارات رئیس دانشگاه برای تغییر ترکیب این کمیته‌ها، طی یک سال گذشته هیچ اقدام مؤثری برای اصلاح این ساختارها صورت نگرفته است.

در بخش دیگری از این نامه، دانشجویان از تشکیل دست‌کم ۳۰ پرونده انضباطی در ماه‌های اخیر خبر داده و اعلام کرده‌اند که ۱۳ دانشجو با احکام بدوی تعلیق یا اخراج مواجه شده‌اند و احکام سه نفر نیز در کمیته تجدیدنظر تأیید شده است. آنان همچنین مدعی شده‌اند که هم‌زمان با بازداشت شماری از دانشجویان، دانشگاه از پیگیری و حمایت از آنان خودداری کرده است.

این نامه همچنین به محدودیت‌های اعمال‌شده بر ورود دانشجویان به دانشگاه پس از جنگ اشاره کرده و مدعی شده است که بسیاری از دانشجویان حتی برای پیگیری امور پژوهشی نیز از ورود به دانشگاه منع شده‌اند، در حالی که

اقتصاددانان مهار تورم اقتصاد ایران را در گرو صلح و اصلاحات ساختاری می‌دانند



● اقتصاددانان معتقدند که توافق با آمریکا، لغو تحریم‌ها یا آزادسازی پولهای بلوکه شده ایران در دیگر کشورها، هیچ یک ضمانتی بر ایجاد رشد اقتصادی و بهبود پایدار شرایط اقتصادی کشور یا معیشت مردم نیست.

● اقتصاددانان سالهاست تأکید دارند آنچه بیش از تحریمها اقتصاد ایران را با بحران روبرو کرده ساختار معیوب و ضدتوسعه‌ای است که در چهار دهه اخیر در درون اقتصاد ایران شکل گرفته است.

● محمد طیبیان، اقتصاددان: نباید تصور کرد که صرف توافق یا رفع محدودیت‌ها به تنهایی مشکلات اقتصادی را حل می‌کند. اگر برنامه جایگزین و اصلاحات ساختاری وجود نداشته باشد، آثار مثبت اولیه نیز دوام نخواهد داشت.

● مرتضی افقه، اقتصاددان با هشدار درباره اینکه «نبايد این انتظار را برای جامعه ایجاد کرد که یک باره پس از انجام توافق، شرایط اقتصادی متحول می‌شود» گفته «بهبود قطعی وضعیت اقتصادی کشور و قرارگیری در مسیر توسعه پایدار، منوط به ایجاد تحولات وسیع در ساختارهای غیراقتصادی است.»

در حالیکه مقامات حکومتی مدعی هستند که امضای تفاهم‌نامه با ایالات متحده و آزادسازی بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران سبب گشایش اقتصادی و حل بحران‌های اقتصادی کشور خواهد شد، اقتصاددانان اقدامات اصلاحی در ساختار اقتصاد ایران را ضمانت بهبود شرایط ارزیابی می‌کنند.

مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۸ تیرماه ۱۴۰۵ از آزادسازی بخشی از دارایی‌های مسدودشده جمهوری اسلامی بر اساس تفاهم‌نامه با آمریکا خبر داد.

او این ادعا را در سفر به شهر قم و دیدار با آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی، از مراجع دینی شیعہ، مطرح کرد و گفت: «بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، ۶ میلیارد دلار از مجموع ۱۲ میلیارد دلار منابع ایران در قطر آزاد و به کشور بازگردانده خواهد شد و برای بازگشت بخش باقی‌مانده این منابع نیز پیگیری‌های لازم در حال انجام است.»

مسعود پزشکیان همچنین توافق با آمریکا را «پیروزی بزرگ» عنوان کرد که «در چارچوب آن، تحریم‌های نفتی و پتروشیمی برداشته شده است» و «دولت نیز همزمان با پیگیری روند بازسازی، برنامه‌های حمایتی از معیشت مردم را در دستور کار قرار داده و افزایش اعتبار کالابرج از جمله این اقدامات است.»

با اینهمه اقتصاددانان معتقدند که توافق با آمریکا، لغو تحریم‌ها یا آزادسازی پولهای بلوکه شده ایران در دیگر کشورها، هیچ یک ضمانتی بر ایجاد رشد اقتصادی و بهبود پایدار شرایط اقتصادی کشور یا معیشت مردم نیست.

اقتصاددانان سالهاست تأکید دارند آنچه بیش از تحریمها اقتصاد ایران را با بحران روبرو کرده ساختار معیوب و ضدتوسعه‌ای است که در چهار دهه اخیر در درون اقتصاد ایران شکل گرفته است.

در همین رابطه محمد طیبیان، اقتصاددان در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته کاهش تورم، بهبود ارزش پول ملی و کاهش فشار معیشتی بر مردم از مهم‌ترین دستاوردهای کوتاه‌مدت صلح خواهد بود، اما بهره‌گیری از این فرصت

جندی‌شاپور اهواز نیز گفته «برای بازگشت اقتصاد کشور به شرایط عادی لازم است سه شرط اساسی محقق شوند. در گام نخست باید جنگ نظامی به پایان برسد پس از آن، همه تحریم‌های اقتصادی علیه کشور رفع شده و در نهایت تنش و درگیری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با کشورهای عربی و حاشیه خلیج فارس که در چند ماه اخیر رخ داد حل شود و وضعیت به حالت عادی بازگردد.»

این اقتصاددان افزوده در روزهای اخیر و پس از اعلام خبر انجام مذاکرات و توافق اولیه، شاهد توقف افزایش قیمت کالاها به ویژه ارز و طلا بودیم. اما برای تثبیت این وضعیت، باید دید که حداقل تا ۶۰ روز آینده چه پیش خواهد آمد. در صورت تحقق شرط‌های ذکر شده می‌توان از سرعت افزایش قیمت‌ها کاست؛ چراکه عمده دلایل وضعیت کنونی اقتصاد کشور، مسائل داخلی است.»

استاد اقتصاد دانشگاه جندی‌شاپور با بیان این هشدار که «نبايد این انتظار را برای جامعه ایجاد کرد که یک باره پس از انجام توافق، شرایط اقتصادی متحول می‌شود» گفته «بهبود قطعی وضعیت اقتصادی کشور و قرارگیری در مسیر توسعه پایدار، منوط به ایجاد تحولات وسیع در ساختارهای غیراقتصادی، از جمله انتصاب کارگزاران متخصص، رفع بروکراسی‌ها، اصلاح قوانین تولید، توسعه اقتصادی و... است.»

او گفته «البته پس از دست‌یابی به توافق، پیش‌بینی می‌شود که در مدت کوتاه، شاهد کاهش سرعت افزایش قیمت کالاها باشیم. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد میزان درآمد و اشتغال نیز افزایش یابد؛ بنابراین، موفقیت مذاکرات، الزاماً، کاهش قیمت کالاها را به دنبال نخواهد داشت بلکه درآمد افراد جامعه افزایش خواهد یافت و در ادامه نیز قدرت خرید افزایش پیدا می‌کند.»

این اقتصاددان از بیکاری، تورم، میزان رشد اقتصادی و... به عنوان «معدوم اقتصادی» مشکلات کشور نام برد و افزود: با توجه به اینکه ریشه این مشکلات «غیراقتصادی» است، نمی‌توان آن‌ها را با رهنماهای «اقتصادی» درمان کرد.

نیازمند برنامه‌های جامع برای توسعه تولید، اشتغال و جذب سرمایه‌گذاری است.

این اقتصاددان توضیح داده اقتصاد ایران طی دو دهه گذشته از درآمدهای قابل توجه نفتی برخوردار بوده، اما مدیریت ناکارآمد و کنار گذاشتن مبانی توسعه‌محور موجب شده این منابع نتوانند به رشد پایدار اقتصادی منجر شوند. نتیجه این روند، شکل‌گیری نوعی قفل‌شدگی در اقتصاد و گسترش فعالیت‌های رانتی بوده است.

او ادامه داده «وابستگی بیش از حد به بخش مسکن و گسترش فعالیت‌های سوداگرانه، نه تنها مشکلات این بخش را حل نکرد بلکه به رکود و ناکارآمدی گسترده‌تر در اقتصاد دامن زد. اگر قرار باشد از فرصت‌های ناشی از صلح استفاده شود، باید رویکردهای گذشته مورد بازنگری قرار گیرد و برنامه‌های مبتنی بر توسعه دانش‌بنیان، افزایش بهره‌وری و تقویت تولید در دستور کار قرار گیرد.»

به گفته این اقتصاددان نباید تصور کرد که صرف توافق یا رفع محدودیت‌ها به تنهایی مشکلات اقتصادی را حل می‌کند. اگر برنامه جایگزین و اصلاحات ساختاری وجود نداشته باشد، آثار مثبت اولیه نیز دوام نخواهد داشت.

محمد طیبیان افزوده «بهبود ارزش پول ملی زمانی پایدار خواهد بود که تولید افزایش یابد و اشتغال گسترش پیدا کند. اقتصاد واقعی باید تقویت شود؛ زیرا متغیرهای پولی و ارزی در نهایت بازتاب عملکرد بخش واقعی اقتصاد هستند. اگر رشد اقتصادی بر پایه تولید دانش‌بنیان، صادرات غیرنفتی و افزایش بهره‌وری شکل نگیرد، هرگونه بهبود در بازار ارز موقتی خواهد بود.»

او توضیح داده که اگر سیاست‌گذاران بتوانند از مقطع معافیت تحریمی و آزادسازی پولهای بلوکه شده برای بازسازی اقتصاد، تقویت تولید، افزایش اشتغال و توسعه صادرات استفاده کنند، آثار مثبت آن در معیشت مردم و آینده اقتصاد کشور نمایان خواهد شد. در غیر این صورت، گشایش‌های اولیه نمی‌تواند به تحول پایدار اقتصادی منجر شود. از سوی دیگر مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه

موج جدید گرانی دارو؛ دولت بار افزایش هزینه‌های سلامت را بر دوش مردم انداخت



این ماه‌ها به‌مراتب بالاتر از تورم کل بوده و در مقایسه با نرخ‌های حدود ۱/۴ و ۳/۴ درصدی بهمن و اسفند سال گذشته، از جهش قابل‌توجه هزینه‌های درمان حکایت دارد. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران تورم ماهانه گروه بهداشت و درمان در خرداد به ۹/۴ درصد رسیده که ۳/۵ واحد درصد بیشتر از تورم ماهانه کل اقتصاد (۵/۹ درصد) است. استمرار این روند نشان می‌دهد فشار هزینه‌ای در بخش درمان رو به افزایش است؛ موضوعی که با توجه به سهم قابل‌توجه هزینه‌های درمان در سبد مصرفی خانوار، می‌تواند بیشترین فشار را بر دهک‌های متوسط و کم‌درآمد وارد کند. روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز در شماره روز چهارشنبه ۱۰ تیرماه ۱۴۰۵ گزارشی نوشته همزمان با افزایش قیمت دارو، ناکارآمدی پوشش بیمه‌ای، سهم پرداختی بیماران را افزایش داده است. این گزارش به نقل از کارشناسان نوشته تداوم تولید بدون اصلاح قیمت‌ها ممکن نیست، اما در نبود بیمه‌های کارآمد، هزینه این اصلاح را بیماران می‌پردازند. بررسی‌های میدانی «دنیای اقتصاد» از روند قیمت ۱۸ قلم داروی منتخب نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها در ماه‌های اخیر به یک پدیده فراگیر در بازار دارو تبدیل شده است. از میانه سال ۱۴۰۴ تا خرداد ۱۴۰۵، نرخ رشد ماهانه قیمت این اقلام عمدتاً در بازه ۷ تا ۲۰ درصد قرار داشته و برخی داروها مانند گاباپنتین، پراگابالین و آنورواستاتین، رشدهای ماهانه نزدیک به ۲۰ درصد را تجربه کرده‌اند.

«دنیای اقتصاد» در ادامه نوشته تداوم چنین نرخ‌هایی در چند ماه متوالی، از انباشت فشار هزینه در بازار دارو و فراتر رفتن افزایش قیمت‌ها از یک نوسان مقطعی حکایت دارد؛ روندی که در صورت استمرار، می‌تواند دسترسی خانوارها، به‌ویژه بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن، به دارو را با دشواری بیشتری مواجه کند.

هرچند این اقلام نماینده کل بازار دارو نیستند، اما روند قیمتی آنها با شتاب تورم در گروه بهداشت و درمان همخوانی دارد و نشان می‌دهد افزایش هزینه‌های درمان تنها در شاخص‌های رسمی منعکس نشده، بلکه

«امضاهای طلایی» در وزارت بهداشت، سازمان غذا و دارو و دیگر بخش‌های حوزه سلامت وارد خواهد شد، زیرا هرگونه رانت و انحراف در تامین دارو، به‌طور مستقیم سلامت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیش از این نیز برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی «رانت و فساد» را به‌عنوان یکی از بسترهای بروز بحران دارو در ایران ارزیابی کرده بودند. روح‌الله لک علی‌آبادی عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی هفته گذشته فاش کرد پیش از آغاز جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا با دستور علی‌خامنه‌ای یک میلیون دلار از صندوق توسعه ملی برای خرید و واردات دارو و تجهیزات پزشکی برداشته شد. او گفت دولت مدعی است ۳۰۰ میلیون دلار از این رقم هزینه شده اما سرنوشت ۷۰۰ میلیون دلار آن مبهم و نامشخص است.

روح‌الله لک علی‌آبادی افزود هزینه‌کرد ۳۰۰ میلیون دلار برای تهیه دارو و تجهیزات پزشکی هم نیازمند توضیحات کامل‌تری از سوی مسئولان دولت است. این عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی تأکید کرده «ما به هیچ وجه کوتاه نیامده‌ایم و نخواهیم آمد و با جدیت پیگیر هستیم که مشخص شود این مبالغ کجا و چگونه هزینه شده و چرا امروز با کمبود برخی داروها مواجه هستیم.» محمدرسول شیخی‌زاده، دبیر کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی هم روز دوشنبه هشتم تیر در مصاحبه با سایت دیده‌بان ایران تأکید کرد تا پیش از پایان تحقیق و تفحص، نمی‌توان با قطعیت گفت ۱۲۰ هزار میلیارد تومان ارز دارو کجا هزینه شده و آیا در مسیر درست به کار رفته است یا نه.

قابل توجه اینکه گروه «بهداشت و درمان» در خرداد ۱۴۰۵ همچنان یکی از بالاترین نرخ‌های افزایش قیمت را در میان گروه‌های اصلی هزینه‌ای خانوار به ثبت رسانده است. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد تورم ماهانه این گروه از ابتدای سال روندی کم‌سابقه داشته و پس از ثبت نرخ‌های ۱۵/۶ و ۲۳/۱ درصدی در فروردین و اردیبهشت، در خرداد نیز به ۸/۶ درصد رسیده است؛ ارقامی که در تمام

● سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی، گفت حدود ۵۶۰ قلم دارو در ایران در وضعیت بحرانی، و حدود ۱۸۰ قلم دارو در وضعیت حاد قرار دارند.

● بر اساس گزارش مرکز آمار ایران تورم ماهانه گروه بهداشت و درمان در خرداد به ۹/۴ درصد رسیده که ۳/۵ واحد درصد بیشتر از تورم ماهانه کل اقتصاد (۵/۹ درصد) است. ● روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته همزمان با افزایش قیمت دارو، ناکارآمدی پوشش بیمه‌ای، سهم پرداختی بیماران را افزایش داده است. این گزارش به نقل از کارشناسان نوشته تداوم تولید بدون اصلاح قیمت‌ها ممکن نیست، اما در نبود بیمه‌های کارآمد، هزینه این اصلاح را بیماران می‌پردازند.

برخلاف وعده‌های وزارت بهداشت، قیمت دارو همچنان ادامه دارد و دولت نه تنها در کنترل قیمت دارو شکست خورده بلکه کاهش پوشش بیمه‌ای هزینه دارو و درمان، در عمل هزینه سلامت را بر دوش مردم انداخته است.

سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی، گفت حدود ۵۶۰ قلم دارو در ایران در وضعیت بحرانی، و حدود ۱۸۰ قلم دارو در وضعیت حاد قرار دارند. سلمان اسحاقی روز سه‌شنبه ۹ تیرماه ۱۴۰۵ در نشست کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی این آمار را اعلام، و تأکید کرد با وجود تخصیص ارز حمایتی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برای دارو و مواد اولیه، افزایش قیمت دارو و استمرار کمبودها در بازار ادامه دارد.

این نماینده مجلس شورای اسلامی از فساد پشت پرده بحران دارو، از جمله وجود «امضاهای طلایی» در وزارت بهداشت» خبر داد و گفت فهرست شرکت‌هایی که برای واردات دارو و مواد اولیه دارویی ارز دولتی دریافت کرده‌اند، در اختیار سازمان بازرسی کل کشور قرار خواهد گرفت تا نحوه تخصیص و هزینه‌کرد این منابع بررسی شود. به گفته سلمان اسحاقی، سازمان بازرسی همچنین به موضوع

روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه؛ شکنجه برای جمهوری اسلامی

«ابزار بقای حکومت» است



خطر شکنجه، بدرفتاری، بازداشت خودسرانه و دیگر نقض‌های جدی حقوق بشر علیه شهروندان افزایش یافته است.

این گزارش تأکید دارد شکنجه در جمهوری اسلامی عمیقاً در قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های حکومتی نهادینه شده است. همچنین جمهوری اسلامی در شش مورد از هفت محور اصلی ارزیابی، شامل تعهد سیاسی، خشونت پلیس و نهادهای حکومتی، مصونیت عاملان، حقوق قربانیان، حق دفاع از حقوق بشر و حمایت از همه افراد، در بالاترین سطح خطر ارزیابی شده است.

در این گزارش وضعیت بازداشتگاه‌ها نیز در سطح «خطر بالا» ارزیابی شده است. مستندات و گزارش‌ها نشان می‌دهند شکنجه در نظام جمهوری اسلامی، نه یک استثنا، بلکه ابزاری برای بقای حکومت است.

این گزارش به آمارهای سرکوب، از جمله اعدام ۱۶۳۹ نفر در سال ۲۰۲۵ که شماری از آنها هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشتند اشاره کرده و نوشته زنان و دختران، اقلیت‌های قومی، افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو، مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و وکلا بیش از دیگران در معرض شکنجه، بازداشت خودسرانه و دیگر اشکال نقض حقوق بشر قرار دارند.

از سوی دیگر تأکید شده ساختار قضایی جمهوری اسلامی مجازات‌هایی مانند شلاق و قطع عضو را مجاز دانسته و اجرا می‌کند و از دیگر نمونه‌های شکنجه برای «اعتراف‌گیری اجباری» از متهمان بهره می‌گیرد و این شیوه به‌طور گسترده برای اخذ اعترافات و پخش آنها از تلویزیون حکومتی اجرا شده است.

سازمان جهانی مبارزه با شکنجه از جمهوری اسلامی خواست اجرای احکام اعدام و مجازات‌های بدنی قضایی را متوقف کند، به کنوانسیون سازمان ملل علیه شکنجه بپیوندد، شکنجه را در قوانین خود جرم‌انگاری کند، به استفاده از اعترافات اجباری پایان دهد و امکان دسترسی بدون مانع حیات حقیقت‌یاب سازمان ملل به ایران را فراهم کند.

ملل متحد به‌عنوان «روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه» نامگذاری شده است. تازه‌ترین شاخص جهانی شکنجه، نشان می‌دهد ایران به یکی از پرخطرترین کشورهای جهان از نظر شکنجه و خشونت سازمانیافته حکومتی تبدیل شده است.

«روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه» با هدف حمایت از قربانیان شکنجه و تأکید بر ممنوعیت شکنجه و دفاع از حقوق بشر در سراسر جهان برگزار می‌شود. این روز در سال ۱۹۹۷ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته و در تقویم این سازمان ثبت شد. از مجموع ۱۹۲ کشور عضو سازمان ملل متحد، ۵۰ کشور و از جمله جمهوری اسلامی، کنوانسیون منع شکنجه را امضا نکرده‌اند. همچنین الحاقیه‌ای به پیمان منع شکنجه در اتحادیه اروپا در ۲۰۰۲ تصویب شد که از ۲۰۰۶ اجرایی شد و تدابیری برای پیشگیری از شکنجه الزام‌آور کرد.

بر اساس گزارش‌های ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد شکنجه در ۸۰ کشور جهان رواج دارد و در برخی نظام‌های قضایی از جمله قوه قضاییه جمهوری اسلامی بخشی از فرآیند سرکوب است.

کارشناسان سازمان ملل متحد تأکید دارند نبود مجازات برای عاملان، دلیل تداوم شکنجه در کشورهای مختلف است.

امسال نیز «روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه» در حالی فرا رسیده که جمهوری اسلامی، ایران را در صدر فهرست پرخطرترین کشورها از نظر شکنجه قرار داده است. سازمان جهانی مبارزه با شکنجه و نهادهای همکار، روز گذشته و به‌مناسبت «روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه» گزارش «شاخص جهانی شکنجه» را منتشر کردند. این گزارش خطر شکنجه را در ۳۹ کشور در مناطق مختلف جهان ارزیابی کرده است.

در این گزارش ایران به‌عنوان یکی از پرخطرترین کشورها از نظر اعمال شکنجه ارزیابی، و تأکید شده همزمان با آغاز جنگ ۴۰ روزه جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا

● بیست‌وششم ژوئن برابر با پنجم دی‌ماه از سوی سازمان ملل متحد به‌عنوان «روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه» نامگذاری شده است. تازه‌ترین شاخص جهانی شکنجه، نشان می‌دهد ایران به یکی از پرخطرترین کشورهای جهان از نظر شکنجه و خشونت سازمانیافته حکومتی تبدیل شده است.

● مستندات و گزارش‌ها نشان می‌دهند شکنجه در نظام جمهوری اسلامی، نه یک استثنا، بلکه ابزاری برای بقای حکومت است.

- سازمان جهانی مبارزه با شکنجه و نهادهای همکار در گزارشی تأکید کردند همزمان با آغاز جنگ ۴۰ روزه جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا خطر شکنجه، بدرفتاری، بازداشت خودسرانه و دیگر نقض‌های جدی حقوق بشر علیه شهروندان در ایران افزایش یافته است.

- در این گزارش جمهوری اسلامی در شش مورد از هفت محور اصلی ارزیابی، شامل تعهد سیاسی، خشونت پلیس و نهادهای حکومتی، مصونیت عاملان، حقوق قربانیان، حق دفاع از حقوق بشر و حمایت از همه افراد، در بالاترین سطح خطر ارزیابی شده است.

بیست‌وششم ژوئن برابر با پنجم دی‌ماه از سوی سازمان

→ در قیمت بسیاری از داروهای پرمصرف نیز به‌طور ملموس قابل مشاهده است. این تغییرات نشان می‌دهد افزایش قیمت، محدود به داروهای وارداتی یا بیماراران خاص نیست و بسیاری از داروهای پرمصرف نیز با رشد قابل‌توجه قیمت مواجه شده‌اند.

در گزارش «دنیای اقتصاد» تأکید شده بازار دارو امروز با دو چالش همزمان مواجه است؛ تولیدکنندگان از جهش هزینه‌های تولید، کمبود نقدینگی، هزینه بالای تامین مالی و دشواری تامین سرمایه در گردش سخن می‌گویند و در مقابل، بیماراران با افزایش قابل‌توجه سهم پرداخت از جیب خود روبه‌رو شده‌اند. در چنین شرایطی، اصلاح قیمت دارو را نمی‌توان صرفاً به حذف ارز ترجیحی نسبت داد؛ بلکه این وضعیت حاصل برآیند عواملی همچون جهش نرخ ارز، افزایش هزینه نهادهای تولید، سال‌ها سرکوب قیمت، بی‌ثباتی اقتصاد کلان و ناکارآمدی سازوکارهای حمایتی است.

در این میان، اگرچه کاهش قیمت‌ها از منظر تداوم تولید و جلوگیری از کمبود دارو اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد، اما بدون تقویت نظام بیمه‌ای و طراحی حمایت‌های هدفمند از بیماراران، بخش عمده بار این تعدیل مستقیماً بر دوش مصرف‌کننده نهایی قرار می‌گیرد. تجربه سال‌های اخیر نیز نشان داده است که سرکوب قیمت‌ها نه به کاهش پایدار هزینه درمان منجر می‌شود و نه امنیت عرضه دارو را تضمین می‌کند؛ بلکه نتیجه آن کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، فرسودگی بنگاه‌های دارویی و تشدید کمبودهاست. از این رو، راهکار پایدار نه در بازگشت به قیمت‌گذاری دستوری، بلکه در ایجاد ثبات اقتصادی، کاهش هزینه‌های تولید، اصلاح نظام بیمه و انتقال حمایت‌های دولتی از کالا به بیماراران نهفته است؛ رویکردی که می‌تواند هم استمرار تولید و عرضه دارو را تضمین کند و هم فشار هزینه درمان بر خانوارها را کاهش دهد.

مراسم رونمایی از کتاب «حجابی برای رنگها» با موضوع جامعه رنگین‌کمانی



ویدئو

مدرن و همچنین در رشته History of Ideas در دانشگاه لندن تحصیل کرده است. علاقه او به نویسندگی از کودکی شروع شد و خواندن آثار نویسندگان فرانسوی و روس بر استعداد و ذوق نوشتن او اثر گذار بود. سورنا سیاوشانی نوشتن کتاب حجابی برای رنگها را در سال ۲۰۱۶ شروع کرد و اکنون روی دو کتاب تازه کار می‌کند.

است. در ابتدای جلسه، نویسنده کتاب درباره انگیزه اش از نوشتن این داستان، موضوعات مهمی که در کتاب مطرح شده و الهام گرفتن از زندگی شخصی خودش به زبان انگلیسی و فارسی برای مهمانان صحبت کرد. سورنا طالبی سیاوشانی متولد سال ۱۳۶۵ در شهر تهران است. او در رشته تاریخ با گرایش تاریخ جهان در دوران

مراسم رونمایی از کتاب «حجابی برای رنگها» در روز شنبه ۲۰ ژوئن ۲۰۲۶ برابر با ۳۰ خرداد ۱۴۰۵ در سالن اجتماعات خیابان مارجرى لندن برای مهمانان ایرانی و غیرایرانی برگزار شد. کتاب «حجابی برای رنگها» نوشته سورنا سیاوشانی با موضوع جامعه رنگین‌کمانی و مشکلات زندگی این افراد در ایران، توسط انتشارات ساتراپ لندن به چاپ رسیده

گفتگو با بیژن دانشمند؛ نقش‌آفرینی در نمایش «زیر سایه»



ویدئو

لندن به عنوان اصلی‌ترین پایگاه هنر تئاتر و نمایش، شاهد اجرای صحنه‌ای نمایش اقتباسی «زیر سایه» به کارگردانی نادیا لطیف، هنرمند سودانی-بریتانیایی در سالن تئاتر آلمیدا، از دوم ژوئن تا چهارم ژوئیه ۲۰۲۶ است. نمایش «under the shadow» یا «زیر سایه»، اقتباسی است از اولین فیلم بلند بابک انوری با همین نام، که او کارگردانی و نویسندگی آن را در سال ۲۰۱۶ بر عهده داشت و جایزه بفتای بهترین فیلم اول را برای او به ارمغان آورد. داستان این نمایش در روزهای سال آخر جنگ ایران و عراق در دهه شصت خورشیدی می‌گذرد و اقتباس نمایشنامه‌ای این تئاتر توسط کارمن نصر هنرمند لبنانی-بریتانیایی انجام گرفته است.

لیلا فرزند در نقش اصلی شیده و بیژن دانشمند، از بازیگران نمایش «زیر سایه» هستند. بیژن دانشمند، بازیگر کارگردان و هنرمند ایرانی-بریتانیایی، در این نمایش نقش‌آفرینی دو شخصیت را بر عهده دارد. بیژن دانشمند همچنین بازیگر نسخه سینمایی تئاتر «زیر سایه» در سال ۲۰۱۶ بوده است. این هنرمند بیش از چهل و پنج اثر سینمایی، تلویزیونی و رادیویی در کارنامه هنری خود دارد.

پرویز صیاد در شهرهای مختلف آلمان؛ از نمایش فیلم تا دیدار با شهردار فرانکفورت



پرویز صیاد، بازیگر، نویسنده و کارگردان برجسته ایرانی، این روزها به دعوت نیلوفر تقی‌زاده، فیلمساز و تهیه‌کننده ایرانی، و در چارچوب پروژه فرهنگی «سالون آندرگراند» در سفر آلمان به سر می‌برد.

این پروژه فرهنگی که به تازگی آغاز شده، قرار است هر سال به یکی از هنرمندان تبعیدی یا هنرمندان حذف‌شده از صحنه فرهنگی و هنری در نقاط مختلف جهان بپردازد. نخستین دوره این پروژه با حضور پرویز صیاد در شهر هایدلبرگ آغاز شد. در این برنامه، فیلم «فرستاده» به نمایش درآمد و همچنین کتاب‌خوانی به دو زبان فارسی و آلمانی برگزار شد. این برنامه سپس در کلن با نمایش فیلم و گفت‌وگو با حضاران ادامه یافت.

در ادامه، این پروژه در شهرهای دوسلدورف، فرانکفورت، هامبورگ و دیگر شهرهای آلمان نیز برگزار خواهد شد. در جریان این سفر، نرگس اسکندری، شهردار فرانکفورت، از پرویز صیاد و نیلوفر تقی‌زاده در دفتر شهرداری این شهر استقبال کرد.

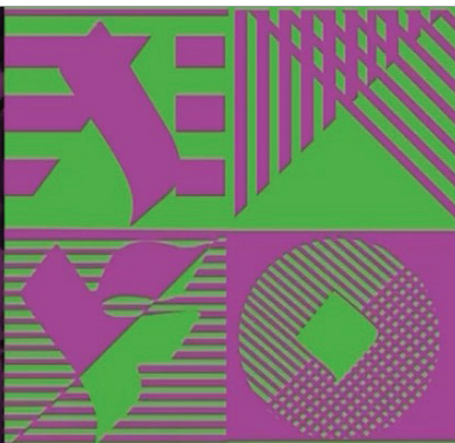
در گفت‌وگویی که نزدیک به یک ساعت به طول انجامید، دکتر اسکندری ضمن قدردانی از بیش از نیم قرن تلاش و فعالیت هنری و فرهنگی پرویز صیاد، با او درباره تجربه تبعید، نقش هنر در حفظ هویت فرهنگی و همچنین انگیزه و نیرویی که او را طی دهه‌ها در مسیر فعالیت هنری و فرهنگی استوار نگاه داشته است، به گفت‌وگو نشست.

به حمایت خود از هنرمندان تبعیدی اشاره کرد و از برگزاری نمایشگاه‌های هنری در ساختمان شهرداری فرانکفورت برای معرفی آثار آنان به شهروندان آلمانی سخن گفت.

دکتر اسکندری همچنین از تلاش‌های خود برای زنده نگه داشتن یاد جان‌باختگان انقلاب ملی ایران سخن گفت؛ از جمله نامگذاری یکی از خیابان‌های فرانکفورت به نام مهسا (ژینا) امینی. او همچنین



سیزدهمین دوره فستیوال فیلم «چشم‌انداز ایران» در شهر کلن



visions of iran
Iranisches
Filmfestival Köln
10.-14.6.2026
Filmforum NRW



visions of iran
Iranisches
Filmfestival
Köln



برگزاری جشنواره چشم‌انداز سینمای ایران در کلن



نمایش درآمدند و علاقه‌مندان سینمای ایران فرصت یافتند با آثار متنوعی از فیلمسازان ایرانی آشنا شوند.

لودویگ شهر کلن برگزار شد. در این دوره از جشنواره، ده فیلم بلند و شش فیلم کوتاه به

سیزدهمین دوره فستیوال فیلم ایرانی «چشم‌انداز ایران» از دهم تا چهاردهم ژوئن ۲۰۲۶ در سالن سینمای موزه



حذف تیم فوتبال جمهوری اسلامی از جام جهانی؛ مردم: «این تیم را خدا زد»

با توریست‌ها معامله نکنید!
۲۵۰ سال پیش، آمریکا آزادی را برگزید، امروز نیز مردم ایران برای آزادی مبارزه می‌کنند.



معامله با رژیم صهیونیک جمهوری اسلامی در نماند یا ازمان‌ها و ارزش‌های اوقات مستعد است.
گروه‌های ایرانیان مخالف سفارتخانه‌های آمریکا
۳ روزه
از ۴ ژوئیه ۲۰۲۶؛
گروه‌هایی ایرانیان مقابل سفارتخانه‌های آمریکا؛ با توریست‌ها معامله نکنید!



تشدید فشارهای انضباطی، امنیتی و قضایی بر دانشجویان



شاهزاده رضا پهلوی؛ ما همچنان وظیفه داریم از هر فرصتی برای رساندن صدای ملت ایران به جهان بهره ببریم



شاهزاده رضا پهلوی؛ کشتی جمهوری اسلامی در حال غرق شدن است



توافق سه‌جانبه اسرائیل، لبنان و آمریکا؛ نتایج: توافق صلح ضربه سختی به جمهوری اسلامی خواهد بود

مسکن

جاماندن ۸۴ درصد مردم ایران از بازار مسکن؛
کارگران ناتوان از پرداخت اقساط ۱۲ تا ۱۴ میلیون تومانی



افزایش تورم موادخوراکی به ۱۳۵ درصد



اعضای هیبرگان رهبری ضمن «مهدورالدم» خواندن ترامپ و نتانیاهو با بازگشایی تنگه هرمز مخالفت کردند



کسرتش تجمعات صنفی در ایران؛ از کارگران و بازنشستگان تا کشاورزان



محکومیت پنج فعال صنفی در استان خوزستان به زندان و ممنوعیت خروج از کشور



از اسپیتاک تا ایران؛ وقتی انسان‌ها با زادروزهای متفاوت، در مرگی مشترک به هم می‌رسند



اختلال مهندسی‌بنده اینترنت در ایران ادامه دارد



روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه؛ شکنجه برای جمهوری اسلامی «ابزار بقای حکومت» است



۱۸ روز بی‌خبری از زرتشت احمدی راغب؛ زندانی سیاسی، پس از انتقال به مکان نامعلوم



معاون قوه قضائیه؛ موتورسواری بانوان منع شرعی ندارد



حملات محدود آمریکا به تأسیسات موشکی، پهپادی و رادار ساحلی قشم و سیریک



رگورد تکاندهنده تورم در خردادماه؛ تورم نقطه‌ای به مرز ۹۰ درصد رسید



دومین حمله پیاپی آمریکا به تأسیسات نظامی در جنوب ایران در واکنش به حمله سپاه پاسداران به کشتی‌های خارجی



شش ساعت قطع پیوسته برق در شرق تهران



هشدار کارشناسان درباره «مومنوم تورمی» در اقتصاد ایران



میوه چگونه از سبد مصرفی خانوار حذف شد؟



تعویق مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا در پی افزایش درگیری‌ها در تنگه هرمز



قیمت ارز و طلا در بازار ایران دوباره افزایش یافت



کارکنان راه‌آهن ایران خواستار رسیدگی فوری و موثر مسئولان به مشکلات انباشته معیشتی شدند



صدور حکم ۱۴ ماه زندان علیه
آموزگار بازداشت‌شده در اعتراضات
دی ۴۰۴



تنش آبی در ۵۸ شهر
و صدها روستای ایران



ونس:
رفتار نمایندگان جمهوری اسلامی
در انکار مذاکرات را درک نمی‌کنم



وال استریت ژورنال:
ترامپ پس از بررسی گزینه «جنگ تمام‌عیار»
تصمیم به ادامه مذاکره با جمهوری اسلامی
گرفت



جمهوری اسلامی هرگونه مذاکره
با آمریکا در دوحه را تکذیب کرد؛
سی‌ان‌ان: ویتکاف راهی قطر شد



گرانی سرسام‌آور:
هزینه نقاشی اتومبیل در سال جدید
دو برابر شد



تورم فزاینده و درآمدهای ناچیز؛
ده‌ها میلیون نفر از جمعیت ایران چگونه
به زیر خط «فقر مطلق» رانده شدند؟



جمع اعتراضی پرستاران در تهران



رافائل گروسی:
«اجماع غیرقابل انکاری» در مورد دسترسی
بازرسان آژانس به سایت‌های ایران حاصل
شده است



کاهش تکانه‌دهنده نرخ مشارکت
اقتصادی در ایران؛
زنان قربانیان آشفتنگی در بازار کار



موج جدید گرانی دارو؛
دولت بار افزایش هزینه‌های سلامت
را بر دوش مردم انداخت



شیرین عبادی و جمعی از کارشناسان؛
دانشگاه جرج واشنگتن عملکرد سینا عضدی
را بررسی کند



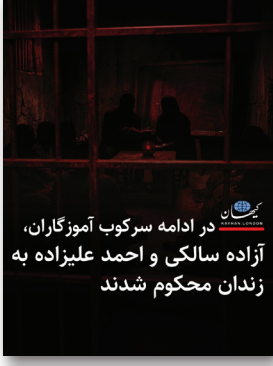
بدون شرح!
طرح از س. روبری



علت اختلال دو هفته‌ای در خدمات‌دهی بانک‌ها؛
هک توسط اسرائیل یا اقدام بانک مرکزی
برای کنترل قیمت ارز و طلا؟



اداره زندان شهرستان ساوه
اعصاب غذای ۳۰ معترض
بازداشت‌شده دی ۴۰۴ در زندان ساوه



در ادامه سرکوب آموزگاران،
آزاده سالکی و احمد علیزاده به
زندان محکوم شدند



اقتصاددانان مهار تورم اقتصاد
ایران را در گرو صلح و اصلاحات
ساختاری می‌دانند



فرمانده قرارگاه «خاتم‌الانبیاء»:
نیروهای مسلح «دست به ماشه» آماده
شلیک به قلب دشمن هستند



نماینده خامنه‌ای در خوزستان:
تمام پایگاه‌های آمریکا در منطقه
در تیررس موشک‌های سپاه است



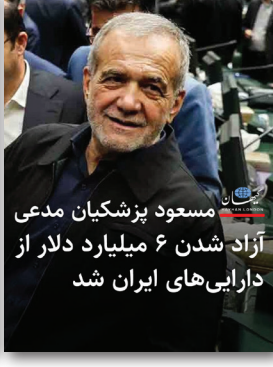
چند روز تعطیلی کشور برای
برگزاری مراسم تدفین بقایای خامنه‌ای



سقوط قدرت خرید کارگران
با افزایش قیمت نان



بحران کمبود انرژی؛
برگزاری آنلاین مدارس و دانشگاه‌ها
در سال تحصیلی آینده



مسعود پزشکیان مدعی
آزاد شدن ۶ میلیارد دلار از
دارایی‌های ایران شد



اختلاف در «مجلس خبرگان رهبری»
بر سر معامله با آمریکا



فروش کیلویی نان برای جلوگیری
از کم‌فروشی نانویان



عکس هفته | حاصل وعده آب مجانی: بی‌آبی و تنش آبی در صدها شهر و روستا

در حالیکه روح‌الله خمینی رهبر انقلاب ۵۷ وعده آب و برق مجانی را به مردم داده بود، جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته با سوءمدیریت و ناکارآمدی، منابع آبی کشور را به نابودی کشانده و اکنون صدها شهر و روستا با تنش آبی روبرو هستند و تأمین آب آشامیدنی -غیررایگان!- برای میلیون‌ها نفر از جمعیت کشور با بحران روبروست و بسیاری از شهروندان از طریق آبرسانی با تانکر به آب دسترسی پیدا می‌کنند.